هو الله تعالی

(رسالهٔ مزارات بابرکات)
هرات

طبع ۱۳۱۰

(در مطبعهٔ دانش)





سبب نشر این رساله

بعد از انکه بنده اله وآقای «سرور جویا» از طبع مجله مناجات حضرت «خواجه عبد الله انصاری» فراغت حاصل نمودیم «جناب حاجی محمد عظیم خان» هراتی که از دیر زمانی در صدد دستیابی مکمل رساله مزارات بابرکات هرات بوده وبه طبع ونشر آن تمایل قلبی داشتند، معاونت خودرا درانطباع این رساله نایاب اصرار داشته واینک بعون الله تعالی در طبع آن اقدام ورزیدیم وضمناً بعرض مرام می پردازیم

هرات از شهرهای قدیمی ومشهور بعلاقه [آریاست] درین حدود یعنی صوبه «آریا» بسیار شهرها بوده که باید دربین هرات ومشهد باشد، وشك نیست شهر هرات که شرقیها اورا «هری» میگویند — نزد یونانیان بنام «آریا» موسوم بوده اما یقین نشده است کدام شهر [آریا] گفته می شده است، قرار گفته (آرین) مورخ پایتخت (آریا) (آرتاکوانا) یا «ارتاگانا» بوده دو شهر دیگر «سکندریه» و «اخابه» و هم یکی (کندکی) است ومسلم نیست ازینها کدام یك هرات است — قرار بیان (پاری) مورخ

شهر [ار تا کوانا] پایتخت آریا عبارت ازشهرفوشنگ است ابن عقیل (پوشنگ) نوشته که ازهرات به فاصله یك منزل است وبسر حد دریای هریرود است [فعلاد ر جنوبی زنده جان علاقه غوریان آثار این شهر موجود است] بینی مورخ هم این را تائید کرده که (ارتاکوانا) همین شهر فوشنگ است و شهر سکندریه شاید شهر فراه باشد وآریا همین شهر هرات است ولی فراه ازحدود آریا خارج است باری بقول (پلوتارق) مورخ شهرفراه را سکندر اعظم بنانموده واز «آریا» بهند بهمین راه میرفته اند ٭

بهر صورت مسلم شد که هرات از صوبه های نهایت قدیمی است «آرین» مورخ هم عقیده دارد که هرات قبل از سکندر اعظم بنا شده ومیگوید سکندر اینقدر مجال پیدا نکرد که در این سرزمین سر از نو شهر بسازد — اینطور هم شده که فاتحین مقدونیه بهرجا میرسیدند شهر های سابقه را نامهای نومی گذاشتند ٭

صاحب روضة الصفا می نویسد — هرات از شهرهای عظیم قدیم است و پادشاهان ذی شوکت دراین مقام اهتمام نموده ومقر خود داشته چنانکه از فحوای این رباعی معلوم میشود :—

لهراسپ نهاده است هری را بنیاد * گشتاسب براو بنای دیگر بنهاد
بهمن پس ازو عمارت دیگر کرد * اسکندر رومیش همه داد بداد

(عرض مقصود)

چون غرض از طبع و نشر این رساله تاریخ وتشریح حالات بزرگان و مشایخ واکابر دین مبین اسلامی هستند که در این سرزمین غنوده اند — لذا تاریخ هرات از سابق وخصوصاً از زمانی که دیانت اسلامی در این خطه شیوع پیدا نموده و استیلای مسلمان ها وتسلط عرب بوجود آمده بود هم تذکار میگردد •

صاحب فتوحات اسلامی بنا بر قول صحیح مینویسد — در سال (۲۳) از هجرت — بدوره خلافت حضرت عمر فاروق (رض) خراسان فتح شد در همان زمان (یزدجرد) که از تهاجم عساکر مسلمین هزیمت دیده بود در مرو پناهنده شده و در آنجا آتشکده بنا کرده و فارس و امجداً بر علیه حکومت عرب بشورانید ، حضرت عمر رض (احنف بن قیس) را که صاحب لوائی بود به خراسان عازم فرموده وبا لشکر زیاد خراسان را گرفتند وازراه (طبسین) بهرات عازم و به غلبه هرات را فتح کردند و [صحاری عبدی] را حکمران هرات نمودند — ولی

بعد از شهادت حضرت عمر (رض) اهل خراسان مخالفت نموده بودند (عبدالله بن حازم) برای فتح هرات آمده ولی با ابن (عامر) که والی اینولایت بوده مصالحه نموده و هرات را در تحت استیلا آورده بودند —

گویا نشئت دیانت اسلام در هرات بدورهٔ خلافت حضرت عمر فاروق رضی الله تعالی عنه گفته می شود —

و بعدها در دورهٔ خلفاء سوم و چهارم و بنی امیه و بنی عباس هم سلطهٔ عرب در این ولا وجود داشته و سلاطین نامداری که بعدها از سامانی ها و سلجوقی ها قدرت یافته اند هم مربی دیانت اسلامی بوده اند مگر عظمت هرات در این دورهٔ اخیر بزمان (امیر تیمور گرکان) وخصوص هنگام سلطنت امیر شاه‌رخ بوده

این پادشاه عظیم الشان مرکز سلطنت خودرا ولایت هرات قرار داده و آثار تاریخی مهمی نسبت بعالم دیانت پروری خود باقی گذاشت که غرض از تعمیر مصلاء هرات است •

صاحب روضة الصفا توضیح میدهد که درسال ۸۱۱ شاهرخ میرزا از سمرقند عودت فرمودند بعمارت باغ سفید وارد و بنای مدرسه شریف خانقاه معارف پناه در شمالی قلعه اختیار الدین با تمام رسید و مدرسه مهد علیا تعمیر گوهرشاد آغاهم آثارش ظاهر است



در سال ۱۵۸ این پادشاه معارف دوست وفات یافته است •

مقصود اینکه چون سلاطین نامدار سعادت کردار در زمان سلف مربی علم وعرفان ومعاون اهل فضل و ایمان بوده اند مزیداً درهرات اهل علم وبزرگان دین قیام داشته و به فیوضات لدنی رسیده اند زیرا سعادت دین ودنیا از علم حاصل است و تعمیم علوم دینی در این سرزمین فوق التصور بوده است •

حضرت پیر هرات خواجه عبد الله انصاری (رحمة الله علیه) میفرمایند: (حق تعالی خواست که قدرت خود نماید عالم را آفرید ــ وخواست که خود را نماید آدم را آفرید) البته کسانیکه صفت حقیقی آدمیت را دارایند همین درویشان ومشایخ و بزرگانند که در پی حقیقت بودند و به اصول حقه طریقت •

[طریقت چیست؟]

التعظیم لامر الله؛ والشفقة علی خلق الله ــ این مردان راه خدا بودند که به اوامر ونواهی الهی اطاعت و تعظیم و بخلق الله شفقت و مرحمت داشته اند بدیهی است رفتار این بزرگواران سرمشق بزرگی است بآن کسانیکه بخواهند به اسلامیت وانسانیت حقیقی

واصل گردند چه اوشانند که متصف بهمه صفات نیك بوده بهرکس نیکی را پسندیده اند ـ واز بدیها دست کشیده اند بی عمل نبودند ـ وفریفته عمل نبودند مال و اعاریت دانستند وطاعت را غنیمت شك را گذاشتند ؛ و یقین را دریافتند ؛ وبالجمله باحق بصدق ، با خلق به انصاف ، با درویشان باخلاص ؛ بادوستان به نصیحت با دشمنان بحلم ، وباعالمان بتواضع بوده آنچه بخود نه پسندیدند بدیگری هم راضی نگردیدند ؛ بلکه تنها در حق بنی نوع انسان این رعایه را صرف نکرده بتمام کاینات و بهمه صنوف حیوانات جاده انصاف وعدالت پیموده واز راه مروت عدول نفرموده اند •

عارف شهیر شرق حضرت شیخ سعدی علیه الرحمه میفرماید طریقت بجز خدمت خلق نیست * بگفتار و عمامه و دلق نیست
و باز از صفات نیك و شفقت مردان راه طریقت حکایت میفرمایند !ـ

یکی سیرت نیک مردان شنو * اگر نیک مردی و فرزانه و و
که شبلی ز حانوت گندمفروش * بده برد انبان گندم بدوش
نگه کرد موری در آن غله دید * که سرگشته هرجانبی میدوید
زرحمت براوشب نیارست خفت * بماوای خود بازش آورد گفت
مروت نباشد که این مور ریش * پراکنده گردانم ازجای خویش

درون پراکنده گان جمعدار * که جمعیتت باشد از روزگار
چه خوش گفت فردوسی پاکزاد * که رحمت بر آن تربت پاک باد
میازار موری که دانه کش است * که جان دارد و جان شیرین خوش است
سیاه اندرون باشد و سنگدل * که خواهد که موری شود تنگدل
گرفتم زتو ناتوان تر بسیست * توانا تر از توهم آخر کسیست

در خاتمه به تقریب اینکه مدفن اولیاء کبار و مرقد درویشان نامدار در این مجله قید و به ارباب بصیرت و ارادتمندان به اهل طریقت موضح و نمودار میگردد، امید است استغاثت از خداوند متعال به برکت این بزرگان خجسته خصال فرموده به اعمال و افعال مردان راه حقیقت پیروی و از نظر اخلاص و ارادت وشیوه وفا و صمیمیت در این مراحل قدم بگذارند تا فایده دارین را حاصل بدارند.

(عبد الکریم احراری)





الحمد لله الذی جعل زیارت مراقد الاولیاء وسیلة
بحصول مقاصد العباد والصلوة والسلام علی سید الانبیاء
والاوتاد وعلی آله واصحابه صلوة دائمة تامة
الی یوم التناد اما بعد فیقول الداعی لدوام
الحضرت السلطان احقر خلق الله عبد الله بن عبد الرحمن
الحسینی المشهور بابن کبل لانظ باصیل الدین الواعظ
اعانه الله تعالی فی اتمام مهماته ونیل مرامه یقبل
دعواته وحاجاته شعر (۱) هبطت الیك من المحل الارفع
ورقاء ذات تعزز وتمنع ؛ باشارت عالی جناب شریعت
مآب حقیقت ایاب مزین شرع محمدی ومعین سنت احمدی
لازال علیه صلوات الابدی وارد شده که درپایه

---

(۱) این شعر مقتبس است از قصیده شیخ الرئیس معنی آن چنان
است که نازل شده است بسوی تو از جای بلند ورقاء که نام
معشوقه است که صاحب عزت وجاه است

سریر همایون و مجلس عالی مبارک و میمون حضرت خلافت پناه پادشاه اسلام ناظم امور انام ظل الله علی مفارق اهل الاسلام منقذ الرعایا من مضائق حوادث الزمان ناشر العدل و الاحسان باسط بساط الامن والامان قامع مواد ظلم و الطغیان المستعین من عواطف الملك المستعان السلطان ابن سلطان غیاث الدنیا و الدین سلطان الاعظم ابوالفتح سلطان ابوسعید گورگان [۱] خلدالله تعالی ملکه و سلطانه ذکر مزارات متبرکات قبة الاسلام هرات افیضت علی اقطافها [۲] سجال [۳] البرکات میگذشت فرمان رفیع عالم مطیع شرف نفاذ یافت که شرح مراقد اولیاء کرام و اکابر عظام که درین خطه مدفونند در جزوی مضبوط و مندرج گردد و بشرف مطالعه نواب کامیاب بنوعی که موجب معرفت نام و نشان باشد مفید خاص و عام گردد؛ امتثالاً بحکم الرفیع این رساله در سلك نثر و رشته تحریر مضبوط ساخته شد، و بعرض خدام سپهر مقام

(۱) گورگان بالضم وواو معروف وراء مهملهٔ موقوفه وکاف دوم فارسی آنکه از جانب مادر هم بادشاه زاده باشد و یا نسبت دامادی بپادشاه داشته باشد •

(۲) اقطاف جمع قطف میوه چیده ﴿۳﴾ سجال بالکسر جمع سجل بمعنی دلو •

رسانیده وباین مقام مجد داًخود را به سلسله دعاگویان مندرج گردانید رجاء واثق که نظاره قبول حجاب بارگاه ایوان فلك اشتباه حضرت خلافت پناه شود و بمیامن عواطف مطیعان عتبه علیا مراکام دو گیتی حاصل آید ذالك فضل الله یوتیه من یشاء ومنه الابتداء والانتهاء

اما بعد در خبر است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم که روز قیامت شخصی از حسنات نا امید مانده باشد حضرت حق سبحانه وتعالی فرماید ؛ ای بنده فلان دانشمند را در دنیا میشناختی گوید میشناختم حضرت حق سبحانه وتعالی خطاب فرماید که ترا بوی بخشیدم ، سید الطائفه ابو القاسم جنید بغدادی قدس سره فرموده که حکایت پیران واحوال ایشان دل مریدان را تربیت وقوت بخشد و پیر طریقت وشیخ الاسلام این امت ندیم حضرت باری حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس الله العزیز فرموده که ازهر پیری سخنی یادگیرید واگر نتوانید نام ایشان را یاد دارید که بعمر خود بهره یابید واین کتاب مشتمل است بر یك مقدمه وسه باب وخاتمه •

مقدمه دررفتن بزیارت اولیاء الله وفواید آن

بدان که زیارت کردن مزارات ومراقد اولیاء الله وعلما واتقیا وصلحا وپدران ومادران وسایر مومنان

مستحب است و بهترین روزها برای زیارت کردن روز پنجشنبه و جمعه و شنبه و دوشنبه است اما روز جمعه بعد از نماز و روز پنجشنبه و شنبه پیش از طلوع آفتاب و در روز دوشنبه اول روز اولی بود و آورده اند که در شب جمعه و تمام روز جمعه و روز پنجشنبه و روز شنبه و دوشنبه اموات از حال زائیران وقوف مییابند و همچنین در شب عیدین و باقی لیالی متبرکه خصوصاً در شب برات هرگاه کسی خواهد بزیارت رود مستحب است که اول وضو کند و در خانه دو رکعت نماز بگذارد؛ و در هر رکعت فاتحة الکتاب یکبار و آیت الکرسی یکبار و سوره اخلاص سه بار بخواند و ثواب آن را بمیت بخشد و متوجه قبرستان شود و در راه بما لا یعنی اشتغال نه نماید و بسکون و آهستگی رود؛ چون بمقبره رسید نعلین از پای کشد و پیش روی میت به میشیند بعد از آن بگوید السلام علیکم یا اهل الدیار من المومنین و المسلمین رحم الله المتقدمین منکم و المتاخرین منا انتم لنا سلف ونحن لکم تبع وانا انشاء الله بکم لاحقون السلام علی اهل لا آله الا الله محمد رسول الله و اگر در گورستان کفار یا اهل اسلام مختلط باشند بگوید السلام علی من اتبع الهدی و سورهٔ فاتحه و آیة الکرسی و یازده بار سورهٔ اخلاص

و آیهٔ کریمهٔ فلله الحمد رب السموات و رب الارض رب العالمین و له الکبریاء فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم بخوانند و در خواندن سورهٔ یسین شریف و سورهٔ تبارك شریف آثار بسیار وارد است • روایت شده است که ایستاده دعا کردن اولی است [مسئله] در کفایه آورده است که برقبور بوسه نزنند [مسئله] در گورستان خواب کردن مکروه است (مسئله) نماز در مقبره گذاردن مکروه است وقتیکه قبر در پیش روی وی باشد و اگر قبر در پس پشت وی باشد و یا چند ان از پیش روی وی دور باشد که اگر شخص در ان محل بگذرد کراهیت نداشته باشد باکی نیست و اگر میان قبر و مصلی دیوار یا حایلی باشد هیچ کراهیت ندارد (مسئله) مکروه است در گورستان بول و غایط کردن و بر قبر نشستن و پای بر قبر نهادن و گورستان راراه ساختن و همچنان طعام خوردن و خنده کردن در مقابر زیرا که آنجا محل اندوه و حزن و فکر در امور آخرت است اینها که بیان نمودیم روایت فقهای مجتهدین مذهب حضرت امام اعظم رحمه الله علیه بود و منشأ و مأخذ آن از سنت حضرت سید ابرار و آثار سلف است بدانکه فعل و قول حضرت نبوت شعار و سید ابرار صلی الله علیه و سلم بر

استحباب زیارت قبور وارد است؛ اما فعل آنحضرت صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و سلم چنانچه بصحت پیوسته بروایت ابو موهبکه پیغمبر صلی الله علیه و سلم در آخر عمر شریف شبی از حجرهٔ مبارکه بیرون رفته به گورستان بقیع نزول فرموده و اهل گورستان را زیارت کردند و چندان دعاء خیر در حق ایشان به تقدیم رسانیدند که راوی گوید یا خود گفتم چه بودی که از اهل این گورستان بودمی؛ و در کتب اسانید و سیر آورده است که حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین صلی الله علیه و سلم در آن سال به غزوهٔ بنی لحیان رفته بودند بمنزل عسفان (۱) رسیدند؛ و در آنجا قبر پدر و مادر خود را شناخته زیارت کردند و آن مقدار گریستند که مجموع اهل و یاران خود را بگریه در آوردند؛ اما قول پیغمبر صلی الله علیه و سلم اینکه حضرت امام محمد غزالی قدس سرهٔ به سند خود روایت کرده از حضرت بی بی عایشه صدیقه رضی الله تعالی عنهما که

(۱) عسفان موضعیست دو مرحله دور از مکه معظمه بطرف مدینه علی صاحبها التحیه بدانکه این قول خلاف کتب حدیث است در کتب حدیث وارد شده است که آمنه والده حضرت رسول صلی الله علیه و سلم در مقبرهٔ حجون مدفون است و عبدالله والد شان در مدینه مشرفه میباشند والله اعلم •

رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند که هیچ مردی نیست که بزیارت برادر مسلمان خود رود و پیش قبر او بنشیند الا که اگر صاحب قبر مسلمان باشد با او انس گیرد؛ و از ابوهریره رضی الله عنه مرویست که گفت رسول الله صلی الله علیه و سلم چون بگذرد مسلمان بر سر قبر مسلمانی و بر آن سلام کند خواه شناسا باشد خواه ناشناس البته صاحب قبر جواب آنکس را بگوید و در اخبار به ثبوت پیوسته که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم فرموده اند که عرض کنند، اعمال بندهگان را در روز پنجشنبه و دوشنبه به حضرت خداوند جل سبحانه و در روز جمعه اعمال بندهگان را عرض کنند به پیغمبران و پدران و مادران ایشان پس از عمل نیک ایشان شاد میشوند و از نیکوئی فرزندان سفیدی ایشان زیاده می شود: و دیگر روایت شده است بدرستیکه عملهای شما یان را عرض کنند بخویشان و نزدیکان شما اگر حسنات به بینند شاد و اگر سیئات بینند ملول می شوند و میگویند بار خدایا نمیران ایشان را تا توبه کنند و راه راست یابند و از فحوای بسیاری از اخبار و آثار و حکایت صالحان محقق میگردد که اموات از احوال احیا خبر می یابند و بزیارت یاران و دوستان انس حاصل میکنند و از بعضی ثقات مرویست که روح زائران

را نور عمل بیشتر است و ارواح اصحاب قبور را انوار تجلیات ربانی بیشتر هرگاه که احیا بزیارت اموات روند ارواح ایشان با یکدیگر مقابل شوند و انوارشان بهم پیوسته گردد هر آئینه نفع زندگان به مردگان و از مردگان به زندگان برسد، و مرشد الطریقة والحقیقة ﴿شیخ شهاب الدین سهروردی﴾ قدس سره در کتاب عوارف المعارف آورده است که ارواح در برزخ و محل خود همواره در جولان میباشند و احوال و اوضاع ایشان را معلوم میکنند و از عالم قدس نیز استغاثه مینمایند و غرض از ایراد این کلمات این است که زیارت قبور را منافع بیشمار است و اگر صاحب قبر از ارباب اهل عرفان باشد هرچه زائیر باو بگوید جواب بگوید و اگر زائیر اهل دل و صاحب کشف باشد شعور پیر آن حاصل کند و از آن گفتگوی خبردار شود (مشهور است) که شیخ ابو اسحق رومی قدس سرهٔ شاگردی داشت که صحیح بخاری شریف برای او میخواند هنوز تمام نشده بود که شیخ را قابض اجل بقبض روح قیام نموده در حالت نزع ایشان شاگرد گفت شیخا تو رخت زندگانی بر می بندی و قرائت درس من درمیان مانده صلاح چیست شیخ گفت باکی نیست هر روز وقت درس خواندن بیا و پیش روی من

به نشین ودرس میخوان شاگرد بدان منوال کار کرده هر گاه غلط بخواندی شیخ رحمة الله علیه از قبر تلقین صواب فرمودی تابوقتیکه کتاب تمام شد (بدانکه) قرآن شریف خواندن در نزد قبر مسلمانان بقول امام محمد شیبانی رحمة الله علیه سراً و جهراً جائز است وفتوای برا این قول است اگر خوانند ه ثواب قراءت خود را بمیت بخشد نفع آن و فیض آن بی شبهه بمیت رسد مؤید این قول آنکه در صحاح آورده است که پیغمبر صلی الله علیه و سلم برد و قبر بگذشت و بنور نبوت معلوم شد که ایشان را عذاب میکنند دو شاخ سبز رطب نمود هر یك را از ان در قبر فرو بردند و فرمودند که تخفیف عذاب شد از ایشان مادامیکه این دو شاخ سبز باشند و خشك نشوند چون مقرر است که شاخ سبز ذکر خدای را میگوید و چون خشك شود از ذکر باز میماند هرگاه ذکر نبات نفع میرساند بمرده پس معین است که تلاوت قرآن از مومن موحد نافع و موثر خواهد بود (فایده) در بعضی کتب معتبره دیدم که مستحب است بمساجد قدیم و مقابر کریمه و صوامع و خلوات اکابر و اولیاء رفتن و بصدق دل از انجا فیض گرفتن چه بصحت رسیده است که پیغمبر صلی الله علیه و سلم روز های شنبه از

باب اول

در ذکر مراقد اولیاء که در عرصهٔ قبة الاسلام هرات و توابع آن مدفونند از قدیم الایام و ابتدای فتح اسلام تا انتهای زمان خاقان صاحب قران مغفور قطب السلطنه الدنیا والدین ﴿ امیر تیمور ﴾ کورکان انار الله برهانه واسامی شریف ایشان در تاریخ هرات وکتاب طبقات حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره و طبقات مشایخ هرات وغیر آنها از کتب که مذکور بود شمهٔ از احوال و فضایل ومقامات این طائفه آورده شد تا روشن گردد که رتبت و منزلت آن بزرگان؛ تا بچه حد بوده است ووقوف بر این احوال و اوضاع مفید کمال حسن صدق و اعتقاد بوجه خاطر خواهد بود بدان اسعدك الله تعالی بنیل المقاصد الدینیة والدنیویه که اقدم این جماعت واکمل ایشان اسوة الاعزة الطاهرة وقدوة الائمة الباهرة سید الهمام والمشهود بین الانام مقبول الملك الجبار :

عبدالله (١)

بن معاویه بن ابو المساکن عبد الله بن جعفر الطیار رضی الله تعالی عنهم از اکابر اولیا و اقطاب زمان خود بوده و در علم ظاهری و باطنی سرآمد روزگار و کرم وافی داشت و شجاعتی بی پایانی داشت و پنهان خلق را بطریق حق دعوت میفرمود و با وضیع و شریف طریق شفقت و کرم مسلوك میداشت بمقتضی الانسان عبید الاحسان بسیاری از اهالی مملکت و اطراف و اکناف بخدمت آن میل میکردند تا بمرتبهٔ رسید که در نواحی فارس و اصفهان خطبه بنام وی خواندندی در آن وقت حکام برفع و قمع آن بزرگوار اقدام نمودند و لشکر انبوه بسر او فرستادند و قوم او را متفرق ساختند و آن حضرت با خواص خود بگریخت و بقهستان ﴿١﴾ آمد ابو مسلم مروزی به شبل [٢] طهمان که از قبل او در هرات حاکم بود نامهٔ نوشت که بهر نوع و وسیله که میسر شود او را نزدیك خود طلب کن

[١] قهستان یعنی برجند وقاین ﴿٢﴾ شبل با الکسر بچه شیر درنده وآنجا مراد نام نائب الحکومة ابومسلم است که درهرات بوده است •

پس شبل هدایای تمام مرتب ساخته و مکتوب در غایت تعظیم و احترام به نزد او فرستاد، و بآمدن هرات او را ترغیب نمود و متعاقب تحف و هدایا بطرف آن روانه میکرد و فریب میداد تا اینکه با سفزار هرات آمدند واز آنجا بشهر آمده در قریب درب خوش آن بزرگوار را فرود آوردند؛ و جای اقامت نیکو بجهة آن تعین نمودند تا خاطر مبارك تسکین یابد؛ پس شبل با ابو مسلم نامه فرستاد که آنچه مقصود بود بحصول پیوست ابومسلم پنهانی بروی نامه نوشت که کارش را تمام کن وسرش را بمن فرست آخر الامر سید مشار الیه دانست که شبل قصد کشتن وی دارد خواست که بگریزد فرار میسر نشد پس آن بزرگوار را بگرفتند و محبوس نمودند و بعد از چند روز به قتل رسانیدند وسر مبارك بزرگوار را به نزد ابو مسلم فرستادند و بدن مبارك را در تل قطبیان در مصرخ که مشهور و معروف است مدفون ساختند و این واقعه بزرگ در سال یکصدوسی وچهار هجری واقع شده آورده اند که از همان مدت شبل به رنج عظیم مبتلا شد و با قبح وجوه بمقر سقر رسید، وجناب ولایت مآب [شیخ الاسلام مولانا رزین الدین تائبادی رحمة الله علیه فرموده که شبی در

مصرخ هرات در سر روضهٔ حضرت سید عبد الله بسر
بردم ودر ارواح اولیا نظر کردم از مشرق تا
مغرب هیچ روحی از روح آن بزرگوار تر ندیدم و
مقرر است نزد اصحاب کشف و ولایت که درهر شب جمعه
ارواح اقطاب واوتاد دران مزار متبرك حاضر
میشوند ، و در سال هفتصد وشش هجری سلطان محمد کرت
که از سلاطین غور است بر سر تربت عنبر سرشت ایشان
گنبدی عالی بنا نموده است ودر سنه [۱] هزار سه
صد هفت جناب جلالتمآب سعد الدین خان که در هرات
نائب الحکومه بود جهت مزار کثیر الانوار ایشان دو
عدد لوح بسیار خوب ساخته که کیفیت شهادت وتاریخ
دران مندرج است ، مشهوراست که شبل قاتل این
بزرگوار را در هرجا دفن میکردند خاك جسد پلید
او را بیرون می انداخت تا اینکه در پایان پای
این والا جناب دفن نمودند قرار گرفت .

شاه زاده ابو القاسم (۲)

بن امام جعفر صادق بن امام محمد باقر بن امام

[۱] این عبارت تالفظ مشهوراست الحاقیست از شیخ
اصیل الدین واعظ نیست .

زین العابدین رضی الله تعالی عنهم هم در مصرخ است
و شیخ یحیی عمار قدس سره استاد و مربی (حضرت خواجه عبدالله
انصاری همواره با خواجه و صیت میفرمود که پیوسته بزیارت
ابوالقاسم بن جعفر رضی الله تعالی عنه می رو و از روح مقدس او
استمداد همت مینمای و شیخ الاسلام حضرت خواجه
عبدالله انصاری رحمة الله علیه به کرات میگفتند که در
شب جمعه در کهندز مصرخ هر دعای که کنند امید وار ی
چنان است که به جابت مقرون گردد و در هرات
پیران هستند که از بزرگان ما تقدم شنیده اند که قبر
آن امام کجا است و اکثر مردم به یقین نمی دانند اما
معین است که در مصرخ است پس طریقه زیارت کردن چنان
باشد که در کنبد مقبره درآید و به نیت زیارت سوره
فاتحه و اخلاص بخوانند و بروح پر فتوح آن ببخشند و
به آن وسیله مرادات و مقاصد خود را از حضرت قاضی
الحاجات بخواهد و سال شهادت شان و کیفیت آن بتحقیق
نرسیده اما قبر آن در مصرخ است شرقی گنبد سید عبد الله
مذکور در سنه (۱) هزار و سه صد و بیست و پنج حضرت پادشاه
اسلام غیاث الاسلام والمسلمین اعلیحضرت سراج الملة
والدین امیر حبیب الله خان بهادر خلد الله تعالی ملکه

(۱) این الحاقیست از شیخ اصیل الدین نیست •

و سلطانه به طریق دوره کل افغانستان تشریف فرمای دارالنصرت هرات شدند آبادی های این دو مزار فیض انوار روی بانهدام نهاده بود امر مبارك شد که آباد شود همان بود که بنا باحکام شهریاری تمام آباد شده مزین و منقش گردید و اضافه بر بنای سابق جای کبوتر ان و خانقاه و چله خانه ها و مسجد و حجره ها آباد شد اللهم ایدزمان دولته الی یوم القیامه

بی بی ستی رح (۱) —۳—

در باز ار خوش قریب چهار سوق در سمت جنوب بی باز ار مدفون است عابدهٔ عصر و ولیه دهر بود بی بی ستی از مشاهیر دوستان حق سبحانه تعالی و مستجاب الدعوة بود و انظر تمام با بومسلم مروزیه داشت و به همت آن کارهای شگرف در هرات و نیشابور از دست ابومسلم بر آمد دراول حال شوهری داشت ابونصر شب رو میگفتند هردو باتفاق عیاری (۲) میکردند و در آخر دری از غیب برروی آن کشاده شد و از خلق گوشه

(۱) ستی بکسر سین دراصل سید تی است بزن بزرگ اطلاق میشود چنانچه سید بمرد بزرگ.

(۲) عیار بی باك و دزد. کذا فی اللغات.

گرفت و متوجه راه حق شد و کارش بالا گرفت و در ساله صد پنجاه و هشت هجری وفات یافت و پیوسته اهالی هرات بزیارت آن میروند و در اجابت دعا مزارشان تریاق مجربیست و در ایام حضرت خاقان سعید شاهرخ میرزا بر سری قبر آن عمارت و مسجد عالی بنا نموده‌اند •

امام عبدالله الواحد

(بن مسلم بن عقیل رضی الله عنهم).

در جنوب شهر هرات نزدیک بطرف قبله امام متقی عارف عالم امام عبدالله الواحد بن مسلم بن عقیل رضی الله تعالی عنهم) در علوم ظاهر و باطن خصوصاً در فن حدیث و تاریخ بغایت کامل بوده در زمره اولیای کبار معدود گشته (نقل است) از ابو الفضل اسحاق که گفت در واقعه دیدم که دو مرغ سفید به فصیل شهر نشسته بودند یکی ازان دو مرغ با دیگری می گفت که پر خود را در زیر این شهر در آور و آن را زیر و زبر گردان جواب داد که نمی توانم از روح مقدس حضرت امام عبدالله الواحد بن مسلم رضی الله تعالی عنه شرم میدارم و در طبقات مشایخ هرات آورده است که یکی از پیران طریقت گفته که بر سر تربت حضرت امام عبدالله الواحد بن مسلم [رض]

نشسته بودم که ناگاه سگی پای شکسته آمد و در پایان پای قبر امام عبدالله الواحد بایستاد و بزاری تمام ناله میکرد و میگریست و پای شکسته خود را در خاك می مالید اندك زمانی برآمد پای درست شده بیرون رفت قبر مبارکش در بیرون درب فیروزآباد است در محله خوانچه آباد پیوسته اکابر اولیای هرات مثل سید عبدالله مختار و شیخ عمو و شیخ ابوعبدالله مالانی وغیرهم ملازمت بزرگوار بتقدیم رسانیده اند فی الحقیقت قبله اجابت است و در حدی ایشان اختلاف است بعضی ایشان را از اولاد مسلم بن عقیل گفته و در لوح مزار ایشان که بسیار قدیمی است ایشان را پسر زید بن حسن بن حضرت علی کرم الله وجهه گفته ثبت لوح ایشان چنین نوشته شده *(الله اکبر)* ظهور گوهر درج سعادت و طلوع اختر برج سروری و سیادت یعنی وجود امام انام سید السادات والاشراف افتخار آل عبد مناف امیر عبد الله الواحد بن الامام الهمام خلاصه اولاد عترت طاهره نقاوه احفاد صاحب ملت ظاهره امیر زید بن الامام شجره روضه کرم و کرامت ثمره سیادت و امامت امیر المومنین حسن ابن اسد الله الغالب علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه در مکهٔ مبارکه بود ، در زمانی که

ازهجرت سی و پنج سال و بروایتی سی وهفت سال گذشته بود، در ایام امامت امیر المومنین حضرت علی کرم الله وجهه و شیخ حسن بصری رحمة الله علیه باشارت حضرت علی کرم الله وجهه تربیت و اجتهاد مینمود و در هشتاد و هشت از هجرت در زمان حیات پدر بزرگوار خود بعد از وفات جد عالیقدر حضرت امیر المومنین حسن رضی الله تعالی عنه شربت شهادت از کاس اجل نوشیده و بعد از انقضای سه‌صد و بیست سال از وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم تربت عنبر سرشت او ظاهر شد وسبب ظهور آن بود که شیخ ابو نصر قدس سره در منام حضرت سید الانام صلی الله علیه وسلم به حضور عمر ان فرمود بر وفق آن اشارت یا بشارت شیخ متوجه صوب خراسان شد، و در محروسه هرات در موضع خمچه آباد ساکن شد و قبر این بزرگوار را که روضه ایست از ریاض بهشت احیا کرد و شیخ ابو نصر یکصد و بیست سال عمر یافت فقط تاریخ همین قدر بود تمام شد، و دیگر لوحی به قدر سه زرع بلند در بالای سر این بزرگوار نصب است در زمان سلطان حسین میرزا حسن شاه قوچانی این را تیمناً نصب نموده و گنبدی که حال آباد است از ابنیه ملوک کرت

است و در زمان خاقان مغفور حضرت ضیاء الملة و الدین طاق ایوان مزار موصوف خراب شده بود همان بود که بنا باحکام مرحوم مغفور طاق مذکور آباد شد و در سنه هزار و سه صد بیست بفرمان پادشاه اسلام اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان خلد الله تعالی ملکه و سلطانه تمام مزار شریف ترمیم و آباد شد و تاریخ آباد شدن آن به نظم در شرقی طاق مذکور نصب است .

حضرت خواجه ابوالولید رح

احمد بن ابی الرجا عبد الله بن ایوب بن حنیفة الهروی نور الله مرقده از اکابر علماء ظاهر و باطن بوده و هروی الاصل و در قریه آزادان که در قبله شهر هرات واقع است سکونت داشته و با امام احمد حنبل که یکی از ائمهٔ دین است بسیار صحبت داشته و سلطان اهل حدیث ابو عبد الله بن اسمعیل بخاری و امام دارانی سمرقندی صاحب سنن پیش او حدیث خوانده و در کتاب خود مکرر از ایشان نقل کرده اند و در سنه دوصد وسی ودو هجری در هرات وفات یافته اند و قبر مبارکش مشهور و معروف است و سلطان محمد کرت بر سر تربت

ایشان عمارت و گنبدی عالی بنا فرموده است و حال آباد است و اکثر ملوك از بکیه در آنجا بناهای خیر نموده اند و محب الفقراء و المساکین حاجی محمد عظیم خان وعالیجاه میرزا غلام حیدر خان ساکن قریه مذکور مدتها است که ترمیم مزار فیض مشحون را می نماید چنانچه در آنجا مدرسه بجهة طلاب و دارلحفاظ و مسجد جامع وحوض آب و طاق نماها را آباد نموده است وخرج طلاب و حفاظ قرآن مجید را از مال خود داده که بتعلیم مشغول باشند جزاه الله خیراً کثیراً (۱) و فضایل و کمالات حضرت ابو الولید قدس الله سره بیش ازان است که در حیز تحریر درآید و مشهوراست که سی هزار کس در جنازهٔ ایشان نماز گذارده گویند که حضرت خواجه ابو الولید نماز جمعه را در مسجد الحرام میگذارد و شب بمنزل خود مراجعت مینموده و خاقان سعید شاهرخ میرزا ابن امیر تیمور کورگان انار الله برهانه مادامیکه درهرات می بوده هر چهار شنبه بمزار متبرك ایشان میرفته برف وباران اورا مانع نمیشد و بی عذر مرض هرگز آن را ترك نمیکرد و خواص و عوام هرات از زیارت

---

(۱) این از اصل کتاب است ۰

هزار آن منافع کلیه یافته و می یابند ٭

حضرت خواجه علی ۶

بن موفق بغدادی رحمة الله علیه دیگر امام صدق و صفای مرکز دائره علم و حلم و آزادی شیخ علی بن موفق بغدادی از اکابر مشایخ عراق بوده و با ذوالنون مصری قدس سره صحبت بسیار کرده حضرت شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس الله سره العزیز گفته که خواجه علی بن موفق از بغداد پیاده هفتاد و چهار حج کرده و وقتی حج کرده بتاسف با خود میگفت که میروم و می آیم نه دل و نه وقت من خود در چه حالم آنشب حق تعالی را بخواب دید که وی را گفت ای پسر موفق تو بخانه خویش کسی را خوانی که نخواهی اگر من ترا نخواستمی نخواندمی و راه ندادمی گویند روزی در راه کاغذی یافته در آستین نگاه داشتند چون از آستین بر آوردند دیدند که در ان نوشته است که ای ابن موفق از فقر میترسی و حال آنکه من پروردگار توام و ایشان گفته اند که خداوندا اگر من ترا از بیم دوزخ میپرستم در دوزخ فرود آر و اگر با مید بهشت می پرستم هرگز در آنجا جای مده و اگر بمهر میپرستم یك

دید ار بنمای و پس از ان هرچه خواهی بکن وفات ایشان درسنه دو صد وشصت وپنج هجری بوده شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری (رح) درطبقات مشایخ ذکر ایشانرا کرده است وازطبقه ثانیه اش شمرده وصاحب طبقات هرات ایشان را از طبقه ثالثه معدود ساخته والقول قول الاکابر مدفنش دربیرون درب قطبی چاق نزدیک راه گازرگاه وباغ سفید وگویند که حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره چون سواره بآن راه بگذشتی فرود آمدی وباادب بگذشتی ودرطبقات حضرت خواجه تعیین مدفن آن بزرگوار رانه نموده وازکتب اسمأرجال محدثان غیر این معلوم میشود ومورخان هرات آورده اند که بعضی میخواستند که جسد مبارك آن بزرگوار را بیدزدند وبه بغداد به برند زیراکه او بغدادیست اهل قبةالاسلام هرات این حال را معلوم کرده بربالای قبرآن دیواری ساختند تامضبوط گردد بندهٔ حقیر (۱) کاتب این گوید که حال عالیجاه محب الفقرا حاجی الحرمین الشریفین حاجی میرزا محمد عظیم خان جزاه الله فی الدارین خیراً کثیراً دائره مزار آن بزرگوار را کلان نموده دیوارهای اطراف آن را با خشت پخته

[۱] از ینجا الحاقیست •

جدیداً آباد کرده است وذکر این بزرگوار در نفحات الانس وسفینة الاولیاء مذکور است .

حضرت خواجه رخ بند

دیگرامام زاهد وعارف ارجمند قطب الحق والملة والدین خواجه محمدیوسف رخ بند قدس سره العزیزوی مصاحبت با حضرت خواجه ابوالولید رحمة الله علیه داشتند و پیوسته نقاب بر روی خود می آویختند تا چشمش در دنیا وما فیها نیفتد ازین جهت ایشان را خواجه رخ بند میگفتند گویند که هرکس در هرات ناجور شدی یك زرع کرباس ویکدینار نذر ایشان کردی صحت یافتی ؛ ودر قدیم الایام هیچکس نزدیك مزار ایشان سواره نمی توانستی گذشت تااینکه روزی حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره برسر تربت آن بزرگوار آمد وزمانی دیر توقف فرمودند وتوجه تمام به تقدیم رسانیدند بعد ازان سواران را فرمودند که بگذرند ؛ مدفن مبارك آن بزرگوار دردرون شهر هرات درمیان مسجدی که بنام نامی ایشان است درمحله قضات الهی بـه برکت روح آن بزرگوار عالی همت ما گنه کاران را هدایت نموده توفیق طاعت واجتناب از معصیت کرامت فرمائی آمین .

امام ابولحسن کردی (رح) –۸

از جمله محدثان و فقها و حفاظ و زهاد روزگار خود بوده مشهور است که هشتاد هزار حدیث یاد داشت وفاتش درسال دو صد وپنجاه و پنج هجری است مدفنش در هرات است لکن غیر معین •

شیخ ابوالهاشم رازی (رح) –۹

در علم لغت وفن ادب بی نظیر بوده است وفاتش در سال دو صد وهفتاد از هجرت و مدفنش در بیرون درب خوش و مزار متبرکش تریاق احمر است •

سید ابوعبدالله المختار (رح) –۱۰

افتخار آل طه و یس مقتدای ابرار سید ابو عبدالله مختار ابن سید محمد هروی از مشایخ هرات بوده و در علم صورت و معنی بی نظیر بوده است وکرامات و خوارق عادات ازان حضرت بسیار به ظهور پیوسته؛ و مدفن ایشان درکوه شمال هرات درسر کوه عمارت عالی دارد ومعروف و مشهور است وفات ایشان در سال دوصدو هفتاد و هفت از هجری واقع شده و از

سادات حسینی بوده و اهل قبة الاسلام هرات بزیارت ایشان رفته توسل میجویند و بمقاصد خود فائز میشوند •

امام عثمان دارانی (رح)

در علم ظاهر و باطن و فن تصوف نیک ماهر بوده و شافعی مذهب بوده و متقی و بزرگ و مشایخ ازان استفاده بسیار مینمودند ودر سال دو صد وهشتاد از هجرت وفات نموده و مدفنش در مقبرهٔ خیابان است اکنون قبرش معلوم نیست •

امام ابوسعید مهین (رح)

مقتدای هرات و درزهد وورع وعلوم ظاهری و باطنی ید طویلی داشت و مصنفات آن مشهور است (منقول است) که یکی از موسی هارون مسئله پرسید موسی از سایل سوال کرد که تو از کجائی گفت از هرات گفت مسئله از من میپرسی و ابوسعید در شهر هرات شما است و وفاتش در در سال دوصد و نود هجری ومدفنش در درب خوش است ودرجوار آن بزرگوار بسیاری ازاکابر و اقاربه و اولاد ان مدفونند •

شیخ عبدالرحمن بن طهمان (رح) ۱۱

مشهور است که هفتاد سال در هرات در مسجد متعین روز بروزه و شب باحیاء لیالی میگذرانیده وجه معاش او از دست ریس زوجه او بوده سال وفاتش معلوم نشده فاما او را از طبقهٔ ثالثه شمرده اند و مدفنش در مقبرهٔ درب خوش نزدیک قبر امام ابو سعید معین (رح) است •

سید ابوالمعالی مختار (رح) ۱۲

نقاوهٔ خاندان طیبین وطاهرین سید ابوالمعالی مختار بن سید عبد الله مختار از جملهٔ اکابر دین وافاضل علماي اهل یقین وزاهد وعابد وقت خود بوده و کرامات ومقامات بلند واز تلامذهٔ اصحاب پدرخود بوده بعلو مرتبه امتیاز داشت سال وفاتش معلوم نشده و قبرش در پایان پای قبر پدرش معلوم است •

فقیه عثمان مرغزی (رح) ۱۳

از فرزندان حضرت سید عبد الله مختار است و اورا سوختهٔ شوق میگفتند و در غایت ادب بغایت الغایة

راسخ بودند مشهور است که هرگز بطرف هرات آب دهان خود را نینداخته است، بجهة آنکه درهرات پیران هستند تاریخ وفات او معلوم نشده و مدفنش در پایان پای حضرت سلطان عبد الله لواحد شهید است •

امام محمد (رح) ۱۵

بن اسحاق سعدی رحمة الله علیه از زهاد واتقیاء روزگار خود بوده مزار او را قبله حاجات میگویند وفاتش در سال سه صد و پنج هجری واقع شده مدفن او در قریه بزدان انجیل است •

شیخ عبدالله (رح) ۱۶

بن عروه رحمة الله علیه — شیخ المعارف امام عبدالله بن عروه با نواع علوم ظاهر و باطن معروف بوده و مدتی هشتاد سال عمر خود را بزهد و ورع گذرانیده وفاتش در سال سه صد و یازده هجری واقع شده و مدفن آن بدرب خوش است •

شیخ محمد [رح] ۱۷

بن عثمان دارانی شیخ عابد متحقق محمد بن عثمان دارانی

است در علم امانت و صلاحیت قائم مقام پدر خود بوده وفاتش در سال سه صد و سی از هجرت مدفنش در مقبره خیابان نزدیک قبر پدر بزرگوار آن واقعشده •

امام ابو علی حامد [رح] –۱۸

امام متورع مجتهد امام ابو علی حامد بن محمد سقاء در علم فقه شریف و در سائر علوم ماهر بوده و پیوسته در وعظ و نصیحت میبود و نزدیک خاص و عام مقبول و وفاتش در سال سه صد و پنجاه و شش هجری است و مدفنش در درب خوش است •

شیخ ابو اللیث –۱۹

قوشنجی (رح) قطب الوقت وشیخ ابدال ابو اللیث فوشنجی رحمة الله علیه حضرت شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری قدس سره در مصنفات خود آورده که ابو اللیث فوشنجی از عرفاء و سادات بوده و پیوسته پای برهنه در خرقه ژولیده میرفته و یك شبانه روز هر گز در یك منزل نمیگذرانیده فرداً وجداً گرد عالم میگشت •

[مشهور است] که ابو اللیث فوشنجی (رح) وقتی در رود هرات غرق شد گفت: خداوندا مرا خلاصی ده که برای

توسه بار قل هوالله احد بخوانم فی الحال دست از غیب پدید آمد و او را خلاص کرد روزی میگفت که نه سال ازان واقعه گذشته و مرا میسر نمیشود که نذر وا وفا کنم هر گاه که گویم قل هو الله احد به جز اب شنوم که میگویند هیچ میدانی که احد کیست چندان ذوق وشوق ووجدآن بر سر من استیلا یابد که مجال نطقم نمی ماند سال وفاتش معلوم نیست اما مدفنش در خیابان در پشت جوی انجیل در بالای بلندی واقع است و باقی اقطاب و مریدان و همصحبتها در جوار ایشان مدفونند وکسی که اندك صفای که داشته باشد دریابد که چه فیض و حضور آنجا میرسد ٭

۲۰ شیخ محمد گازر [رح]

شیخ زاهد متورع محمد بن عبد الله قصار هروی (رح) شیخ الاسلام حضرت خواجه عبد الله انصاری قدس الله سره العزیز بسیار مدح ایشان را می نمودند واز اکابر زمان خود بوده ٭ و خرقه از دست شیخ ابوالليث فوشنجی (رح) پوشیده ٭ و در اقران محمد نقشبند قدس سره و شیخ عمو (رح) محدود گشته تاریخ وفاتش معلوم نیست و قبرش

در خیابان معروف و مشهور است؛ میگویند پدرش گازری میکرده و سنگ گازری پدرش را بر سر قبر او نهادند و حالا موجود است .

شیخ ابوالعباس (رح) -۲۱

شیخ الاولیاء محمد ابوالعباس غوراتی شیخ الاسلام حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره در تصنیفات خود آورده که او از بزرگان این طایفه و انکشاف قلوب و قبور داشته تاریخ وفاتش معلوم نشده اما قبرش در غوران است در بلوک گذره .

شیخ ابوزید مرغزی [رح] -۲۲

قدوة المشایخ خواجه ابوزید مرغزی از کبار مشایخ هرات بود وارباب کشف و یقین ودر علم فقاهت و ورع کمال تمام داشته و کرامات بسیار از ایشان ظاهر شده و از تلامذه ربیع بوده و او از تلامذه امام شافعی رحمة الله علیه بوده مشهور است که حضرت خواجه عبدالله انصاری رحمة الله علیه شاگرد امام نصر الدین مرغزی بوده و او شاگرد امام ابوزید (رح) مرغزی بوده سال وفاتش بتحقیق نه پیوسته و اما مدفنش در اندرون شهر هرات در غربی مسجد

جامع شریف است .

۲۳— شیخ ابوعبدالله مالانی [رح]

امام و محدث ومتقی ابو عبدالله احمد بن عبدالرحمن مالانی از بزرگان مشایخ هرات بوده واز اقران شیخ عمو بوده وبا یکدیگر بحج رفته بودند و به صحبت مشایخ حجاز رسیدند واهل هرات همه باو بیعت کردند خواجه عبدالله بن عروه فرموده که بعد ازحسن بصری (رح) هیچ کس بقدر ومنزلت شیخ احمد مالانی رح نمیدانم سال وفاتش معلوم نشده وقبرش در طلقان مالان است و مرقد ایشان معروف و شهرت دارد که هر چهارشنبه حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره ، بزیارت ایشان میرفته و بهر حاجت که زیارت او کنند مقصود حاصل شود .

۲۴— شیخ ابونصری هروی (رح)

عابد وزاهد ویگانه وقت خود بود شیخ الاسلام حضرت خواجه عبدالله انصاری رحمة الله علیه فرموده که شیخ ابونصر از بزرگان گازرگاه است جمعی از شاگردان او بحج میرفتند ، بی اجازت حضرت شیخ پس در راه بشیخ حصری رسیدند فرمود که یکی از شمایان چیزی بخواند شخصی

ازان میان بخواندن مشغول شد شیخ حصری بیخود گشت و به سماع در آمد ددر اثنای آن حال فرمود که امسال شما را بار نیست بازگردید بعد ازان گفت که شما شاگردان ابو نصری هروی نیستید گفتند هستیم فرمود که چرا بی دستوری آن بیرون آمدید البته ؛ مرا جعت کنید و پیش او روید هرکس که بازگشت بسلامت بماند وجمعی که ، نشنودند و متوجه راه حج شدند بسموم بسوختند و قبرش در گازرگاه است لکن معلوم نمیباشد •

خواجه قربیخ هروی (رح) -۲۵

شیخ الموحدین والمحتمیدین خواجه قطب الحق و الدین قربیخ الهروی ؛ شیخ الاسلام حضرت خواجه عبد الله انصاری قدس سره فرموده که قربیخ پیری با شکوه و با صلابت و خداوند ولایت بوده وفاتش درسال سه صد و هفتاد و هشت از هجرت و قبرش درگازرگاه شریف است •

خواجه خیرچه [رح] -۲۶

شیخ الابدال و العارفین کمال الحق و الدین خواجه خیرچه قدس سره از اکابر اقطاب و از بدلاء هند و ستان و مستجاب الدعوة بوده است حضرت خواجه عبد الله

انصاری قدس سره در طبقات خود ذکر ایشان کرده است
مشهور است که هرکه را درد دندان یا درد چشم یا مرضی
دیگر پیدا شدی بر فتی نزدیک خواجه خیرچه التماس
فاتحه نمودی فی الحال سوره فاتحة الکتاب بخواندی
آن مریض از مرض خلاص شدی وقتی دانشمندی گفت یا
خیر چه سوره فاتحه را درست نمیخوانی بیا که با تو سورهٔ
فاتحه را درست سازم خواجه گفت که تودل خود را درسته
بساز بعد ازان بآن به هیچ حال ملتفت نشد مشهور است
که او غلام شخصی بود از تجار مالك وی از وی خوارق
عادات مشاهده میکرد پس در آخر کار اورا آزاد گردانید
حضرت شیخ الاسلام گفت که من پسر خواجه او را دیده ام
و بعضی از احوال رفیعه خیرچه را از وی شنیدم و قبر
وی درگازرگاه است بالا تر از مزار فیض آثار حضرت
شیخ الاسلام بین الشمال والمشرق و زیارت مرقد آن
بزرگوار تریاق آزموده است .

حضرت خواجه ابوعبدالله ۲۷

طاقی [رح]

قطب المشایخ کعبة الانام مرشد السالکین زبدة المحققین
علاء الدولة والحق والدین الکرام الهمام الداعی الی

الله فخر الحق والشريعة والتقوی وارث الانبیاء دلیل
الهدی الی طریق المستقیم ابو عبدالله محمد بن فضل الطاقی
السجستانی الهروی مشهور بخواجه طاق[۱] در علوم
شریعت وطریقت وحقیقت درجه علیا داشت ورسوم
صوفیه واشارات ایشان نیکو میدانسته وولایت
وکرامت وفراست ایشان از حد تواتر گذشته بود
واینجا از شرح کردن ولایت وکرامت او از هزار
یکی واز بسیار اندکی در حیز تحریر نمی گنجد ودر
اظهار مذهب حق وقوت اعتقاد عدیل نداشت حضرت
خواجه عبدالله انصاری قدس سره فرموده که هرگز
هیچ بزرگی باهیبت تر از حضرت ابو عبدالله طاقی
رحمة الله علیه ندیده ام واو پیر واستاد من است
واگر او را نمیدیدم اعتقاد مذهب حق را نمیدانستم
[نقل است] که حضرت خواجه ابو عبدالله طاقی
رحمة الله علیه گفت که هزار پیر را دیده و خدمت کرده
ام که همه از اهل کرامت بودند [نقل است] که در
زمان حیات ایشان ابدالی از طرف بلخ آمده بود و
در شهر هرات میگشت دید که مردبی انصافی ظلم میکند

---

(۱) طاق قریه ایست در ملك سجستان که از آنجا
در هرات نزول فرموده اند •

به حضرت خداوند بنالید و در حق آن دعای بد نمود و از شهر بیرون رفت در ساعت آتش عظیم در هرات افتاده مردم بیچاره شده به نزد حضرت خواجه ابو عبد الله طاقی (رح) رفتند حضرت خواجه درباغ خود تاك می بریدند متوجه شدند دیدند که عالم را آتش گرفته چنانچه گویند که مسجد هرات چوب پوش بوده آتش گرفته بوده وآتش زننده خود را بوطن رسانده حضرت خواجه نخ تاك را گرفته به طرف بلخ فرستادند ابدال را از در وازه بلخ پیش کشیده و به هرات، آوردند و گفتند که چرا گریختی ابدال گفت از سبب که از وسع من نشد که علاج کنم گریختم بعد ازان حضرت خواجه قطرهٔ اشك چشم خود را بطرف شهر انداخته آتش فرو نشست و هم درین باب ایشان فرموده اند •

رباعی

آن آتش دوشین که بر افروخته بود
او سوختن از دل من آموخته بود
گر آب دو چشم من نکردی یاری
چه چله فروشان که هری سوخته بود

از حضرت شمس الدین محمد مرویست که گفت من حضرت خواجه را در واقعه دیدم که بر کرسی نشسته بود و جمیع بزرگان دست پیش سینه نهاده ایستاده بودند و حضرت خواجه انصار صاحب در تعریف ایشان فرموده

رباعی

ای آنکه یگانه گشتهٔ در آفاق
از جان بتو اند اهل عرفان مشتاق
کس نیست بمانند تو در فقر و فنا
گشت است ازان نام خوشت خواجه طاق

و ایشان حنبلی مذهب بوده اند • وفات ایشان در سال چهار صد و شانزده ، هجریست و مدفن ایشان در بیرون درب خوش است و خاقان سعید انار الله برهانه بر سر تربت آن بزرگوار عمارت عالی ساختند و سلطان حسین میرزا دهلیزی و در پتبدی در جنب عمارت وی ساخته و هر دوی ایشان همواره بزیارت میرفته اند الهی ببرکت روح پاك حضرت خواجه عبد الله طاقی قدس سره اهالی هرات را در پناه حمایت خود نگهداری و از شر اشرار و

از پنجهٔ تظالم ظالم محفوظ و مسلم داری و پادشاه وقت وامناء دولت را عادل گردان و بر ترویج شریعت نبویه علی صاحبها الصلوات و التسلیمات والتحیه توفیق دهی واز ابواب رحمت خود دری بر وی همهٔ امت نبوی صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم خصوصاً بر وی مسلمانان اهالی هرات بگشائی آمین ثم آمین یارب العالمین ٭

امام عبدالله ۲۸

بن الیمان رحمة الله علیه امام و مقتدای اهل عرفان ابو عبد الله بن الیمان رحمة الله علیه از مشایخ کبار بوده حضرت خواجه عبد الله انصاری قدس سره از وی نقل وحدیث فرمودی و گفتی روایت میکنم از بزرگی که چشم من چون او ندیده بغایت محدث وزاهد زمان خود بوده و به طریقه صحابه وسلف رضی الله عنهم زنده گانی میکرده وسال وفاتش در سال چهارصد و شانزده هجری بوده و مدفنش معلوم نیست رحمة الله علیه ٭

شیخ یحیی بن عمار سجستانی (رح) ۲۹

امام زاهد متقی شیخ یحی بن عمار سجستانی پیشوای سالکان و ناصح طالبان ومقتدای اهل هرات بوده و علوم ظاهری و باطنی را به کمال خوبی دانسته و در قبة الاسلام هرات مدت شصت سال نصیحت مسلمانان میفرمودند و در تربیت و تقویت حضرت خواجه عبدالله انصاری رحمة الله علیه می کوشیده [مشهور است] که تا شیخ یحی عمار زنده بود هیچ آفریده با خواجه عبدالله انصاری قدس سره در مباحثه و مجادله غالب نتوانست آمد و با صحاب خود میگفت که گرامی دارید حضرت خواجه عبدالله انصاری را که او امام روزگار خواهد شد وفاتش در سال چهارصد و بیست و دو هجری و مدفنش در مقبره خیابان است [نقل است] که بعد از وفات او را بخواب دیدند پرسیدند که حضرت خدای تعالی با تو چه کرد جواب داد که چون من از دنیا رحلت کردم حضرت حق سبحانه تعالی با من فرمود که ای یحیی من با تو کارها داشتم اما روزی در مجلس وعظ ما راستودی، یکی از دوستان صاحب کمال حاضر بود وقتش خوش شد ترا در کارا و کردم

وگرنه با تو چها میکردم .

خواجه عبدالرحیم (رح) ۳۰

از استادان حضرت خواجه عبدالله انصاری است واحوالات و مقامات ایشان فوق الحصر و البیان است و مدفنش در دشت یلان در میدان زیارت گاه و مرغاب است .

شیخ عمو (رح) ۳۱

الشیخ الکبیر شیخ ابو اسمعیل احمد بن محمد بن حمزه صوفی المشهور به شیخ عمو رحمة الله علیه او را شحنه مشایخ خراسان میگفتند و در علوم فتوت و توکل بکمال بوده و در ابتداء در اندرون شهر هرات منزل داشت آنجا که اکنون خانقاه قاضی جلال الدین است و از هر طرف درویشی که بطرف هرات آمدی به نزد وی آمدی و حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره بیست سال خدمت خانقاه وی نمودی و خدمت وی آن بود که هر دانه که در مطبخ او می پختند او را پاك میکردی حضرت شیخ عمو رحمة الله علیه در حدیث اسناد عالی داشت و با بسیاری

از مشایخ عظام صحبت نموده بود و صائم الدهر بود و عمرش به نود سال رسیده بود و فاتش در سال چهار صد و چهل و چهار از هجرت واقع شده و قبرش در گازرگاه شریف است نزدیک رباط و مسجد جامع که در قدیم بوده و در ایام سلطنت ابو سعید میرزا مولانا رکن الدین خافی بنیاد و تجدید آن را نمود و با تمام رسید.

۳۲ شیخ الاسلام حضرت خواجه

عبدالله انصاری قدس سره

شیخ الاسلام و کعبة الانام مهبط خیر و برکات اعنی پیر هرات منظور نظر عنایت حضرت باری ابو اسمعیل خواجه عبدالله انصاری قدس سره از نسل ابو منصور مت الانصاری است که وی پسر حضرت ابو ایوب انصاری است رضی الله تعالی عنه که صاحب رحل حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده و مت انصاری در زمان خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه با احنف بن (قیس) رض در هرات آمده بودند و حضرت خواجه در کهندز مصرخ هرات متولد شده اند فرمودند که اول مرا در دبیرستان زنی کردند چون چهار ساله شدم مرا در دبیرستان

ما لینی کر دند و چون ۹ ساله شد م املا نو شتم د ر
دبیرستان ادب خورد بودم که شعرعر بی میگفتم چنانچه
دیگران برمن حسد میبردند واشعار ایشان از ششصد هزار
بیت عر بی بیش است ؛ وگفته اند که من سه صد هزار
حدیث با هزار هزار اسناد یاد دار م که هیچکس بروزگار
من آ ن نکرده که اگر من بر هر اندام خود دست می
نهادم آن را حد یث یاد داشتم وگفته اند که من خورد
بودم که خود را در گهواره گی یا د میدهم که کفچهٔ
گرم بر دیك می نهادند وشش ما ه بیش شیر نخو ر د م
مصنفات ایشان دو عالم مشهور است مثل تفسیر قر آن
ومنازل السائرین و طبقات مشایخ هرات و گنج نا مه
و غیره.(نقل است) که در فوشنج ضعیفهٔ باخبر بو د
گفت دران شب که حضر ت خواجه متو لد شدی د ر
واقعهٔ د یدم که حضر ت خضر علیه السلا م مرا گفت
که امشب د ر هرا ت فر زندی متو لد شده که از
مشر ق تا مغرب فضل او پر شو د و تر بیت کلی از
حضر ت شیخ ابو الحسن خر قانی قدس سره و حضرت
خواجه عبد الله طاقی قدس سر ه یافته اند آورده ند
که حضر ت خوا جه عبد الله انصاری قدس سره گفت
که من ازدو کس بلند در جه تر ندیدم یکی حضر ت

شیخ ابو الحسن خرقانی و دیگر حضرت خواجه عبد الله طاقی قدس سره و ریاضت حضرت؛ خواجه بمرتبهٔ رسیده بود که گفته بحدیث خواندن مشغول بودم و اکثر اوقات گیاه تناول میکردم و خشت زیر سر می نهادم و فاتش در سال چهار صد و هشتاد و یک هجری و عمر مبارکش هشتاد و چهار سال و چار ماه و بیست روز بوده و در تاریخ هشتصد و سی دوی هجری خاقان سعید سلطان ابو سعید میرزا بر سر تربت آن بزرگوار عمارت و مسجد جامع عالی بنا نموده و اکثر سلاطین اسلامیه تا حالا در آنجا بناهای خیر نموده اند و املاک زیادیرا وقف نموده اند که به مصارف آن برسد و اهل هرات از وضیع و شریف پیوسته بمرقد منور توسل میجویند و بمقاصد دین و دنیا میرسند فیض الهی دران موضع بسیار است!

ذکر جماعتی از اولیای کبار و مشایخ که از اقران حضرت خواجه عبد الله انصاری قدس سره بوده اند و حضرت خواجه در مصنفات خود ذکر ایشان نموده اند و تاریخ ایشان معلوم نیست درین محل اسامی این بزرگواران در سلک تحریر می آید تا بمقتضای اثر معتبر عند ذکر الصالحین تنزل الرحمة برکات

آن طایفه بروز کار بماند .

شیخ ابو حفص غورانی (رح) ۳۴

پیر با هیبت بوده وکرامات فراوان داشته مدفنش در قریه غوران است (بلوك گذره) .

۳۵ شیخ ابو بشر (کواشانی رح)

گویند که کبوتر بسخن او از کبوتر خانه فرود (۱) می‌آمد تاریخ و فاتش معلوم نیست و قبر وی در قریه کواشانچه است .

۳۶ عبدالله کهین وعبدالله مهین [رح]

هر دوی ایشان از گواشانچه بوده اند وهردو از پیران حضرت خواجه عبد الله انصاری بوده اند و مدفن ایشان در قریه گواشانچه است از بلوك کذره . —

۳۷ شیخ احمد کهدستانی [رح]

از اصحاب ولایت بوده در قریه کهدستان

(۱) الحال آنرا پیر کبوتر خوانند .

مدفون است •

۳۸ شیخ ابوالحسن نجار قهندزی [رح]

از اکابر این طایفه بوده و قبرش الحال معلوم نیست

خطیب کورت (رح)

پیران بسیار دیده و سید القوم بوده و خواجه عبدالله انصاری قدس سره بسیار به مهمانی ایشان تشریف میبرده و قبر وی درقریه کورت است •

۳۹ شیخ احمد کوفانی [رح]

از اهل کمال و حال بوده و مدفنش در قریه کوفان است (بلوک گذره) •

۴۰ پیر محمد کشور [رح]

از اکابر دین و مشایخ هرات بوده وشیخ الاسلام حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره بسیار وصفه ایشان میفرموده اند •

۴۱ محمد شکرف [رح]

از پیران صاحب حال بوده اند اما تاریخ فوت و قبرش

معلوم نیست .

ابوسعید مالانی (رح) ۴۲

در علم حدیث استاد حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره بوده وحال عظیم داشته وامام نودی رحمة الله علیه در اربعین خود ذکر ایشان نموده وقبر ایشان در زیارت گاه است و فیض در مزار ایشان زیاده ازان است که وصف آن کرده شود وفاتش در سال چهار صد و دوازده از هجرت است .

شیخ ابوالحسن حداد (رح) ۴۳

هروی است واز سادات عظام بود و ایشان مجرد بوده اما مدفن ایشان معلوم نیست

شیخ ابومنصور سوخته [رح] ۴۴

امام زاهد و متورع و از اهل فضل بوده و قبرش در خیابان است .

شیخ بغطاء نوبادانی (رح) ۴۵

شیخ عالم و کامل و از بزرگان سادات عظام

بوده وعلم درویشی را نیك میدانسته ومدفنش در قریه نوبادان است .

درویش محمد خیاط [رح] ۴۶

حضرت خواجه عبد الله انصاری قدس سره وصف او را بسیار کرده و از اکابر بزرگان بوده وشمرده اند اما قبرش معلوم نیست .

شیخ بغطاء جولاه (رح) ۴۷

از اکابر مشایخ هرات بوده مدفنش بگورستان درب خوش است .

امابعد ازین بذکر طبقهٔ دیگر که تا لی زطبقهٔ حضرت خواجه عبد الله انصاری بوده اند قیام نموده خواهد شد .

شیخ ابو عبد الله عمیری (رح) ۴۸

امام متعبد عالم فاضل زاهد عابد از اقران خویش بعلم وکمال ممتاز بوده وفاتش در سال چهارصد و هشتاد و هفت از هجرت و مدفنش درب خوش است .

شیخ عبد الهادی ۴۹ (رح)

دیگر نقطهٔ دائرهٔ علم و حلم و آزادی شیخ عبد الهادی خلف الصدق حضرت خواجه عبد الله انصاری قدس سره است به علم ظاهر و باطن آراسته بود با ورع و تقوی و زهد و فضل شهرت تمام داشته وقتی که ملاحده در هرات استیلاء یافته بودند تفرقه بسیار باو رسانیدند و در آخر در کهندز [۱] او را شهید کردند هما نجا مدفون ساختند بعد از چند روز که آن فتنه تسکین یافته از قبرش برآورده به گازرگاه شریف بردند و در پیش روی پدر بزرگوار او دفن نمودند وحالا قبرش ظاهر وهویدا است .

شیخ ابو نصر خمچه آبادی (رح) ۵۰

شیخ الاقطاب ومرشد السالکین شیخ ابو نصر خمچه آبادی رحمة الله علیه در اعداد علمای ربانی معدود گشته و در علم ظاهر و باطن معمور اصلش از کرمان بوده وریاضات مالانهایه داشته وهمواره مصاحبت با حضرت خضر علیه السلام داشته و در سبب ترقی او

---

(۱) یعنی کهنه|تل .

آورده اند که شخصی روزی پیش او فتوای آورد مضمون اینکه چه میفرمایند علمای اسلام در شان جوانی که مبداء حال خرکاری میکرده روزی بر دراز گوشی خشم گرفته و چوبی چند برد و از گوش زده آن حیوان باو در سخن آمده گفت این همه غضب و تندی بر من مظلوم بی زبان روا نده گیرا اندیشه نمیکنی که اگر حضرت خداوند بزرگ بر تو خشم گیرد هیچ توانی که از عهده آن بیرون آئی پس آتش ندامت در دل او افتاد و باستغفار و توبه مشغول میباشد و مدتی بیست سال است که آب چشمش ایستاده نشده و اکنون پیر گشته و آب درد و دیده نمانده هرگاه حال گذشته خود را یاد میکند و ستم که بر آن دهان بسته نموده بخواطرش می آید از هیبت حقسبحانه و تعالی خون از دیده اش روان میگردد و چون در نماز می ایستد بر روی و موی و مصلی او همه خون روان میگردد ولماز و وضوی او چیست شیخ ابو نصر در حالیکه این فتوی بخواند حال بروی بگشت برخواست و روان شد گفت آن شخص کجا است گفتند در فلان موضع است سر و پای برهنه میرفت بسرعت تمام بخانقاه او رسید گفتند درآی که در نماز ایستاده

بوده و همین ساعت قالب تهی ساخته شیخ ابو نصر رحمة الله علیه در آمد و درویش را دیده روی و موی سفیدش بخون سرخ شده و جان داده نیك در آن نظر کرده در روی شیخ خندید بعد ازان شیخ ابو نصر به تجهیز و تکفین او قیام نموده و پس ازان وجد وحال برشیخ ابو نصر غلبه نمود وسر در کوه و بیابان نهاده و دایماً میگریست روزی شخصی باو رسید سوال کرد که ای حیران چرا میگریی مگر آیت از کلام ملك علام بتو رسیده بآن کار نکرده و آن آیت خصم تو شده گریه تو بگریه دلسوختگان نمی ماند بگریه دامن سوختگان می ماند شیخ ابو نصر (رح) را این سخن درد بر درد فزود قصه او بجای رسید که او را با خلق آرامش نماند آب ونان را ترك نموده و بمحاسبه خود مشغول شد و سر و پا برهنه سیر میفرمود تا بپای درخت رسید و در سر چشمه آن درخت منزل گرفت و آن درختی بود خار دار و براهر خاری از اشك آن باری بسته بود و از ان درخت خوشه ها بر مثوال انگور سرخ آویخته بود پس از اشك آن درخت مقداری بلیسدی هوش بوی باز آمدی و به عبادت حق مشغول بودی اژدهای بزرگ بیامد برگرد آن درخت و برگرد شیخ حلقه زد شیخ

ابو نصر مدت بیست سال در میان حلقهٔ مار عبادت می
کرد واز میوهٔ آن درخت تناول می نمود و ازان
چشمه وضو میساخت و عبادت میکرد به هیچ کاری
دیگر نمی پرداخت و از خلایق کسی بآنجا نمیرسید
بعد از مدت بیست سال جوانی دران منزل ظاهر شد
و ازان چشمه وضو ساخت و دو رکعت نماز بگذارد
و گفت شیخا امروز روز عرفه است توجه نمای
و حج بگذار شیخ ابو نصر فرمود حالا از حج و
عرفه دوریم جوان گفت اینك کوی عرفات و در
نظر او عرفات را بنمود بآن جای رفت و بحاجیان
موافقت نمود بعد ازانکه از وقوف عرفات فارغ
شدند نه جوان را دید و نه چشمه پس مناسك را
باتمام رسانید و در تحت نودان خانهٔ کعبه مقام
ساخت گاه گاه پشتهٔ هیزم میکشید و میفروخت و روز
گار بآن میکذرانید ده سال به آن دستور بگذرانیده
بعد ازان حاجیان به مدینهٔ منورهٔ مشرفه بزیارت
حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم میرفتند پیری
باو گفت چرا موافقت باین جماعت نمیکنی که
بزیارت حبیب خدا صلی الله علیه و سلم می روند
پس در صحبت آن جماعت بمدینهٔ منوره رفت و در

مقابلهٔ روضهٔ مقدسهٔ مطهرهٔ معطرهٔ حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بایستاد و سلام نمود و جواب از قبر شریف آنحضرت صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و سلم شنید که علیك السلام یا ابو نصر ده سال دیگر در آنجا بمجاورت بگذرانید بعد ازان از روحانیت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم رخصت یافته بطرف شام و بیت المقدس روانه شد و ده سال دیگر دران موضع مقدسه مجاور شد آن گاه بعراق آمد و در کوه ها و صحرا ها با درویشان مصاحب بود و بخلوت بسر می برد و مدتی بیست سال باین طریق بگذشت آن گاه شبی حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم را در واقعهٔ دید که باو فرمود ای ابو نصر در خراسان هرات رو و مؤمنهٔ را بنکاح گیر که سه فرزند بتو حواله است و شیخ ابو نصر یکصد و بیست سال عمر یافت و احوالات و مقاماتش و کرامات و بزرگی ایشان زیاده ازان است که درین مختصر گنجد و فاتش در سال پانصد از هجرت و مدفنش در پهلوی حضرت سلطان میر عبدالله الواحد شهید است و شرح مزارش از شرح مستغنی است رحمة الله علیه •

۵۱ سلطان مجدالدین طالبه (رح)

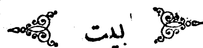
در طریق توکل و تجرید یگانه روزگار بوده و در سلك اولیاء کمل معدود گشته و مقامات عجیبه و حکایات غریبه از وی مرویست و امام فخرالدین رازی بزیارت او بسیار میرفت اما تاریخ وفاتش معلوم نشده و مدفن ایشان درانداروی شهر هرات درمیان درب خوش و درب فیروزآباد و شیخ محمد محمود که از محققان مشایخ است در پهلوی قبر وی مدفون است و عمارتی بر سر قبر وی ساخته اند و خاقان سعید که هر سال دو نوبت بمزارات هرات تردد مینمود بآنجا هم بزیارت آن بزرگوار میرفت ٭

۵۲ شیخ ابوشجاع کرمانی [رح]

امام ربانی علاء الدولة والدین ابو شجاع کرمانی اسم شریف شان محمد ابن مسعود است در هرات بلغر یابی میگذرانیده تا وفات یافت در سنه پنج صد و نود هجری وفات یافت مدفنش در مقبره درب خوش و زیارت قبرش تریاق مجرب است ٭

حضرت خواجه ترازودار (رح)

شیخ الفقراء زبدة المتوکلین قطب الحق والدین ابویزید الوزان المشهور به خواجه ترازودار از جمله مشایخ هرات بوده و خود را از خلق پنهان میداشته چون از جهان فانی نقل کرد او را درانده رون شهر هرات در دوون دکان که در بازار فیروزآباد داشت دفن نمودند و آنجا را عمارت کردند مشهور است که خواجه شبی در دکان خود در خواب رفته بود که نیم شب ضعیفه او را طلب نموده نعره زد و یك فلوس داشت فصل زمستان بود برفی عظیم شده بود خواجه بیدار شده آن عاجزه گفت این فلس را بستان و مرا پنج چیز بده خواجه چراغ روشن کرده بخواهش آن مهمی که داشت بساخت ضعیفه بدعای خیرش یاد نمود و گفت خدایا دل او را منور گردان و در دو جهانش عزیز گردان گویند چون خواجه وفات یافت در خوابش دیدند پرسیدند که خدای تعالی با تو چه کرد جواب فرمود که بدعای پیرزنی مرا بیامرزید ؎



بیت

همت از آنجا که نظرها کند ☆ خار مدارش که اثرها کند

مزار متبرکش اکثیر احمر است و ایشان را برادری
بود صاحب کمال کارهای بسیار کرده و حجهای
پیاده گذارده و در جنب بازار فیروز آباد در
میان مدرسه او را دفن کردند .

امام فخرالدین رازی (رح) ۵۴

امام الهمام الداعی الی الله فخر الحق والملة والدین
ابو عبد الله محمد بن عمر الرازی القرشی
التیمی البکری از فحول ائمه و علمای عصر خود بوده
و از میامن انصاف متبرکه اش تصانیف بسیار
از وی در جمیع علوم منقوله و معقوله در روی
زمین انتشار دارد و در زمان سلطان غیاث الدین غوری
در هرات ترقی نموده و سلطان موصوف مسجد جامع هرات
و باسم شافعیه بجهة امام مذکور بنا نموده هر روز جمعه
آنجا به نصیحت مسلمانان مشغول میشده و کمالات ایشان فوق
الحصر والبیان است ولادت ایشان در بیست و پنجم ماه
رمضان سال پنجصد و چهل و چهار هجری و فاتش در روز دو
شنبه عید فطر سال ششصد و شش هجری و مشهور است که در
حین وفات این رباعی را انشاء فرموده اند !

رباعی

هرگز دل من ز علم محروم نشد ☆ کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد
هفتاد و دو علم درس خواندم شب و روز ☆ معلومم شد که هیچ معلوم نشد

مدفنش در خیابان هرات معروف و مشهور و بفیوضات ربانی مشرف و معمور است ٭

۵۸ سلطان میر غیاث الدین (رح)

سلطان غازی عادل متمکن بر مسند عدل و صدق و یقین سلطان غیاث الدین از کمل سلاطین ایام و افضل ولات بوده و کمال عدالت پروری و مسلمانی او شهرت تمام دارد و پیوسته بتربیت علما و تقویت صلحا و فضلا و تشعیت شرع محمدی صلی الله علیه و سلم اشتغال میفرمود و در تمهید قواعد جهاد با کفار وقلع و قمع اشرار مبالغه تمام مینمود و مذهب شافعی داشت و از آثار خیر او بنای مسجد جامع هرات است که از غنیمت حلال باساس تقوی موسس و صفای آن از خلوص عقیده بانی خبر میدهد و همواره معبد اولیا و اتقیا بوده و است و مشهور است که چهار جمعه یکنوبت حضرت خضر علیه السلام آنجا به نماز حاضر میشود و هرگز از اهل غیب خالی نیست و بسی سالك جلد میباید که شب تنها در آنجا قیام نماید و در

طرف جنوبی مسجد بزرگوار بصف اول دو رکعت نماز گذاردن
و مراد خواستن اثری تمام دارد (١) و در شمال مسجد متصل
مدرسه غیاثیه خانقاهی است که اکثر مشایخ دران موضع
متبرك بخلوات و اربعينات بسر برده اند و بسیاری از
اهل دل درین موضع متبرك به مقاصد کلیه فایز آمده
اند و در میان گنبدی که در صفه شمالی است
مدفون گشته و بعضی از ملوك کرت نیز دران گنبد
مدفونند و در طرف غربی گنبد مذکور مدرسهٔ معمور
گشته آنهم از آثار و بنای اوست و این مسجد شریف
از عجائبات مسجدها است ، چنانچه وسعت آن شانزده
جریب است چهارصد و شصت گنبد دارد و صد وسی
و شش رواق و چهارصد و چهل و چهار پیل پایه وشش
دروازه امادر تاریخ نهصد و چهار هجری در وقت
سلطان حسین میرزا دارای صیانت تدبیر وزیر امیر
علی شیر تجدید و ترمیم مسجد را به طرز جدید نمود .
چنانچه کاشین کاری و میذنه و اطراف مسجد شریف
بسنگ مرمر آباد نموده و تاریخ آباد شدن مسجد
مذکور این دور باعی است .

---

(١) از ینجا تا آخر الحاقیست .

قطعه تاریخ

مقصوره و طاق مسجد شهر ☆ گردیده خراب بود از دیر
شد امر ز غیب گشت تاریخ ☆ وفق البنائه علی شیر

ولی ایضاً ۹۰۴

ز تعمیر این بقعه جان یافت فیض ☆ که مانند خلد است ماوای فیض
چه از فیض اتمام شد بهره مند ☆ خرد یافت تاریخ ان جای فیض

و در سال هزار و چهل و پنج هجری در عهد شاه اسماعیل صفوی باز دو مرتبه خراب گردیده بود تا در سال هزار و دو صد و پنجاه و سه هجری ایوان سمت شمالی مسجد را وزیر یار محمد خان درانی آباد نموده و در ابتدای سلطنت پادشاه اسلام ضیاء الملة و الدین امیر عبد الرحمن خان مرحوم ایوان قبله که خراب شده بود آباد شد ، و در سال هزار و سه صد و بیست و پنج هجری پادشاه مسلمین اعلیحضرت سراج الملة و الدین امیر حبیب الله خان خلد الله ملکه به طریق دوره تشریف فرمای دار النصرت هرات شدند چون مسجد متبرک را از آثار قدیمه دیدند و بمرور ایام روی با نهدام نهاده بود امر و ارشاد فرمودند که مبلغ دولك روپیه از عین المال خود شهریاری

آبادی مسجد شریف بشود ، وصداقت نشان شاه قاصی دوست محمد خان را که از نظمای ملک بود آن را مقرر این خدمت نمودند همان بود که به مدت پنج سال به طرز قدیم آباد شد !

رباعی

خدایا تو این شاه درویش دوست ☆ که آسایش خلق در ظل اوست
بتوفیق طاعت دلش زنده دار ☆ بسی بر سر خلق پاینده دار

و از جمله عجایبات که در این مسجد شریف است دیگی است که نهایت بزرگ جنس آن از هفت جوش است بجهة شربت دادن در ایام متبرکه ساخته شده است و بسیار منقش و در زمان ملوک کورت قلندر نام قفاعی از عین المال خود آن را وقف نموده است و این دو بیت در مدح پادشاه وقت در آنجا مسطور است !

رباعی

هزار سال جلالی بقای ملکش باد☆شهور اوهمه اردی بهشت وفروردین
بسال هفتصد و هفتاد و شش از هجرت☆که نقشبند حوادث نمود صورت این

٥٦

شیخ محمود بن محمد سرمقی [رح]

شیخ الاصفیا کمال الملة والدین محمود بن محمد سرمقی رحمة الله علیه اصل ایشان از سرمق فارس بوده که قصبه مشهور و معروف است و تمام آن قصبه وقف حرمین شریفین است و درزمره جوانمردان مشایخ هرات معدود گشته اند و در زهد و تقوی یدی طولی داشت و در قریه که بخواجه سرمه مشهور راست مدفون شده قبرش معروف و هویدا است و سلاطین ماضیه بر سر تربت آن عمارت عالی بنا نموده اند و حال آباد است و خانقاهی وموقوفاتی دارد هرچند که معاملات اوقاف درین ایام مشتق از توقف می باشد اما امید است که بمیامن حضرت خلافت پناه غلات اوقاف بمصارف استحقاق برسد و دراراضی آمال تخم اقبال کاشته شود .

٥٧

شیخ سیف الدین ترك (رح)

شیخ ابدال و ازابناء ملوك بوده مجذوب گشته و نظر از شیخ قطب الدین حیدر زاده یافته و خوارق عادات ازاو بسیار ظاهر شده چنانچه اهالی هرات به

یکبارگی معتقد آن بوده هر چند کسوت ملامتیان اختیار کرده اما بواسطه جذبه او را معذور میداشتند ابتدا در خیابان هرات قریب مزار خواجه علمدار بسر می برده از بسیاری تردد اهل هرات به تنگ آمده آخر به گازرگاه شریف نقل کرده و آنجا به عبادت مشغول شده چون وقتش رسید برخواست و بحوض آب درآمده غسل بجا آورد و بمنزل خود رفت و بنشست و کلمهٔ شهادت گفت و جان روان تسلیم نمود و مریدان پیش آن صفه رابسته اند و میگویند همچنان نشسته است .

۵۸

درویش دادبابو (رح)

درویش عارف و سالک اصلش از مصر بوده و چرم گری میکرده گویند روزی شیخ پوستها را در تغار نهاده بود روزی دیگر چون برخواست آن پوستها را پیراسته و چرم شده یافت ازان سبب او را حالی پیش آمد و توبه کرده و متوجه راه حق شده و درزمان سلطان غیاث الدین غوری به هرات آمده و سلطان مشارالیه به صحبت او تقرب میجست وازاحوال سفر خود عجائب و غرائب بسیار دیده بود بیان میکرد

و سلطان میفر مود که بابو داد سفر داری از ان جهة ایشان را داد بابو میگفتند نام اصلی ایشان درویش حاجی محمد است تاریخ وفاتش محقق نشده امه مدفنش در بیرون درب قطبی چاق است مقابل خانقاه زبیده آغا متصل براهی که بمصرخ میروند •

حضرت میرحسینی قدس سره

قطب ربانی و محقق صمدانی سید الکبیر حسین بن عالم بن ابی الحسن المشهور به سید حسینی العلوی عالم و عارف و محقق و موحد بود اصلش از نواحی (۱) غور بوده و از مریدان شیخ رکن الدین ابوالفتح بوده واو از مریدان پدر خود شیخ صدر الدین بوده واو از مریدان شیخ زکریاء ملتانی است مشایخ بسیار دیده و خدمتها کرده و مصنفات میر حسینی معروف و مشهور است و معرف حال اوست مثل نزهة الارواح و طرب المجالس و صراط المستقیم و گنج نامه وزاد المسافرین و کنز الرموز و دیگر

(۱) در غور قریه ایست که آن را گریوه نامند که آنجا مولد و مسکن شان بوده است و تا حال آثار شان در ان قریه موجود و معروفست کما هو الظاهر •

رساله‌ها (مصراع) سخنش خود معرف هنر است

وفاتش در سال هفتصد و هجده هجری و تاریخ

وفات ایشان درین دو بیت مذکور شده است •

بیت

ده وشیش از مه شوال هفتصد وهجده * نمود واقعهٔ افتخار آل محمد

روان سیدهٔ سادات عصر میر حسینی * شد از سراچهٔ دنیا بدار ملک مخلد

و قبرش در مصرخ هرات در خطیرهٔ حضرت سید عبدالله

بن حضرت معاویه بن حضرت عبد الله بن حضرت جعفر

الطیار است رضی الله عنهم و فیض از مرقدش میبارد

بیت

هر کس که ز ملک آشنا ئیست * داند که متاع ما کجا ئیست

مولانا عبدالرحیم [رح] ۶۰

المشهور به پیر تسلیم امام عصر و مجتهد دهر نظام

الحق و الدین مولانا عبد الرحیم الخوافی المؤثر

تائبادی از ائمهٔ دین و اجلهٔ اهل یقین و از اقران

شیخ علاء الدولة سمنانی و شیخ قطب الدین جامی

و شیخ محمد خلوتی خوارزمی و شیخ قوام الدین

بسطامی و استادان مولانا محمود زاهد مرغابی

و مولانا ابو بکر تائبادی بوده و اصلش از برابا د

خواف است اما در هرات بسر می برد و مشار الیه ومعتمد فیه زمان خود بوده و سخنان او نزد حکام کالنص القاطع بوده و معامله اذعان و تسلیم او منور و روشن است و قصهٔ شهادت آن بواسطهٔ مخالفت غوریان شهرتی دارد القصه خود را فدای اهالی شهر ساخته وباین ظابط عمل نمود که شهر قلیل از برای جلب کثیر داخل خیر کثیراست و زیارت مرقد شریفش در حصول مطالب به تجربه رسیده است و قبرش درخیابان مشهور و معروف و شهادت ایشان در سال هفتصد و سی و هشت هجری است •

مولانا ظهیرالدین غوری (رح)

مولانا شیخ الاسلام سعید فرید دهر و وحید عصر مولانا ظهیر الدین محمد بن احمد غوری بسیار بزرگ و صاحب کمال و مستحق تعظیم و اجلال بوده ودر ولایت غور متولد شده اند و بعد از واقعه هلاکو در هرات آمده ملجا اکابر گشت هفت نوبت حج گذارد و از اقران پیر تسلیم بوده و اکثر حفاظ خراسان کلام الله را ازاو اخذ کرده اند و سلسله نسبش به خلیفه حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم حضرت ابو بکر الصدیق

رضی الله تعالی عنه منتهی میشود و فاتش در سال هفتصد وسی‌سه هجری مدفنش در پهلوی پدر تسلیم در خیابان است •

شیخ ابونصر جامی (رح) ۶۲

قطب الحق والدین ابونصر یحیی جامی بن ابوالفضل جامی قدس سره اصلش از جام و ولادتش در نیشابور بوده و نشو و نما در هرات یافته و از اکابر علمای و مشایخ خراسان بوده و حدیث شریف پیش پدر خود خوانده و با شیخ علاوالدوله شمنانی رحمة الله علیه و شیخ صفی الدین اردبیلی و مولانا اعظم مجد الدین اسماعیل وقاضی القضات فارس صحبت داشته و هفت مرتبه حج گذارده و بخدمت مشایخ حجاز رسیده و فاتش شب پنجشنبه بیست و یکم جمادی الآخر سال هفصد و چهل و یك هجری و مدفنش دهر بیر و ن درب فیر و ز آباد در خانقاه که ملك معز الدین ابوالخیر محمد کرت بجهة ایشان بنا فرموده و جد و حال و فضل و کمال او متجاوز از الحصر والبیان است •

شیخ قوام الدین بسطامی قدس سره ۶۳

شیخ الاسلام عالم ربانی و ینبوع مکرمت و نیکنامی شیخ قوام الملة والدین بسطامی از ائمه دین و اجله اهل یقین و حنفی مذهب بوده و از اقران شیخ علاو الدوله سمنانی و شیخ قطب الدین جامی و اکفاء ایشان بوده خرقه از دست پدر خود شیخ جمال الدین عبد المجید پوشیده و علو مرتبه او را خواص و عوام اعتبار میکردند و سلسله خرقه ایشان به سلطان بایزید بسطامی منتهی میشود و بفضل کرامات و مقامات مقامی دارد و بسیاری از اکابر دین فیض از دامن او خواسته اند و در سال هفتصد و چهل و سه هجری در هرات وفات نموده و بموجب وصیتش در خیابان در خطیره امام فخر الدین رازی رحمة الله علیه ایشان را دفن نمودند .

مولانا محمود مرغابی [رح] ۶۴

قطب الاولیاء و الاوتاد مولانا محمود زاهد مرغابی جلال الملة والدین از اکابر عصر و یگانه دهر و عالم به علوم ظاهره و باطنه و حنفی مذهب و از اصحاب

مولانا نظام الدین پیر تسلیم بوده و کرامات فراوان از ان منقول است میگویند که هر سال وقت محصول کشت پنج خروار آرد در خمها می ریخت و تا آخر سال ازان خرج میکرد گاهی آرد بمردم صد من دادی هرگز ازان خمها کم نگشتی؛ وفاتش درسال هفتصد و هشت هجری مدفن ایشان در قریهٔ مرغاب هرات معروف و مشهور است ؛ و خاقان سعید هرسال دو نوبت بزیارت ایشان میرفت ، رحمة الله علیه .

قاضی جلال الدین محمود [رح] ۶۵

ملك القضات والحكام مناهج الحلال و الحرام نقطهٔ دائرهٔ شریعت و مدار مرکز حقیقت الواصل الی جوار رحمة الملك الودود قاضی جلال الدین محمود الامانی قاضی القضات هرات ، از متعینان اکابر قبة الاسلام هرات وملجا سلاطین واز اولاد سرور ارباب تحقیق امیرالمومنین سیدنا حضرت ابی بکر الصدیق رضی الله عنه ومقدم ارباب عمایم واهالی مملکت خراسان بوده پیوسته ملوك و حکام به صحبت شریفش میرفتند و در جزئیات و کلیات او را ؛ مشار الیه و مدار الیه میدانستند و درمکاتیب که بفرمان ملك معز الدین بایشان میفرستادند ملك

مشار الیه بخط خود بر حاشیه مکتوب ثبت میفرمود که بندهٔ مخلص دولتخواه حسین کرت و امثال این تعظیمات واقع میشد ، وتقوی وزهد وورع باقصی الغایت داشت ؛ و خاقان صاحب قران پیش ، از زمان ظهور جهان گیری با او ملاقات کرده بود و بسیار معتقد او گشته و فاتش در سال هفتصد و هشتاد هجری مدفنش در خطیرهٔ حضرت خواجه عبد الله انصاری قدس سره در مقبرة القضات است •

شیخ سیف الدین خلوتی [رح] ۶۶

شیخ کامل صمدانی در علم حقیقت و ورع وزهد و تقوی ، و علوم ظاهر و باطن صاحب کمال بوده مولدش در هرات ودر خوارزم نشو و نما یافته ودر هرات اقامت فرموده و از دست شیخ عالم شیخ محمود خلوتی خرقه پوشیده وکرامات عجیبه و احوالات غریبه از وی منقول است و در سال هفتصد و هشتاد و پنج هجری وفات نموده و در مزار خلوتیان قریب پل گازرگاه مدفون است •

۶۷ شیخ ظهیر الدین خلوتی [رح]

کهف الطالبین شیخ ظهیر الدین خلوتی در علم قرائت فرید عصر خود بوده و جناب ولایت مآب مولانا زین الدین ابوبکر تائبادی در شان او فرموده که در زیر طاس فلك مثل ظهیر الدین خلوتی نمیدانم و مولانا شرف الدین عثمان زیارتگاهی فن قرائت را ازو اخذ کرده ومدتی مدید ملازمت شیخ سیف الدین خلوتی به تقدیم رسانیده ودر سال هشتصد از دنیا رحلت کرده ودر مزار خلوتیان او را مدفون ساختند ودر این مزار بسیاری از عزیزان واولیاء وارباب کشف وتسخیر مدفونند هر که اندك قابلیت داشته باشد درآن منزل بتوجه تمام درآید و همت ازتعلق باغیار منقطع سازد فیوضات متتابعه باو واصل شود ٠

۶۸ اخی محمد واخی محمود (رح)

پیران صاحب وقت ومجذوبان عالی وجد واز مفردان ومجردان بابا سنگوی ابدال بوده اند هر کس که بزیارت ایشان میرفت ما فی الضمیر او را میگفتند تاریخ وفات ایشان بتحقیق نپیوسته اما اخی محمد در خیابان

در پهلوی مدرسه فرمان شیخ است و مدفن اخی محمود در کوه مختار است .

پیرلقمه (رح) ۶۱

از هندوستان آمده در هرات مقیم شده و سبب لقمه که لقب آن شده بود این است که هر که را دیدی گفتی لقمه ما کو و هر چه باو میدادند از حبوبات و نمك و صابون و کلوخ و غیره در یکدیگر انداختی و طعام ساختی و با نفس خود این نوع خطاب فرمودی که ای نفسك این است رزق تو اگر خواهی بخور و اگر خواهی بگذار منقول است که جمعی از تجاران گفتند که ما بسفر دریا رفته بودیم و در میان بحر کشتی ما بغرقاب افتاده مضطر باحوال شدیم ناگاه پیر لقمه را دیدیم که بر روی آب پیدا شد و کشتی ما را از هلاکت گذرانید تاریخ وفات او معلوم نشده و قبرش درخیابان است .

درویش مسافر (رح) ۶۰

پیر کامل عارف و مرد با شکوه و صاحب حال بود و مدت چهل سال به هر نماز غسل بجا می آورد و

در خیابان در خطیره سعد که از اسباط حضرت حمزه (رض) بن عبدالمطلب است محاذی مدرسه گوهر شاد بیگم بنت امیر غیاث الدین مدفون است ۰

سید اشرف ۷۱

بن سید مبارک شاه [رح]

امام ربانی بی مثل و اشتباه سید برهان الملة والدین اشرف بن مبارک شاه از فقها و فضلای عصر خود بوده و بمذهب حضرت امام اعظم ابو حنیفه کوفی رحمة الله علیه عمل مینمود و استفادهٔ علوم از مولانا شمس الدین محمد کرت و علامه زوزنی و مولانا رکن الدین شارح لباب و مولانا افتخار الدین نسفی و اقران ایشان کرده و مدت هشتاد سال در هرات فتوی نوشت و در سال هشتصد و سه وفات نموده قبرش در خیابان است ۰

مولانا حسام الدین العبدی [رح] ۷۲

امام العصر والزمان الواصل الی جوار الفضل الاحدی مولانا حسام الدین العبدی رحمة الله علیه بسیار بزرگ و عالم و محدث بوده و از مولانا

سیف الدین احمد الابهری و مولانا شمس الدین کرمانی اخذ علوم نموده و فاتش در غره ماه شعبان سال هشتصد و هفت هجری بوده و مدفنش در اندرون گنبد سید السادات شاهزاده عبدالله رضی الله عنه است: (منقول است که بعد از وفات او را بخواب دیدند گفتند که خدای تعالی با تو چه کرد جواب داد که دوازده هزار نفر را از ساکنان عالم غیب ملازم من ساخت تا بخوانند حدیث نبوی صلی الله علیه و سلم قیام مینمایند

این بود ذکر جماعتی از اعیان که از ابتدای فتح اسلام تا سال هشتصد و هفت هجری در هرات مدفون گشته اند و تواریخ واسامی ایشان نوشته شد والا فضایل و کمالات و کرامات این جماعه مذکوره در مجلدات نگنجد و درین غرض تعیین مراقد و نام و نشان ایشان است امل واثق و رجاء صادق که برکات همم علیه این بزرگان لحظه فلحظه بروزگار زائرین واصل و متواصل گردد ●●

باب دوم

در ذکر جماعتی که در اندرون قبة الاسلام هرات باسم و لقب شهرت دارند و همواره حاجتمندان و سالکان

بزیارت ایشان توسل میجویند و بمساعدت صدق خود بمراد ات و بمقاصد خود میرسند لیکن از نسخه معتمد احوال این بزرگان مذکور نشده فاما مقرر است (ع) (جنبش گرد از سوار بود) تا عود در مجمر نباشد بوی بمشام طالبان نرسد اول بذکر اولیاء الله که در شهر مدفونند قیام نموده خواهد شد و بعد از ان اسامی طائفه که در ظاهر قبة الاسلام هرات و توابع آن آسوده اند بقلم می آید ۰

شاه زاده فرخ بن خاقان [رح] ۷۴

از اعوان ابو مسلم مروزی است و از متعینان وقت خود بوده و شهید شده و پیوسته اهالی مملکت بزیارت او توسل میجویند و بمقصد میرسند و مدفنش قریب دروازه خوش متصل باره است ۰

خواجه عبدالله مصری [رح] ۷۵

از متعینان اولیاء الله و اکابر اتقیا بوده و در هرات اوراهلاکو شهید کرده و زیارت مزار او عظیم متاثر است مدفنش در غاری که متصل برج قولغ است و حاله همان محله را بنام مبارک ایشان یاد میکنند ۰

خواجه مخفی [رح] ۷۶

قطب الزمان و غوث العصر والاوان در زمانه حضرت خواجه عبد الله انصاری قدس سره بوده وکسی از حال وکمال او وقوف نداشته ومدفنش در باره درب قطب چاق قریب برج گوشهٔ شهر وآنجا محل غیبیان وآستانه مراد است •

مسجد چهارشنبه ۷۷

قریب برج خواجه عبد الله مصری رحمة الله علیه مسجدی است متبرك مشهور است که در گوشهٔ آن مسجد ازطرف جنوب خانه ایست که جمعی از اولیاء الله درانجا مقبورند وبآن خانه کسی نمیرود وبغایت مهیب جای است در روز چهارشنبه اهالی هرات بزیارت آن جا میروند وآستانهٔ مراد است •

مسجد کنبد خواجه نور ۷۸

در نواحی آن چشمه ایست ومسجدیست آنرا مسجد خواجه نور مینامند وبر پهلوی آن مزاریست مشهور بخواجه نورد رروز چهارشنبه دورکعت نماز حاجت دران

مسجد گذاردن و مراد طلبیدن و بمقصود رسیدن از مجرب است
و میگویند که از بنای آن موضع الی یومنا هذا چهار
هزار سال میشود والله اعلم و پیوسته در هر قرن
از قرون ماضیه معبد مردم بوده شیخ الاسلام و المسلمین
شیخ زین الدین الخوافی قدس سره بسیار به مسجد
مذکور میرفته وی فرموده اند که درین موضع بشرایع
مختلفه و ادیان متنوعه طاعات و عبادات به تقدیم
رسانیده اند و درین موضع فیض و حضور تمام بخواص
عوام حاصل میگردد؛ و در بعضی اساس گنبد مذکور
چله خانه ها ساخته اند و آن خلوت خانه ها منزلی
بس مهیب است و تنها در آن موضع بسر بردن کار هر کس
نیست و فی الواقع بسیاری از حاجتمندان در آن
موضع بمراد و بمقصد رسیده اند که هر مستمندی سه
چهارشنبه چاشت در آن موضع دو رکعت نماز
حاجت بکذارد البته کامروا گردد.

۸۹ خواجه امانت دار [رح]

در محله میران مشهور است قریب دروازه فیروز
آباد قدوة المشایخ هرات بوده و استمداد از
همت ایشان اثری تمام دارد.

خواجه مرادبخش [رح] ۹۰

در محله قالین بافان قریب درب عراق است هر که بصدق نیت توجه نماید البته مرادش حاصل شود و این معنی از مجربات است .

خواجه چهارشنبه [رح] ۹۱

در محله سلانی قریب برج شمعانی و از اکابر دین است و روح مؤثر گرم دارد و اکثر مردم شب چهارشنبه در ان مزار میروند بسیار بافیض است .

پیرغازانی [رح] ۹۲

در محله غازان قریب درب عراق از عزیزان و بزرگان بوده و طالبان بمیامن همت آن پیر صاحب کمال بمقاصد خویش میرسند .

خواجه ابوالقاسم [رح] ۹۳

(آبگینه گر)

در بازار خوش قریب دروازه امام وقت و اکابر عصر خود بوده و در زمان ابو مسلم مروزی شهرت داشته و با مداد و اعانت او

فیض بزائران میرسد •

مزار چهل دختران [رح] ۹۴

در محله کلاگران متصل بفصیل شهر خلایق مملکت در آنجا میروند و فیض میابند •

مزار شهدا [رح] ۹۵

در رکن شرقی مسجد جامع شریف قریب باب خضر که مشهور و معروف است •

آجه و باجه [رح] ۹۶

قریب درب فیروزآباد دو مزار است بیکدیگر متصل بآجه و باجه مشهور است وبس بزرگ است و ملجا نیازمندان است •

بی بی نور (رح) ۹۷

در محله شمعان قریب درب عراق و مسجدی درجوار مزار عابده زاهده بی بی نور است وگویند که پل مالان بنا کردهٔ اوست روح بغایت گرم دارد و زیارت مزار او از مجربات است •

شیخ محمد مکی [قدس سره] ۹۸

در اندرون درب قطب چاق از اولیاء الله ربانی بوده و مکرر انوار از قبر او تافته و هر کس آنجا مراد یافته .

مسجد شهدا ۹۹

بر شمال خانه اسدان است در دیوار آن مسجد گویند شهدا مدفون و خلایق هرات آنجا توسل میجویند و فیض بسیار میبا شد .

خواجه مظفر شهید [رح] ۱۰۰

در طرف جنوبی مسجد جامع هرات خانه خرابه ایست در آنخانه دو قبر است یکی از ان دو قبر خواجه مظفر شهید است و زیارت او تریاق آزموده است .

مزار طفلکان ۱۰۱

بعضی از اطفال آنجا مدفونند در محله که بایشان شهرت دارد در میان درب فیروز آباد و درب خوش

زیارت ایشان مجرب است در حصول مرادات و مهمات .

خواجه خاموش [رح] ۱۰۲

از قدماء مشایخ است و روح پر فیض دارد و مدفنش در جوار محله طفلکان است .

مزار سادات ۱۰۳

گنبدی است قریب بمحله طفلگان و سه قبر در آنجا موجود است که از کبار مشایخ و سادات بوده اند مشهور است که شب جمعه دران موضع مکرر رانوار ولز اثیر ان میرسد اما تاریخ وفات آن ها معلوم نشده .

اما بدانکه جمعی که در ظاهر بلوکات هرات قریب شهر در ریده اند بعضی از آنها که اسامی شریفه ایشان در طبقات حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره بنظر رسیده و از اقران حضرت خواجه عبدالله انصاری بوده اند بعد از ذکر خواجه عبدالله انصاری علی سبیل الاختصار مذکور شد اول ایشان

خواجه کاتب [رح] ۱۰۴

نزد اهل هرات چنان شهرت دارد که کاتب وحی آسمانی بوده اما در کتب احادیث محدثین او را از جملهٔ کاتبان وحی نشمرده اند شاید که از کاتبان خلفای راشدین رضی الله تعالی عنهم باشد و روحی بغایت گرم دارد وارباب کشف و ریاضت در مزار او بسیار فیض برده اند ومدفنش در محلهٔ شتربانان و باغ زبیده واقع شده و گنبدی بر سر تربت ان بنا کرده اند و خواقان سعید هر سال مکرر بزیارت مزارایشان میرفته ، منقول است که محلی که حالاقبر اوست آتشکده گبران بوده چون ایشان به هرات آمدند آنجا مقیم شدند و خلایق را باسلام ومتابعت دین محمدی صلی الله علیه و سلم دعوت میفرمودند بمیامن جد و جهد ایشان دین رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در هرات رونق تمام یافت و بسیاری از اهل صدق دیده اند که شب جمعه از قبر ایشان نور تافته است .

خواجه کله [رح] ۱۰۵

سبب لقب کله انکه هرکس مرادی داشتی دو کلهٔ

گوسفندند را ایشان کردی و بدرویشان آنجا میدادی بمراد خود میرسیدی مرقد ایشان در بیرون درب ملك محاذی گوشهٔ هرات وگنبدی و صفه و حوض آب در محاذی قبر ایشان ساخته اند و حالا خراب شده است و همواره ارباب حاجت بآنجا تردد مینمایند و پیوسته جمعی ازدرویشان ملازم ایشان بوده اند •

خواجه یافته [رح] ۱۰۶

قریب حمام سلیمان شاه دراندارون دیواری که متصل بکوچهٔ باغ زاغان است مرقد یکی از درویشان واقعشده که بخواجه یافته شهرت دارد درمقابل آن مسجدی ساخته اند و خلایق درآنجا میروند •

خواجه چهل کزی [رح] ۱۰۷

در خلف باغ زاقان مزاری و صفهٔ قدیمی است و قبری طویل و روحی بغایت گرم دارد و شرف الدین قصاب آن صفه را ساخته است و پسرش در پهلوی آن صفه لنگری مختصر منعقد گردانیده و بر جنب آن حوض آب ساخته اند و آن محل را بخواجهٔ چهل

گزی میخوانند و از مزارات مشهور است ع(بیهوده سخن بدین درازی نبود) .

خواجه سبز پوش [رح] ۱۰۸

درمحله کج کجی است شیخ الاسلام و المسلمین کهف السالکین شیخ جمال والملة والدین ابو اسحاق المرسدی روح الله روحهٔ میفرمود که از روح حضرت خواجه سبز پوش فیض فراوان میرسد وزیارت مزار آن ازمجربات است .

خواجه مروارید [رح] ۱۰۹

بر کنار خندق دربعراق درخلف عمارت مجد که اکنون نواب کامگار میساز د از قدماء مشایخ هرات بوده و شهرت تمام دارد .

خواجه مرادبخش [رح] ۱۱۰

قریب کوچه باغ زبیده مدفنش بر کنار راه واقع است وحاجتمندان زیارت او را آزموده اند .

سید محمد مغربی [رح] ۱۱۱

در گورستان غریبان بر شرقی باغ زبیده واقع شده از مشایخ بزرگوار و از مشاهیر مزارات هرات است و فیوضات بسیار دارد •

خاك صندوقی ۱۱۲

بر سر کوچه که بمحله باغ نو میروند میان درب عراق و درب فیروزآباد و آن محل را بآن میخوانند از مزارات مشهور است •

کوی شهدا ۱۱۳

بر شمال حضرت امام عبدالله الواحد شهیداست وشهرت یافته که حضرت امام عبدالله الواحد شهید را آنجا بشهادت رسانده اند والله اعلم و حالا هموار شده •

مسجد پنجه ۱۱۴

در مقبره خواجه آباد در شرقی امام عبدالله الواحد بن ابو مسلم مسجد یست که آن مسجد پنجه میگویند و همواره محل غیبیان بوده و شب ها تنها دران جه

بسر بردن کار هر کس نیست و بسیاری از درویشان واولیاء الله در آن خلوت گذرانیده اند و منزلی بغایت سهمناک است وحالا خراب شده است •

خواجه مرادبخش [رح] ۱۱۵

در نواحی خوانچه آباد درآنجا دو قبر است لنها دران جای بسر بردن کار هر کس نیست بخواجه مراد بخش مشهور است و بعضی سلطان پیر حاجات میگویند •

شاه ابو القیس ۱۱۶

از بزرگان دین بوده مدفنش در جانب جنوبه درب خوش در بلندی واقع شده و مسجدی در نزد یکی مزار او بنا کرده اند و پیوسته درویشان کامل آنجا بسر بوده اند وحضرت قطب الاقطاب شیخ زین الدین خوافی قدس سره مکرر آنجا شب ها بسر برده اند و مریدان خاص خود را پیوسته بزیارت ایشان تحریص میفرمود •

پیر غیبی ۱۱۷

مشهور بسلطان شاه زنده در بالای بلندی در طرف شرقی حضرت خواجه عبدالله طاقی قدس سره واقع شده و لوح قبرش متصل براصل دیوار ظاهر و هویدا است و زیارت آن از مجربا تست •

پیر فخر ثانی ۱۱۸

از جمله ملامتیان بوده و مدفنش در بیرون درب خوش بمیان بازارچه متصل براه در دست چپ وقتی که از شهر بیرون آیند از عزیزان بوده و خوارق عادات از ایشان بسیار منقول است •

مزار دختران ۱۱۹

در بیرون شهر قریب درب خوش نزدیک کاروان سرای در خانه تنگی چند دختران متصل یکدیگر آسوده اند گویند که جمعی از دختران صالحات بودند و از خوف اشرار بخوانه رفته و در آنجا نا پدید شدند و بیک روایت بطریق دیگر نقل شده علی اختلاف الاقوال فیض و برکت بسیار دارد و بوی

صلاح و تقوی از قبور ایشان بمشام جان طالبان و فواید بسیار بزائران میرسد .

محمد ماه روی ۱۲۰

از اعزه و اهل دل بوده اند مدفنش در بیرون درب خوش در کنار خندق از ان راه که بگذرگاه میروند از میان باغ سفید اهل هرات بازگشت تمام بآن مزار دارند .

خواجه روشنائی ۱۲۱

در نواحی باغ سفید مسجدی و لنگری آنجا ساخته اند و شهرت تمام دارد و بسیار حاجتمندان بزیارت آن مرقد میروند و بمراد و مقصد میرسند .

باباقنبر مجذوب ۱۲۲

در بیرون درب خوش آنجا که سقایان آب بر میدارند از مشاهیر مجاذین بوده و خوارق عادت از ایشان بسیار صادر میشده .

مولانا حاجی ابدال ۱۲۳

از مجذوبان و بدلاء وقت بوده و هرچه برزبان او گذشتی همان شدی مدفنش در بیرون درب خوش مشهور و معروف .

شیخ منصور ۱۲۴

از اکابر علما و افاضل قدما بوده فضل و کمال او بدرجه علیا رسیده مدفنش در گوشه میدان سعادت متصل بباغ اخی زرکر .

خواجه آدینه ۱۲۵

بعلم ظاهر و باطن آراسته و در صورت و معنی صاحب کمال بوده اما مدفنش قریب حوض چهارباغ ترکان در کنار راه بطرف جنوبی مقبره حضرت قطب الاقطاب خواجه عبد الله طاقی قدس سره .

خواجه کوزه گر ۱۲۶

از بزرگان دین واجله اهل یقین بوده مدفنش بیرون درب خوش قریب بکر آباد .

مقبرهٔ کازرگاه

چندان اکابر و اقطاب و اولیا آنجا مدفون‌اند که شرح و بیان ایشان در مطولات نگنجد مشهور است که حضرت شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس سره میفرموده‌اند که بسیاری از دوستان خدا درین مقبره در پرده‌اند واین فقیر مصنف کتاب از مولانا اعظم سعید و شیخ ارجمند الی جوار رحمة الکریم الواقی مولانا رکن الحق والملة والدین الخوافی شنیده‌ام که میگفت که چهار هزار اولیای کامل در گورستان گازرگاه در قبر اند و فیض در آن محال ریزان است اول ایشان

زیارت خواجه کان هفت چاه

قریب مزار حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره معروف و مشهور است و اهل هرات بعد از زیارت حضرت خواجه بدانجا میروند و هفت نوبت گرد آن مزار میگردند و هفت سنگریزه را گرفته بر هر کدام سورهٔ قل هو الله احد را خوانده بر آن جا میریزند و خالی از حالی نیست .

محی السنته ۱۲۹

در گورستان خیابان بردست راست رونده نزدیک مقبرهٔ معماران از بزرگان بوده اند امانه آن محی السنة که مؤلف کتاب مصابیح و معالم التنزیل است ومقر راست که مدفن مبارك ایشان در مرد الرود واقع شده •

خواجه علمدار ۱۳۰

در مقبرهٔ خیابان نزدیك به قبر پیر تسلیم شهرتی دارد ومقرر است که در مقبرهٔ مذکوره اعزه واکابر و متقدمین و متاخرین مدفونند و در مجالس طالبان وراغبان ارواح مقدسهٔ ایشان یامداد و اعانت مشهور •

شیخ مسافر ۱۳۱

از کمل درویشان بوده و در تفرید طولی داشته تاریخ وفاتش معلوم نشده اما مدفنش محاذی مدرسهٔ گوهر شاد آغا در طرف شرقی راه خیابان نزدیك حوض •

باباهدای مجذوب ۱۳۲

از زبردستان مجانین بوده درایام ملوك کرت بجذبه رسیده و بسیاری حکایات غریبه ازوی منقول است مدفنش در خیابان قریب سرکوچهٔ که بساق سلمان میروند معروف ومشهور •

مزار سرکوچه ۱۳۳

در سر کوچهٔ که بشادی ابره میروند بطرف شمال باغ زاغان متصل براه ازدست راست رونده چون بمزار حضرت خواجه ابوالولید احمد (رح) میروند مزاریست دربلندی واقع شده یکی از بزرگان سادات است روحی بغایت گرم دارد و قبر او شاهد حال اوست •

شیخ ابوالعلاء ۱۳۴

در بیرون گنبد خواجه ابوالولید احمد (رح) بر جانب قبله واقع شده از کبار اولیاء بوده و زائران بعد اززیارت حضرت خواجه ابوالولید بآنجا میروند واستمداد همت می نمایند مجرب است •

خواجه اولین ۱۳۵

از اعزهٔ مقربان درگاه راه حق بوده مدفنش قریب پل نگار بر سر راه ملدام شهرتی تمام دارد از اکابر و ارباب حیرت بوده هرگز سواره ازان راه کسی نمیتوانست که بگذرد و بسیاری از اهل دل آنجا به فیض رسیده اند •

خواجه چهارشنبه ۱۳۶

مدفنش قریب پل دلقرار بر کنار راه دل مالان از بزرگان فقراء بوده اند وزیارت ایشان را مجرب نموده اند

پیر سرخ ۱۳۷

از کبار درویشان بوده اند مدفنش در قریهٔ سرنان بلوک گذاره •

خواجه کنجان ۱۳۸

از قدماء مشایخ و اولیاء هرات بوده اند مدفن ایشان در اعلی سیاوشان است از بلوک گذاره •

خواجه عزیز ۱۳۹

ازمشاهیر اولیاء هرات بوده مدفنش در قریهٔ کول نشین.

خواجه مسعود ۱۴۰

بس عزیز و مقرب بوده ومدفنش در قریهٔ داد شان است.

خواجه محمد بی نظیر ۱۴۱

از اعزهٔ وقت خردبوده وازشاگردان شیخ عبد الرحیم مالانی بوده و در دشت یلان آسوده اند بغایت بزرگ و صاحب معرفت بوده اند مدفنش قریب چشمهٔ مالان است.

خواجه شیرسرخ ۱۴۲

از مریدان خواجه عبدالرحیم مالانی است مشهور است که نسخهٔ کتاب از خواجه عبدالرحیم در مکهٔ مبارکه مانده بوده وخواجه را بمطالعهٔ آن مهمی افتاده بود روزی برف عظیم میباریدفرمود که کیست برود و آن نسخه را بیارد بعد از تامل بسیار شیر سرخ را طلب کرد وجای نماز خود را بوی داد و گفت برو وان کتاب را بما رسان درحال

از جای خود بر خواسته وجای نماز را گرفت وروانه شد بعد از ساعتی باز آمده نسخه را به نظر خواجه آورد وجای نماز را بیفشاند گرد ازان می پاشید خواجه فرموده که شیر زود آمدی مدفنش درقریهٔ سنو جرد مالان است درجوار مسجد حاجت ٠

بی بی جغرتانی ۱۴۳

از عابدان عصر خود بوده و بسیاری از طالبان به یمن همت وصدق نیت او بفیض رسیده اند و مدفنش در قریه جغرتان است در کنار راه ٠

خواجه نصوحا ۱۴۴

از قدماء عهد و افراد اولیاء بوده و روحی پرفیض داراد و مدفنش در قریه شمعان است ٠

خواجه شادغم ۱۴۵

از اهل وجد و حال واصحاب فضل وکمال بوده ومزار آن کعبهٔ مراداست مدفنش در قریهٔ شمعان است ٠

خواجه رخ (۱) ۱۲۶

از پیران طبقات معدود گشته و مقامات او میان اهالی هرات شهرت یافته مدفنش در قریهٔ شمعان است .

خواجه پنج شنبه ۱۲۷

از مفردان و عالی همتان دهر بوده از زیارت او طالبان بمراد میرسند مدفنش درنزدیك پل مالان است .

خواجه کازرمالانی ۱۲۸

از قدماء اوتاد و کمل افراد هرات بوده و مردمان از همت علیه او استمداد نموده و می نمایند مدفنش در قریهٔ مالان است .

خواجه سلیم ۱۲۹

از اکابر درویشان ماضی است مدفنش درقریهٔ مالان است .

(۱) وقیل خواجه سیه پوش .

خواجه سلیم دستجردی ۱۵۰

از متعینان اولیاء بوده مولانا شمس الدین سنو جردی در همه ساله از سنوجرد پیاده بزیارت مرقد او میرفته و استمداد و استفاضه می نمودند مدفنش در میان گواشانچه و رنجان بلوک گذاره است ٠

خواجه طلقانی ۱۵۱

خواجه محمد بن عبدالرحمن طلقانی ما لانی بس بزرگ بوده و صاحب کمال مدفنش درقریهٔ دستجرد قبلهٔ چهار باغ فیروزه است ٠

شیخ علی کاکو ۱۵۲

از کبار درویشان بوده و خوارق عادات ازایشان بسیار منقول است قبرش در زیارتگاه است قریب بازارچه ٠

شیخ سراج الدین ۱۵۳

بلخی الاصل بوده و در علم تفسیر و حدیث ید طولی

داشت و مدتی مصاحبت با پیر تسلیم نموده و وحدت بس عالی داشت مدفنش در قریهٔ شمعان است .

شیخ علیا ۱۵۴

از اکابر فقراء و اعاظم عرفاء بوده مدفنش در قریهٔ اسفغان است بلوک گذاره است .

خواجه بختیار ۱۵۵

از درویشان صاحب حال بوده و وقتی بس گرم داشت قبرش هم در اسفغان است .

بابا بکر ۱۵۶

از قدماء مشایخ هرات بوده و صاحب مقام عالی مدفنش در قریهٔ تیرزان است بلوک ادوان .

پیر ترک ۱۵۷

از مجذوبان و اهل حال بوده . قبرش در پشتر اناست .

حاجی محمد زاده ۱۵۸

از اقران قدوة العرفاء مولانا جلال الدین محمود

زاهد مرغابی ست قبرش در زیارتگاه است .

شیخ ابواسحق ۱۵۹

از کبار محدثان و ائمهٔ سلف بوده و فاتش در سال دو صد و بیست هجری بوده و مدفنش در قریهٔ شکیبان سفلا است .

شیخ ابونصر ۱۶۰

از قدماء مشایخ و اولیاء و معاصر شیخ الاسلام احمد الجامی است مدفنش در شکیبان علیا است .

پیرچهار تخته ۱۶۱

بسیار عزیز و صاحب کمال بوده تأریخ و فاتش معلوم نشده مدفنش در شکیبان علیا .

ای عزیز بدانکه از مواضع متبرکه و اماکن میمونه قبه مختار است بالای حوض ماعیان و همواره منزل اهل غیب می باشد و عزیزان و بزرگان درآن جا بفیض رسیده اند و در روزهای سه شنبه درانجا رفتن و دو رکعت نماز حاجت گذاردن فوائد بیشمار دارد و تجربه شده .

قبر سرخ ۱۶۲

در کوه که به بند قارون میروند متصل است درپشت قریهٔ ساق سلمان معروف به قبر سرخ صورت قبر در آن موضع ظاهر است هرکه را مهمی رسد باید که غسل کند و جامهٔ نو پوشیده و بآنجا رود هزار سنگریزهٔ خورد برداود و بعد از ان دو رکعت نماز بگذارد و در مقابل قبر آن بنشیند و بروح پاك حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم توجه کند و هزار یکنوبت بگوید که صلی الله علیك یا رسول الله و هر نوبت که این وا گفت یك سنگریزه را بجانب قبر اندازد و چون تمام شد مراد خود را طلب کند و در حین مراجعت سه درویش را دهان شیرین کند البته مرادش حاصل شود .

باب سوم ۳

در ذکر جماعتی از اولیاء و اکابر و علماء و عرفاء که بعد از وفات امیر تیمور گورکان که در خطهٔ هرات و توابع آن بجوار رحمت قاضی الحاجات انتقال فرموده اند .

شیخ شهاب الدین بسطامی (رح)

۱۶۳

شیخ الاسلام و المسلمین مرشد السالکین صاحب المقامات العلیه و الدرجات السنیه کعبة الواصلین و قبلة الانام شیخ شهاب الدین بسطامی قدس سره از اکابر اولیاء وقت خود بوده و با شیخ قطب الدین یحیی اجامی قدس سره صحبت داشته و حدیث بر او خوانده و تلمیذ شیخ قوام الدین بسطامی رحمة الله علیه بوده و استفادهٔ علم فقه را از امیر سید جلال الدین کرمانی به تقدیم رسانیده اند و بعد از تحصیل علوم بریاضت و درویشی مشغول شده چندانکه بمرتبه ارشاد رسیده و کرامات و مقامات و کمالات او زیاده از ان است که درین مختصر گنجد و تصانیف آنجناب در علوم ظاهر و باطن در میان مردم مشهور است چنانچه علو مرتبه آنحضرت از مضمون آنها معلوم میشود و همواره معتقد فیه سلاطین و خواص و عوام بوده ملک معز الدین حسین کرت جهت مرید ان شیخ خانقاه بنا کرده درخیابان و خانزاده بیگم زوجهٔ پادشاه سعید مزین سریر عظمت و سلطنت بی اشتباه امیر زاده میران شاه

انار الله برهانه در محلهٔ بازار خوش خانقاهی بس عالی ساخته و وقفی وافی دارد و بواسطهٔ قصور همت و فتور که در موقوفات است اکنون خانقاه مشرف بر خرابی است امل واثق که بمیامن معدلت حضرت خاقان خلافت پناه این خیر جاری نمودار شود مشهور است که هرگز شیخ شهاب الدین قدم دران موضع ننهاد بلکه در مرور ایام بآنجا نظری نمیفرمود و خواجه عزیز و خواجه محمود مدرسه ها جهته شیخ ساخته اند فاما شیخ در آنجا درس نگفت بلکه تعیین مدرسها فرمود و خاقان صاحب قران قطب السلطنة الدنیا والدین امیر تیمور کورگان انار الله برهانه تعظیم شیخ را باقصی الغایت بتقدیم میرسانید چنانچه اهالی هرات را در فقرهٔ بشیخ بخشید وآن شهرتی دارد و رحلت او بعد از وفات خاقان مذکور به پنجاه در آخر سال هشتصد و هفت هجری واقع شد و مدفنش در خیابان درخطیره امام فخرالدین رازی است قدس سره ٭

شیخ عبدالحق طوسی ۱۶۴

از علماء صورت ومعنی و ازاقران شیخ شاه فراهی

و شیخ علاءرافعی و شیخ اسمعیل خوارزمی بوده و پیوسته در معرفت و محبت سخن میراندند تاریخ وفاتش معلوم نشده مدفنش در قریه خواجه سرمق در بیرون مشهد خواجه جلال‌الدین سرمقی است .

شیخ علی رافعی ۱۶۵

از مشاهیر متأخرین و عالم بعلوم ظاهره و باطنه و زاهد و متقی و ناصح و واعظ بوده و با امیر سید علی همدانی و شیخ سیف‌الدین خلوتی و شیخ زین‌الدین ابوبکر تائبادی رحمهم الله صحبت داشته و عمرش به شصت و سه سال رسیده قبرش در خیابان است .

شیخ شمس‌الدین بخاری (رح) ۱۶۶

از اهل کمال و سرحلقه عارفان و ابدال و اصلش از بخارا بوده و در شیراز بسلوک مشغول شده و بعد از وصول بمعارج ارشاد بهرات آمده و در قریه سروستان بسر میبرده و دیوانی در حقایق گفته صباح یوم جمعه هفدهم جمادی‌الاول سنه هشتصد و سیزده جامهای که در روز عید می پوشید در بر کرد و خرقه

پشمین بالای آن ها بپوشید و بدست مبارک خود قبر خویش بکند و جامه آخرت راست گرد و در عقب غسال بفر ستاد چون غسال بیامد بفرمود تا آب را گرم کردند و غسال را تعلیم غسل و قرائت بیاموخت و از حاضران مجلس استمدادی همت طلب نمود و گفت وقت رحلت ما رسیده چون در خلوت درآیم منتر صد باشید تا سه نوبت بگویم یا هو بعد از ان بغسل و تکفین من مشغول شوید بهمان منوال کار راست شد چون در آمدند قالب تهی ساخته بود او را در ان موضع که طرف شمالی قریه سر وستان است دفن نمودند و در مزار آن فیض بسیار است و از لطایف اتفاقیه اینکه از بخارا که هشتصد و سیزده است تاریخ وفات او معلوم شده ۰

۱۶۷ مولانا شمس الدین محمد ظهیر

شیخ الاسلام مقبول الخواص و العوام ناصح الانام العالم الحزیره مولانا شمس الدین محمد بن ظهیر از جمله مشاهیر علماء هرات بوده و کشف قلوب و قبور داشته و پیوسته بوعظ و نصیحت مسلمانان قیام مینمود ۰ و مرجع اکابر و اهالی مملکت هرات گشته و همواره کشف سالکان

و مشکلات و حل معضلات ایشان میفرمود و باطعام مساکین و بذل وجود شهرت تمام داشت وجنیان مسخر او بودند وحج گذارده بود و در سال هشتصد و چهارده هجری از دنیا رحلت کرده وقبرش درخیابان است در جوار پیر تسلیم و زیارت او ازمجربا تست •

شیخ اسماعیل خوارزمی ۱۶۸

از جمله مشایخ خوارزم واز جمله مریدان شیخ الاسلام ربانی شیخ علاالدوله سمنانی بوده و با فرید الدین یزدی و شیخ الاسلام قدوة العارفین شیخ عفیف الدین جنید المرسدی صحبت داشته واز اقران شیخ عبد الحق طوسی قدس سره و شیخ ابو سعید خلوتی و شیخ جمال الدین سمنانی معدود گشته وحج اسلام را دریافته ومشایخ حرمین الشریفین رازیارت کرده مشهور است که بیست و چهار سال آب نخورده اند وکشف قلوب وقبور داشته واستمداد همت ازوی بسیار واقع شده وفاتش در ماه رمضان سال هشتصد وچهارده هجری و مدفنش دربیرون درب ملك قریب خانقاه شیخ چارش در گنبدی که منزل اوبوده است واقع شده •

شیخ ابوسعید خلوتی ۱۶۹

از اعزه مشایخ هرات بوده و هروی الاصل و مرید شیخ سیف الدین خلوتی بوده و زهد و مقامات و ریاضات او شهرت دارد و عمرش به نود سال رسیده و در آخر نابینا شده و در غره ذی الحجه سال هشتصد و بیست هجری وفات یافته و در خطیره خلوتیان مدفون گشته و قبرش معروف است .

سید قدسی ۱۷۰

در علوم ظاهری و باطنی صاحب کمال بوده و در زمان خاقان سعید از جانب قرشی بخارا در هرات تشریف آورده و چند وقت در قبة الاسلام هرات توقف نموده و در هرات وفات یافت مدفنش در کوه سید عبدالله مختار است .

مولانا شمس الدین محمد ۱۷۱

الزاهد المتورع المتقی المشهور به ملای کلان از اکابر زهاد و عباد خراسان بوده و حنفی المذهب و از اصحاب شیخ زین الدین ابوبکر تائبادی و مولانا

محمود الزاهد مرغابی و شیخ شاه فراهی بوده و مواعظ پیرتسلیم را ایشان جمع نموده و درسلك نظم آورده و کمالات ایشان بیش ازان است که درین مختصر جمع توان کرد و در امر معروف و نهی منکر ید طولی داشت و از صحبت مردم آخر احتراز مینمود و هرچند خاقان سعید خواست که به صحبت او مشرف شود بجای نرسید عمرش بهفتاد و دو سال رسیده مدفن ایشان در مقبره زیارتگاه است •

مولانا جلال الدین افتخار ۱۷۲

مولانا اعظم افضل قراء خراسان اکمل ابرار مولانا جلال الدین افتخار الحقه الله تعالی باصحاب دارالقرار از جمله علماء هرات بوده و در فن قراءت ید طولی داشت و جمیع قرائات عشره را برشیخ الاسلام و خاتم المجتهدین شمس الملة والدین محمد بن الجزری خوانده و در علم حدیث نیز مهارت تمام داشت و کتبخانه معمور وقف طلبه کرد وفاتش در سال هشتصد و بیست و سه هجری مدفنش در خیابان در سر کوچه امام فخرالدین رازی است قدس سره •

بابا ارسلان دیوانه ۱۲۳

درویش مجذوب و عارف محبوب از متعینان مجانین بوده این فقیر از جناب حقیقت انتساب مولانا رکن الدین خافی شنودم که فرمودند که هیچ هفته نبودی که بدیدن بابا ارسلان دیوانه نرفتمی و از ایشان خوارق بی حد مشاهده نکردهی وفاتش معلوم نیست اما مدفنش در خطیرهٔ پیر فخر الدین ثانی مالانی متصل بشارع عام واقع شده.

پیر سه صد ساله ۱۲۴

شیخ سالك درویش بابا یوسف ریاضت تمام وسلوك با نظام داشت و بغایت باشکوه و باهیبت بوده مدتهای مدید در کوه ها و صحراها باهوان بسر میبرد و معمر شده بود چنانچه شهرت داشت که سه صد سال از عمرش گذشته بود و فاتش در سال هشت صد و بیست وسه ازهجرت مدفنش در شرقی خیابان در خطیرهٔ که مشهور به پیر سه صدساله است.

خواجه لطف الله بن عزیز واعظ ۱۲۵

واعظ باعلم و تمیز خواجه لطف الله بن عزیز از افاضل

زمان و اماجد دوران و بسیار مماهر در فن تفسیر و حج اسلام گذارده بود و مدتهای مدید در مسجد جامع هرات به نصیحت مسلمانان قیام مینمود وفاتش درسال هشتصد و بیست و سه هجری مدفنش در خیابان هرات درجوار مقبره امام فخرالدین رازی و گنبد ممتاز دارد و حال خراب شده واز نوادر روزگار بوده ●

۱۷۶ مولانا یوسف حلاج

مولانا اعظم اعلم العلماء فی العجم مولانا یوسف حلاج از اکابر ائمه دین واجله صدق و یقین و ماهر در فن حدیث وعلوم معقوله و منقوله و در درویشی صاحب کمال بوده و معنی وافی وجد و حال کافی داشت و اکثر ائمه هرات و مدرسان شاگردان او بودند و تاریخ وفاتش را بر سنگ لوح او نوشته اند و مدفنش در خطیره امام فخر الدین رازی است ●

۱۷۷ مولانا صفی الدین عطاءالله

مولانا اعظم العلماء الفقها فی العرب و العجم مولانا صفی الدین الخوافی از متجردان عصر و ازمتعینان

دهر و به کمال علم و فضل و تقوی شهرت داشته و مدتهای مدید در قبة الاسلام هرات به نشر علوم دین و بث رسوم یقین اشتغال داشت و وفات نمود و مدفنش در خطیره امام فخرالدین رازی قدس سره •

مولانا ناصرالدین الکوسوی ۱۶۸

زاهد متورع از متعینان روزگار بوده و در علم فقاهت ماهر پیوسته بذکر مشغول می شدند مدفنش در خطیره امام فخرالدین رازی است قدس سره و در این خطیره بسیاری از علما و فضلا مثل [مولانا صدرالدین امام و مولانا عبدالرحیم یار احمد و مولانا عبدالرحیم هروی و لد مولانا اعظم اعلم العلما مولانا سیف الدین الابهری و مولانا جنید خجندی قدس سره و مولانا محمد بدر و مولانا علی شاه طوسی مدفونند رحمة الله علیهم •

سید یونس ۱۶۹

مرتضی اعظم اقدم سید یونس از اعزه سادات و اشراف و محدث یگانه و فصیح زمانه بوده مدفنش در خطیره امام فخرالدین رازی نزدیك

مقبره شیخ بسطامی است .

شیخ ابواسحق المرسدی ١٨٠

شیخ الاسلام و مرشد الانام حجة الله علی الخلایق بالاستحقاق جمال الحقیقة و الشریعة و التقوی والدین ابواسحق المرسدی الکازرونی از متعینان اقطاب روزگار و صاحب مهارت و در فنون علوم شاگرد و مرید شیخ الاسلام بلا شك و اشتباه نهنگ اولیاء شیخ زین الدین علی کلاه رضی الله عنه و ارضاه وسند حدیثش باید ر بزرگوار قدوة المحدثین و اسوة المفسرین قبلة الواصلین شیخ جمال الملة والدین احمد المحدث المرسدی و برادر نامدار شیخ الاصفیاء امام ائمهٔ دین جامع بین العلوم خلاصة الاصفیاء نقاوة الاتقیاء شیخ عفیف الملة و الدین جنید رحمة الله علیه در اکثر مشایخ شریك بوده و تصرفی که آنحضرت در قلوب خاص و عام میفرموده مقدور هیجکس ازاولیاء متاخرین نبوده از شیراز بخراسان نقل کرده در هرات ساکن شده و بالتماس تمام خاقان سعید بدو خواست بدیدن آنحضرت میرفته و می فرموده که عمر عزیز اکثر اوقات بعزلت وانزوا و مطالعه وتحقیقات

میگذارد و اکثر خواص و عوام پیوسته ملازمت مینموده اند و بزحمت و مبالغهٔ تمام گاه گاهی می یافتند وجود و کرم و فضل و علم ایشان در درجهٔ قصوی و مرتبهٔ اعلی داشت و عمرش به شصت و نه سال رسیده و در سال هشتصد و بیست و هشت هجری روح نازلینش باعلی علیین منتقل گشت مدفنش در خطیرهٔ حضرت شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری قدس سره است وشرح کمالات ایشان طولی دارد

پیر قوام الدین تبریزی ۱۸۱

۱۸ شیخ ناسک سالک پیر قوام الملة و الدین تبریزی (رح) در طریق تجرید و توکل و تفرید یگانهٔ عصر بوده و پیوسته با وراد و افکار ما نوره قیام می نمود و همت عالی داشت و به صحبت شیخ جمال الدین و شیخ کمال الدین خجندی و اقران ایشان رسیده بود و فاتش در ماه صفر سال هشتصد و بیست و هشت هجری مدفنش در جوار مزار حضرت خواجه ابوالولید احمد قدس سره در حریم نهر انجیل ٭

مولانا شرف الدین عثمان قاری (رح) ۱۸۲

از نوادر روزگار بوده و قرائت و وقوف سجاوندی را استحضار داشت و بزهد وورع میگذرانید و اکثر حفاظ هرات و توابع آن علم قرائت را ازو اخذ کرده اند و بسی نفسی مبارک داشت و ذکر ایشان در کتاب رشحات و در ذکر مولانا شمس الدین محمد روجی مجملا مسطور است وفاتش در دوازدهم شوال سال هشتصد و بیست نه هجری اما مدفنش در قریهٔ زیارتگاه در محلهٔ که بنام ایشان مشهوراست.

مولانا جلال الدین واعظ (رح) ۱۸۳

افلح الذاکرین ناصح المسلمین مولانا جلال الدین واعظ هروی از فحول وعاظ بوده و مدتی مدید به نصیحت مسلمانان گذرانیده و تفسیر جمع کرد در هفت مجلد که جامع بسیاری اقوال مفسران است و معتبر شده. چنانچه در آخر عمر از سخن گفتن بازمانده و در سال هشتصد و سی و سه هجری از دنیا رحلت کرد و در زیارتگاه در بشنه که به تل کنج مشهور است مدفون شد.

شیخ عبید الله خلوتی ۱۸۴

شیخ زاهد و سالك و پیر نورانی و با صفا بود و در خانقاه خلوتیان بذکر و سلوك مدتها میگذرانید و در سال هشتصد و سی و سه هجری از دنیا رحلت کرد و در خطیره خلوتیان در میان دو جوی مدفوناند .

مولانا رکن الدین الخوافی ۱۸۵

مولانا اعظم بحر الحقایق افضل المتجردین بین الامم الواصل الی جوار رحمة الله الوافی مولانا رکن الدین الخوافی از متعینان روزگار بود و سرور افاضل هر مالك و دیار و عالم بعلوم ظاهره و باطنه و مرید شیخ الاسلام و مرشد الانام بلا اشتباه شیخ زین الملة و الدین محمد بن علی کیلانی قدس سره بوده و از اقران شیخ الاسلام و المسلمین شیخ عفیف جنید و اخوه الاعیانی المحقق الصمدانی بابا الاتفاق شیخ جمال الملة و الدین ابو اسحاق و مولانا اعظم قدوة العلماء فی العجم مولانا جلال الملة و الدین و غیره بوده و در قسم توصیف و تواریخ و فضل و سائر علوم اصول و فروع ید طولی داشت و پیوسته ملجاء حکام و ملاذ خواص

وعلام میبود وحج اسلام را گذارده و به صحبت بسیاری از اکابر رسیده و مسافری وافر نموده و در آخر حال اکثر ایام در ولایت خواف بسر میبردند و گاهی بشهر هرات تشریف می آوردند و در قبة الاسلام هرات در روز یکشنبه بیست وهفتم شوال سال هشتصد و سی و چهار هجری بجوار رحمت ارحم الراحمین پیوسته و در اندرون خطیره شیخ الاسلام حضرت خواجه عبد الله انصاری قدس سره درپیش روی مرقد مبارك او مدفون گشته ٭

مولانا فصیح الدین علاء الغوری ۸۶

مولانا اعظم افضل الفقهاء في العجم مولانا فصیح الملة والدین محمد بن محمد المشهور بعلاء الغوری الاصل المفتی به قبة الاسلام هرات از متعینان روزگار وزها دو فقهای هرات و سالهای بسیار به فتوای مذهب حضرت امام اعظم رحمة الله علیه انقیاد یامر و قول او بوده و پیوسته بنشر علوم اصول وفروع اشتغال میفرمود و عمر عزیزش از هشتاد سال بگذشت و در سال هشتصد و سی و هفت هجری فوت شد مدفن ایشان در خطیره شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری قدس سره در پایان پای قبر آن حضرت واقع شده است ٭

مولانا رکن الدین ۱۸۷

شیخ الاسلام والمسلمین بقیة الاولیاء الراسخین مولانا رکن الدین خاف الصدق شیخ الاسلام و مرشد الانام شهاب الحق والدین بسطامی است یگانه روزگار خود بوده واز متعینان ابرار و بعلوم ظاهر و باطن آراسته و اکثر کتب متداوله را بخط شریف خود نوشته بود و در مکارم اخلاق درجه قصوی داشت و معمر شد وفاتش در ماه رجب سال هشتصد و سی و هشت هجری مدفنش در خطیره امام فخر رازی در جنب پدر بزرگوارش واقع شده ٭

مولانا زاهد شکیبانی ۱۸۸)

شیخ کامل ربانی مولانا زاهد شکیبانی از جمله نازنینان عهد خود بوده و خرقه ارادت از دست شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین الدین ابو بکر تائبادی پوشیده و سلوك وافی داشته و وعظ موثر میگفت و گاه گاهی به شهر تشریف می آورد و اهالی قبة الاسلام هرات از انفاس متبرکه او بهره میگرفتند وحضرت شیخ زین الدین قدس سره باو نظر تمام داشت

والاوقات خود را بتوکل وتسلیم میگذرانید و فاتش
در سال هشتصد وسی و هفت هجری مدفن ایشان در
قریه شکیبا ن سفلا است ۰

۱۰۹

شیخ زین الدین الخوافی [رح]

شیخ اسلام و مرشد الانام خاتم الاقطاب المحققین
اسوة الجماهیر السالکین الی جوار رحمة الله الوافی
شیخ زین الدین ابو بکر الخوافی از اکابر اهل ارشاد
ومتعینان ارباب سلوك وافراد روزگار بوده ودر علم ظاهر و
باطن ید طولی داشت و مسافرت بسیار نموده وحج اسلام
گذارده و مشایخ حرمین شریفین زادالله شرفاً و تکریماً و
مصر و شام را دریافته مثل شیخ زین الملة والدین العراقی
و شیخ جلال الدین خجندی و غیرهم در علم سلوك وارشاد
طالبان راه حق کسی باو نمیرسیده و درمنهج سنت و جماعت
راسخ بوده و بطریقهٔ شیخ شهاب الدین سهروردی بوده‌اند
و پیوسته در قمع ملاحده و بد مذهبان میکوشید ودر مصر
وشام وروم وعرب وعجم وایران و طهران مریدان او بسیار
بودند و تصانیف و مکاتیب وارشاد به او در میان است
و طریقهٔ عبادت وریاضت و اطوار اربعینات از متاخران
باو منتهی میشود و اوراد در عصریه و فجریه او میمنت

تمام دارد و قلوب خواص و عوام را صفای با نظام می
بخشد و اکثر اوقات در زیارتگاه بسرمیبرده ودر آخر عمر
درگوشهٔ کوه در نواحی گذره زاویهٔ بساخت درویش آباد
نام کردند دران موضع مکرر باربعین می نشست و غلبهٔ
درویشان وطالبان در ملازمت وی بسیار شد عمر شریفش
از هشتاد گذشته بود ودر سال طاعون سنهٔ هشت صد و سی
و سه هجری وفات یافت ودر محل دفن ایشان
اختلافات متنوعه واقع شده و نعش مبارك ایشان را در سه
جای نقل دادند و آخر الامر در جوار عیدگاه مدفون
نمودند مزار متبرك ایشان معمور وروز بروز در ترقی است

۱۹۰ شیخ ابوسعید گازرونی

شیخ الاسلام والمسلمین زبدة المحدثین شیخ الملة
والدین ابو سعید گازرونی رحمة الله علیه از زهاد و
متعینان و فقها و اهل حدیث است و سندش به پدر
بزرگوار قدوهٔ ارباب حدیث فی عصره و اوانه
شیخ جمال الملة والدین احمد محدث و برادر
عالی مقدارش شیخ الاسلام والمسلمین شیخ عفیف
الدین جنید و شیخ المحققین بالاستحقاق شیخ جمال
الدین ابو اسحق قدس الله تعالی ارواحهم و غیر

ایشان از مشایخ و علماء پیوسته به نشر علوم شرعیه قیام می فرمودند و بقصد ملازمت برادر بزرگوار از شیراز به هرات آمده و در آنجا بماندند و شیخ جمال الدین ابو اسحق در وقت رحلت سجادهٔ ارشاد را باو حوالت نمود و در سال طاعون سنه هشت صد و سی و سه هجری در هرات وفات یافت مدفنش در خطیرهٔ شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری قدس سره نزدیک قبر شیخ جمال الدین ابو اسحق قدس سره است ٭

۱۹۱ مولانا جلال الدین قاینی

مولا اعظم قدوة الناصحین زبدة المحدثین مولانا جلال الدین محمد بن عبد الله القاینی از متعینان مؤخر ومجردان مقدم بوده و میفرمود که نسبت من منتهی میشود به مفتی الثقلین شیخ نجم الدین عمر النسفی و مدت های مدید در مقصورهٔ هرات به نصیحت مسلمانان مشغول بود و قوت حافظهٔ عجیبه داشت چنانچه اکثر محفوظات او کر مکشوف شدی خلایق در ورطهٔ حیرت افتادندی و در آخر حال خاقان سعید منصب احتساب را در قبة الاسلام هرات بایشان امر فرمودند ودر

رواج شریعت و قمع بدمذهبان سعی بسیار بجامی آورد وفاتش در سال هشتصد و هشتاد و هشت هجری مدفنش در قریهٔ جغرتان در مدرسهٔ که بنا کردهٔ اوست واقع است •

۱۹۲ مولانامحمد

بن مولانا سعدالدین تفتازانی (رح)

مولانا الاعظم بقیة الاکابر والعلماء مولانا شمس الدین محمد بن مولی المدقق العلامه استاد الکل فی المعنی المحقق الربانی مولانا سعد الملة والدین التفتازانی کریم الاخلاق و یگانهٔ روزگار وسالها در هرات مقدم علماء و فضلا بوده عمرش قریب به هشتاد سال رسیده و در سال طاعون سنه هشت و سی و سه هجری وفات یافت مدفنش در اندرون خطیرهٔ شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس سره در مقبرهٔ قضات امامیه مدفون است •

۱۹۳ مولانانورالله خوارزمی

مولانا الاعظم علامة العلماء فی العالم مولانانور الله خوارزمی از مجردان علماء و متعینان فضلابوده

و در فن علوم اصول و فروع عربیه ماهر و مؤلفات مشهور در هر فن از وی مانده و مدتی مدید در قبة الاسلام هرات به نشر علوم قیام می نموده و در آخر حال خاقان سعید منصب خطابت مسجد جامع هرات را بوی مفوض نمود و چند سال بدان کار اشتغال نموده عجب تر آن که هیچ جمعه خطبهٔ مکرر نخواندی و روز جمعه تا بمسجد آمدی خطبه انشاء نمودی و در سال طاعون سنه هشتصد و سی و سه هجری بجوار رحمت الراحمین پیوست مدفنش در خطیرهٔ حضرت خواجه عبد الله انصاری است در مابین قبر حضرت خواجه و قبر مولانا فصیح الدین محمد علاء •

درویش عبدالله ۱۹۳

سالك فیاض بلا شك واشتباه درویش عبد الله از متعینان وقت خود بوده و در میان خلق پنهان و بسر اق او لبائی تحت قبائی لا یعرفهم غیری متمکن و در اندرون شهر هرات دکان علافی داشت و پیوسته در دکان قرآن میخواند و جنیان مسخر او بوده و از شاگردان مولانا ظهیر الدین خلوتی بود و اطاق در محله خلوتیان داشت و هر سه شنبه به قبه مختار

میرفت و با غیبا ن آنجا صحبت داشت و خوارق عادات و مقامات و کرامات ازاو بسیار دیده میشد و عمر شریفش به هشتاد سال رسیده و در سال طاعون سنه هشتصد و سی و سه هجری وفات یافت مدفنش در خطیره خلو تیان است [رح] ۰

سید علی شبرغانی ۱۹۵

سالك مسلك ربانی سید علی شبرغانی رحمة الله علیه از زهاد روزگار و ارباب مجاهدت و ریاضت بود و پیوسته اربعینات می نشست و خرقه او بسید علی همدانی میرسید و طریقه بغایت پسندیده داشت وفاتش در سال هشتصد و سی و هشت هجری مدفنش درقریب باغ آهو در باغچه که خود عمارت کرده بود ۰

زین العابدین مجذوب ۱۹۶

مرتضی اعظم از متعیان روزگار بوده و حدیث بر سید علی همدانی و فقه بر سید مبارك شاه هروی خوانده و در آخر مجذوب شده و از بسیاری که با مجذوبان می نشست بجذبه رسید و مدتها در کوه ها میگشت مشهور است که عمرش از یکصد و بیست سال گذشته بود تاریخ

وفاتش معلوم نشده مدفنش در تل قطبیان است.

باباز کریا مجذوب ۱۹۷

درویش مجذوب مدتهای مدیدی در سرراه خیابان مینشست بسیاری خوارق عادات ازوی مشاهده میشد ودر میان مجذوبان شهرت داشت مدفنش درهمان محل که می نشست معروف ومشهور است.

مولاناسعدالدین فارسی ۱۹۸

مولانا اعظم استاد العلماء فی عصره وزمانه مولانا سعدالدین الفارسی از متقیان روزگار وشاگرد سلطان المحققین میرسیدشریف جرجانی ودر علم معقول صاحب کمال بوده ومدتهای مدیدی در مدرسه غیاثیه متصل مسجدجامع نشر علوم نموده وطاعتی بردوام وتوجهی بانظام داشت واز خدمت او بسیاری طالبان بمقصد رسیده اند ونماز تهجد از وفوت نشده ودعای سیفی وادعیه ماثوره بسیار میخواند ودر ماوراء النهر بخدمت مریدان خواجه علاءالدین عطار مشرف شده بود ومشق درویشی از ایشان کسب کرده بود مدفنش در خطیره امام فخرالدین

رازی مشهور است .

مولانا محمد ۱۹۹

بن حاجی ابو بکر سنوکردی

مولانا شیخ الاسلام افضل الزهاد و مرشد الانام فی العصر مولانا شمس الدین محمد بن حاجی ابو بکر از متقیان زمان خود بوده و در علم فتوی و زهد و تقوی از اماثل و اقران خود امتیاز داشت مسکن ایشان در قریه سنوجرد و پیوسته اهالی هرات از خواص و عوام باو تردد مینمودند و بفاتحه و دعای او تبرک میجستند وعظی گرم و نصیحت دلپسند میفرمودند و علم ظاهرش به تعریف باطن آراسته بود و عمرش بهشتاد سال رسیده وفاتش در سال هشتصد و چهل وهشت هجری مدفنش در قریه سنوکرد در بلوك كذا ره .

باباحسن ابدال ترك ۲۰۰

درویش مجذوب و مرغوب و مبدء حال سپاهی گری میکرده و ظلم و تعدی از او صادر میشده مدتی به تحصیل داری مال بطوس رفته بود و

اخی محمد طوسی او را سیاست فرمود چون بهرات مراجعت فرمود بعد ازان اسپ و سلاح و اسبابیکه داشت همه را در سر پل انجیل بدرویشان بخشید و پوستین پوشیده و بگورستان خیابان رفت وآنجا ساکن شد جذبه او را فرا گرفت وجلالیه بر او غالب شد و نظری قوی داشت و اهالی هرات از ترک و تاجیك بدیدن او میرفتند و معمر شد مدفنش در شرقی خیابان است و ایوان و حجره های عالی دارد .

۲۰۱ باباجمال مجذوب

ازاعزهٔ مجانین بوده ودر مبداء حال مکتب داری میکرد بعد ازان که بجذبه رسیده بود اکثر اوقات در میان جوی های آب میبود در تابستان وزمستان و جوی ها را پاك میکرد و بطریق که در ملاحیلهٔ او قرار گرفته بود حروف تهجی و بعضی از سوره های قرآن مجید را میخواند وبدعای ماثوره بعد از ختم قیام مینمود و بسیار قوی مشرب بوده و بعضی که با او اخلاص داشتند او را بخانه خود میبردند و یك روز نگاه میداشتند و گاهی بودی که در خانهٔ

کسی رفتی و یکی دیگری را گفتی که این مرد چرا نمیرو دما را به تنگ آورده وفی الحال برجستی وازان منزل بیرون رفتی و با هیچکس التفات نکردی و بهیچ نوع او را تسکین نتوانستی داد و بکرات و مرات این معنی ازو مشاهده رفته مدفنش [١] به درب قطب چاق نزدیك بازار است و بر محوطه اندك عمارتی دارد وزیارت او مجرب است •

باباخمیر کبر ابدال ٢٠٢

از بدلاء وقت بوده واکثر اوقات در گورستان خیابان بسر میبرده مدفنش در شرقی خیابان است •

پیر سرخ ٢٠٣

از اعزهٔ دوستان حق بوده زمستان و تابستان در برف و باران بردکان که بسر راه ساق سلمان است نشسته بود و پای او زخمی داشت وضو میساخت و نماز میگذارد واز هیچ کس چیزی نمی‌طلبید ، جمعی که بر حال او وقوف داشتند گاهی مقدار طعام پیش

---

(١) ودر نسخه های دیگر لفظ درب قطبی چاق موجود نیست •

اوبردندی اگر شبهتی داشتی تناول نکردی واگر شبهتی نداشتی دران تصرف کردی واکل نمودی وقبرش در همان محل است که در حین حیات می نشست اما تاریخ وفاتش محقق نشده ٭

سید محمد اشرف [رح] ۲۰۴

مقتدای اعظم افتخار اتقیاء فی العجم سید شمس الملة والدین محمد بن اشرف از اکابر سادات ومتعینان اشراف روزگار وصاحب ولایت تمام وزهد وتقوی با نظام داشت خاقان سعید اورا در هرات برادر باب عمایم قبة الاسلام تقدیم می فرموده ومکارم اخلاق فراوان داشت وبغایت واجب التعظیم می بود عمرش از هشتاد گذشته بود ووفاتش درسال هشتصد وپنجاه هجری مدفنش درخیابان است محاذی مدرسهٔ ابوسعید میرزا ٭

باباکیلانی [رح] ۲۰۵

از ملامتیان بوده مدتی در گلخن حمام امیر علی شیر که در محاذی درب عراق است بسر می برده بعد ازان جای رفت ودرجوار باغ زبیده قریب

قریهٔ مغولان تکیهٔ بساخت و بعضی اراضی آن موضع را صالحهٔ زراعت گردانید و در آخر طریق خمول اختیار کرده پیوسته جمعی از قلندران و ملامتیان ملازم او بودند و مردم شهر بدیدن او میرفتند و پیوسته دیک کلان صرف آینده و رونده میکردند و مدفنش در همان محل است که خود اختیار کرده بودند و خوارق عادات ازو مشاهده میرفت ٭

۲۰۵ مولانا سراج الدین ملتانی

مولانا اعظم اعلم العلماء ذی الفضل العالی و الفقر المتعالی و الورع الدایم مولانا سراج الدین ملتانی از متعینان زهاد وقت خود بوده و تربیت یافتهٔ شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین الدین الخوافی است و منظور نظر خواص آن بزرگوار دین بوده و بعد ازان قایم مقام او و مقتدای مریدان ایشان بود وطریقهٔ به غایت عالی داشت در فقر و سلوک وولایت او بر هر کس ظاهر میشد و بطریق اخیار میگذرانید فوتش در سال هشتصد و چهل و یک است مدفنش در تخت مزار شیخ زین الدین الخوافیست ٭

شیخ بهاء الدین عمر جغاره‌گی ۲۰۶

شیخ الاسلام و کهف الانام ملجاء الخاص و العام قبلة السالکین بعلو الهمة و سمو النظر شیخ بهاء الدین عمر از مریدان حال خود شیخ محمد بن شاه فراهی بعلوم ظاهر و باطن بسیار بلند و صائم الدهر و مشرف به قلوب و قیور و معتقد فیه سلاطین و حکام و ملاذ و ملجاء خواص و عوام بوده مولدش در فراه و در هرات نشو و نما یافته و کارش بغایت بالا گرفت و کرامات و مقامات وی درین مختصر کجا بیان گردد شرح اوصاف بزرگی او نتوان نوشت در ایام سلطنت امیرزاده بابر دعوت حق را لبیك اجابت نمود و نقدی که داشت بخلف الصدق خود گذاشت وفات ایشان در روز سه شنبه سلخ ربیع الاول در سنه هشتصد و پنجاه و هفت هجری واقع شد مدفن ایشان در شمال زیارت شیخ زین الدین الخوافی جنب عیدگاه هرات است •

مولانا جلال الدین الکرمانی ۲۰۷

مولانا شیخ الاسلام و المسلمین عارف یگانه زمان خود بوده و جامع میان علم ظاهر و باطن و مربی

تربیت شیخ الاسلام ومرشد الانام بالاتفاق شیخ جمال الدین ابوبکر اسحق گازرونی المرسدی بود و میان شیخ و اولیاء عظام سفارت مینمود و اخبار غیبی می آورد و میبرده و سلوك وافی داشت و ریاضت شاقه کشیده تا بمقصد اصلی رسیده و کشوفش بصحت موصوف واخبارش بصدق معروف وهموارهٔ شعر بافی کسب میکرده واز همین درك معیشت عیال داری خود مینمود و در وقت خاص بدرس طلبه مشغول میشد و توجه دایم داشت و نور بشره از حضور دل خبر میداد مدفنش در خطیرهٔ امام فخر رازی در خلف پنجره که محیط است بمرقد امام مذکور و فیض وافی از روح آن بترائیران میرسد ٠

۲۰۸ مولانا سعدالدین الکاشغری (رح)

مولانا شیخ الاسلام قدوة العرفا واسوة الکبراء فی عهده واوانه مولانا سعد الدین الکاشغری قدس سره از اکابر اولیاء الله بوده وبطریق عالی درجات خواجه گان نقشبندیه قدس ارواحهم سلوك میفرموده و در انجمن بخلوت میگذرانید ومقامی بغایت شکرف داشت و معتقد فیه تمامی اعزه و حکام و خواص و عوام

بوده و خلیفه حضرت مولانا نظام الدین خاموش قدس سره بوده اند و بخدمت حضرت سید قاسم تبریزی و مولانا ابویزید پورانی و شیخ زین الدین خافی و شیخ بهاء الدین عمر جغاره گی رسیده اند و صحبت ها نموده وحضرت مولانا عبد الرحمن جامی قدس سره شاگرد و مرید و داماد ایشان بوده وفات ایشان در اثنای نماز ظهر روزی چهارشنبه هفتم جمادی الاخری سال هشتصد و شصت هجری مدفن ایشان درخیابان در تخت مزاری که بجهة ایشان تعیین نموده بودند و مولانا عبد الرحمن جامی قدس سره وصیت فرموده بود که در پیش روی ایشان مدفون گردند در همان جای مدفونند ۸۶۰

۲۰۹ مولانا جلال الدین ابویزید پورانی

مولانا شیخ الاسلام مغفور سعید القطب النورانی مولانا ابویزید پورانی قدس سره بر طریقه سلف و شیوه اقطاب و ابرار و صحابه کبار میگذرانید و مناقب علیه او بیش ازان که در حیز تحریر در آید و به صحبت مولانا ظهیر الدین خلوتی رسیده اند و معتقد طریقه ایشان بوده اند وحضرت مولانا عبد الرحمن

جامی اکثر اوقات بخدمت ایشان میرفتند چنانچه گفته اند که روزی با جماعتی بزیارت مولانا جلال الدین پورانی درقریه پوران رفتیم در وقت باز گشتن یکی از ما یاران را درخاطر گذشت که اگر مولانا کرامت دارد می باید که چیزی کشمش سیاه به طریق تبرك بمن دهد چون روان شدیم مولانا آن شخص را آواز داد ند که یکساعت باش بعد بخانه خود رفتند و یك طبق مویز سیاه آورده باو داد ند و گفتند ما را معذور دار که در باغات ما امسال کشمش نشده است و به صحبت بسیاری از اکابر و علما رسیده اند و بر منهج سنت و جماعت می بوده و بی تکلف و متواضع و خیر محض او بخاص و عام میرسید و پیوسته در دولت خانه او سفره بمردم گسترده بود و فی الواقع قدر بندگی او شناخته بود و حسن کرامت او بر وضیع وشریف ظاهر بود و هرگز سنت و ادب ازاو فوت نمیشده و از آستان مرحمت آشیان آنحضرت هیچ آفریده محروم نگشته و نظر خاص بملازمان حضرت خلافت پناه خاقانی داشت چنانچه دراایام فتور همواره دلداری خلایق می فرمود که خواطر جمعدارید که عنقریب رایت دولت و عظمت پادشاه اسلام بمرافق فتح و ظفر درین خطه

و با خواص خود میگفت که بمن نمودند که عرصهٔ مملکت آن صاحب کمال همایون واصل و متواصل گردد و عمر شریفش به نود سال رسیده بود و در آخر سال هشتصد و شصت و دوی هجری بجوار رحمت ارحم الراحمین پیوست و مدفن ایشان در قریهٔ پوران خاصه در تخت گاه که بجهة ایشان ساخته شده است •

۲۱۰ مولانا شمس الدین محمد کوسوی

وی از اولاد کبار و احفاد بزرگوار کهف الانام منظور نظر ملك علام شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره است خواجه معین الملة والدین محمد المشهور بخواجه محمد کوسوی از اقطاب روزگار و مشایخ کبار و ناصح جمیع خلایق و صاحب کشف و شهود و عارف بحقایق قرآنی وحدیث بود و در هنگام وجد نظر مبارك او بر هر کس که افتادی آنکس البته بی هوش شدی و در منبر وقتش بسیار خوش میشد و در مجلس شریفش فیوضات ربانی بر مفارق مستمعان نثار میشد و اخلاص تمام و اختصاص بنظام بدولت خواهان حضرت خلافت پناه خاقان سعید داشت و دران وقت که در هرات فتور واقع

شده بود بمجاهدهٔ مردم بیکانه و اهل فجور اشتغال مینمودند روزی جمعه اتفاقاً از حمام بیرون آمده بودند در راه بر منکرات وقوف یافتند عظیم ملول شدند بعد از نماز جمعه که مجلس میفرمودند اتفاقاً ناظم الحروف در آن روز خود را مشرف داشته در اثنای وعظ استغراق واقع شده و حکایات بلند بزبان ایشان بگذشت و در انمیان فرموده‌اند که ایها الناس عجب حالیست که جماعت اجنبی اند و حالا پیدا شده اند ودر مملکت دیگران بغیر حق تصرف کرده اند تا باین غایت بی راهی و فجور مینمایند و خبر ندارند که خداوند ملك عنقریب مظفر و منصور میرسد خلایق متحیر شدند و بایکدیگر گفتند که آیا مآل این سخن بکجا خواهد رسید و فقیر تاریخ آن روز را نوشته چهل روز بگذشت که عسکر همایون حضرت خلافت پناه در صحرای کازرگاه نزول فرمودند و فاتش در سال هشتصد و شصت و سه هجری مدفنش در کنج مغربی مسجد جامع از طرف جنوب در همان خانه که منزل ایشان بود درجوار مزار متبرك خواجه مرغزی رحمة الله علیه •

مولانا جلال الدین محمود امامی ۲۱۱

مولانا شیخ الاسلام اعظم جامع اقسام کمالات ذی الطالع المسعود و الخلق المودود مولانا جلال الدین محمود الامامی از اعیان اکابر قبة الاسلام هرات و مقتدای قبایل و اقوام و خلیفه و تابع بدر منیر سلطان سید احمد کبیر رفاعی قدس سره بود و اورا دو اذکار عالی داشت و با اکابر و افاضل بسیار صحبت میداشت و جمیع محصولات و اسباب موروثی خود را صرف فقرا و مساکین احمدیه و مرشدیه و غیرهم میفرمود و لقمه از ارباب مناصب تناول نمیکرد و عمرش به نود سال رسیده بود و در سال هشتصد و شصت و سه هجری وفات یافت مدفنش در خطیره امام فخر رازی در جوار مشایخ بسطامی قدس الله ارواحهم •

باباکوکی مجذوب ۲۱۲

دیوانه گرم بود و هیبت تمام داشت و سخنان تلخ بسیار میگفت و اورا از مشاهیر مجانین میشمردند روزی شیخزاده پیر قوام که در ایام دولت بابر بمرتبه صدارت رسیده بود و سواره در سر پل انجیل میگذشت

یا باکوکی سنگی چند در دست داشت یکی از آنها را بطرف شیخ زاده انداخت بمیان دو شانهٔ او خورد و عظیم متاذی شد با نوکران خود گفت تا با را بسیار لت کردند یکسال بسر نکشید که دولت او منقضی گشت نه شیخ زاده ماند و نه مریدان به یك باره گی خراب و برهم شدند و فاتش در سال هشتصد و هشتاد وچهار هجری مدفنش در خیابان است ٭

مولانا محمد جرجانی ۲۱۳

مولانا اعظم اعلم العلماء فی العجم حاوی الفروع والاصول جامع المعقول والمنقول المشتهر طینة وفضائله بین الامم معدن العلوم والحکم مولانا شمس الملة والدین محمد الجرجانی از فحول علماء واعیان فضلاء و استاد اکثر طلبهٔ خراسان وعقیدهٔ پاك و بدایهٔ بغایت خوب داشت و مدتی سی سال کتب متداولهٔ مشکله مثل شرح قاضی مصباح و شرح موافق وشرحین مفتاح و کشاف را بی مطالعه درس میگفت و شاگرد مولانا اعظم علامة العلماء فی العالم مولانا جلال الملة والدین یوسف الحلاج بوده وازو تربیت یافته و عمرش از هشتاد سال گذشته بود و در سال هشتصد وشصت و چهار هجری

وفات یافت مدفنش در تختگاه شیخ زین الدین الخوافی است .

مولانا زاهد طفلکانی ۲۱۴

مولانا اعظم المشایخ والاماجد العالم الربانی مولانا زاهد طفلکانی از اعزهٔ روزگار وصلحاء نامدار ودر علوم صوری ومعنوی صاحب اعتبار ومتقی وعابد وزاهد وبر طریقهٔ زمینهٔ سلوك میفرمود مولانا اعظم قدوة السالکین مولانا سراج عالم باونظر تمام داشت فی الواقع از اکفاء واقران خود ممتاز بوده ودرسال هشتصد وشصت وچهار هجری وفات یافت مدفنش در تختگاهی شیخ زین الدین الخوافی است .

این بود اسامی اکابر واعیان افاضل واشراف مشایخ واقطاب که در خطهٔ قبة الاسلام هرات وبلوکات آن در گذرده اند وهمواره مقصد زوار ومعاذ وملاذ صغار وکبار اهالی مملکت از خواص وعوام میباشند ودر فوشنج (۱) که ازنواحی قبة الاسلام هرات است وحال مشهور به قریهٔ

(۱) فوشنج شهری بود که آن را قبل از بناء هرات پوشنك بن افراسیاب بنا کرده بود کذا فی عجایب البطلان .

زاندہ جان میبا شد از قدیم الایام تاحال مسکن مردم نیک بوده و میباشد و بسیاری از اکابر و محدثان و فضلاء و بزرگان مثل شیخ ابوالحسن فوشنجی وشیخ عبدالحق که از نسل حضرت شیخ احمد جام است وغیره بزرگان مدفونند ؛

استقصای مزارات هرات را نمودن امر خطیر (۱) است و در تاریخ مکمل که از مولفات این فقیر است استقصای آن واقع شد هامل واثق که بمیامن انظار عنایت و مساعدت اهتمام ارکان دولت حضرت خلافت پناه کشور ستان سلطان ابو سعید گورگان خلد الله تعالی ملکه و سلطانه این نسخه شریفه و سائر توالیف این فقیر که مدتها است در پس پرده خفا مانده بر منصه [۲] ظهور و عرصه عرفان انتشار منظور مطالعه و ملاحظه اهل روزگار گردد ﴿ و الله علی کل شئی قدیر ﴾ •

خاتمه موعوده ؛ مشتمل بر چند کلمه که اظهار آن بر این مسکین واجب است مثل ادای دین و استماع آن حسب الامکان بر نواب کامگار فرض عین است

(۱) خطیر باالخاء المعجمه امری امری بزرگ •

(۲) منصه تخت جلوگاهی عروس •

امید است که بشرف قبول مشرف گردد انشاء الله تعالی
بر مرآت ضمیر مطیعان سرادق دولت وسعادت که
سجنجل الارواح عالم غیب و شهادت است معروض
میگردد که نعم نامتناهی حضرت الهی بمرتبه بر مفارق
عظمت وابهت ملازمان این آستان ظفر آشیان فائض
میشود که عقول افهام انام بادراك كيفيت وكمیت
آن نمیتواند رسید و بمقتضای قضیه شرطیه ولئن شكرتم
لا زیدنكم بر ذمه همت حجاب بارگاه کیوان پناه
لازم و متحتم است بتمهید قواعد شکر واهب العطایا
اشتغال فرمودن تا مستوجب زیادتی گشته هر ساعت
دولت تازه و هر لحظه نصرتی بی اندازه بروزگار
همایون وصول یابد چون مقرر است که این فیوضات
لاریب بمدد عنایت عالم غیب بی شائبه نقص و عیب
متعاقب بر ساحت آمال و امانی معتکفان این عتبه [۱]
سپهر مرتبه نزول مینماید پس واجب که بر طبق فرمان
واجب الاذعان واحسن کما احسن الله الیك عنان
عاطفت را بصوب تفقد واوضاع مستمندان معطوف
دارند هر آئینه مستلزم استخلاد دولت دوجهانی
است چون در جمع نمودن این رساله توجه خاطر

(۱) عتبه پیش گاه در است •

در بیان مقاطر خدام است به تحقیق و یقین ندونمر اقد اولیا واکابر واشراف تا بعد از معرفت مزارات آن طایفه در هنگام ظهور مهمات استمداد همت از روحانیت ایشان طلب نموده مقاصد و مطالب حاجات و مآرب بحصول موصول براید بهمین منوال اگردر چنین مجال بتر فیه احوال کسب و کمال و ترقی برمساعد اقبال شان که متفق علیه است پردازند یقین که اثر این معنی از غیر آن کمتر نخواهد بود بعد از ایضاح مقدمات اگر بتفاصیل حکایات شروع مینمایند مقصد بطول می انجامد و با برام منتهی میشود حسن ادب تجویز این معنی نمی نماید بر وفق کلام معجز نظام که (خیر الکلام ما قل ودل) عرضه داشت ارکان دولت می نماید که دفع بدان و قمع ددان و کشف استار ظلم و شقاق و تحقیق معاملات مردزان و قلابان و فریادرسی مظلومان وافتاده گان و غریبان واستخلاص عجزه از دست تطاول اقویه و بدگویان و تمیز رسوم ظلمهٔ جافیه از صولت شریعت محمد به علیه الصلوات والتسلیمات والتحیه و قواعدسلاطین ماضیه و کسب ذکر جمیل و ثنای جزیل و تاسیس سنت حسنه چند تا قیام قیامت متمسک آینده گان باشد از اهم مهمات است مناسب حال این دولت ظاهره چنان مینماید

که چندان خیرات بمساعدت نواب کامگار فلك اقتدار ممضی ومجرا شود که سلاطین روی زمین دستور دولت خود شناسند دلیل صدق این معنی خبر معتبر [من سن سنة حسنة) کافی و وافی است تمت الکتاب جلداول رساله مزارات هرات بتاریخ یوم دو شنبه بیست یکم شهر ذی قعدة الحرام سنه یکهزار و سه صد وچهل و هشت من هجرة النبوی صلی الله علیه وعلی آله واصحابه وسلم حرره العبد الفقیر دین محمد بن مرحوم تاج محمد ابن مرحوم آخند ملا شهاب الدین قوم فوفلزائی زند چانی آلهی ببرکت ارواح پاك مزارات کثیر البرکات دارالنصرت هرات رااقدس الله ارواحهم واین بندهٔ گنه‌کار شرمسارو باقی اهل هرات را هدایت نمائی و توفیق بر طاعت واجتناب از معصیت کرامت فرمائی آمین ثم آمین یا رب العالمین برحمتك یا ارحم الراحمین ۰



[بسم الله الرحمن الرحیم]

سپاس و ستایش مر خدای را سزاست که آئینه دل دوستان را جلوه گاه جمال ذات کریم خود گردانید و بحکم [الاناء یترشح بما فیه] پرتو نور قدیم خود را بر صفایح وجود ایشان هویدا ساخت کما قال رسول الله (ص) الذین اذا رأوا ذکر الله و صلواة ورحمت خدای بر افضل ارباب فنا و بقا یعنی سرخیل انبیاء صلوات الله و سلامه علیه وعلیهم و رحمت بر خانواده پاک او و بر اصحاب و جمعی که پیروی ایشان گشته اند الی یوم القیام باد؛

بعد برای صواب نمای حقایق آگاهان معارف الانتباه مخلصان و معتقدان اهل الله عرضه میدارد فقیر حقیر پر تقصیر لازم التصغیر عبید الله بن ابو سعید هروی که چون کتاب مقصد الاقبال که عالم کامل و عارف فاضل امیر سید عبد الله الحسینی المشهور به اصیل الدین واعظ که در سنه هشتصد و شصت چهار هجری تصنیف نموده بود و مزارات عالیدرجات هرات را که تا ایام سعادت فرجام ایشان بحکم (اولیاء الله لا یموتون بل ینقلون من دار الفناء الی دار البقاء)

بسرای دیگر نقل نموده اند دران رساله تحریر شده
و ذکر خود ایشان واولیاء عظام و مشایخ ذوی
الاحترام که بعد از ایشان بوده اند و ذکر آنها
متفرق بود در سنه یکهزار و صدو نود هشت هجری که
سه صد و سی وچهار سال از تصنیف کتاب سابق گذشته
بود هیچ یك از فضلای بلاغت شعار بخیال این نیفتاد
که دریکجا جمع نمایند ؛

بناء علیه این بنده محقر با وجود قلت بضاعت و عدم
استطاعت بسبب کمال اعتقاد و ذوق زیارات عالی
درجات جمعی از اولیاء الله که ذکر ایشان در نفحات
الانس و رشحات وحبیب السیر و سیله الشفاعات
و سائر کتب که بنظر رسیده در جزوی علیحده در آخر
کتاب رساله مزارات سابق تحریر نموده که هرکس ذوق
زیارت داشته باشد مطالعه کنند و از زیارت بزرگان
اشتغال نماید تا بمضمون حدیث شریف نبوی صلی الله
علیه و سلم اذا تحیرتم فی الامور فاستعینوا من اهل
القبور اعانت از اولیاء الله خواسته بمطالب و بمقاصد
برسد ؛

فائده زیارت : حضرت حقایق و عرفان پناه مولانا
عبد الرحمن جامی قدس سره در کتاب **نفحات الانس**

در ذکر ابو المکارم رکن الدوله احمد بن محمد
نقل کرده اند که درویشی ازوی سوال کرد که
چون این بدان را در خاك ادراکی نیست وروح
ازوی مفارق شده در عالم ارواح حجاب نیست چه
احتیاج است بسر خاك رفتن چه در هر مقام که
توجه کنند بروح آن معلوم است حضرت شیخ فرمودند
که فائده بسیار دارد یکی آنکه چون کسی بزیارت
کسی میرود چندان آن زیارت خوش میشود و چون بسر خاك رود
و بحس مشاهده کند حس او نیز مشغول شود و بکلی
متوجه شود فائده بیشتر داشته باشد دیگر آنکه
هر چند ارواح را حجاب نیست و همه جهان اورا
یکی است اما در بدن که هفتاد سال با و صحبت داشته
و بدن محشور او که بعد از حشر ابد الآباد خواهد
بود آنجا باشد بآن بدن نظری و تعلق بیشتر باشد فوائد
زیارت بسیار است اگر کسی اینجا توجه کند بروحانیت
حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم فایده می یابد
و اگر بمدینهٔ مشرفه منوره رود و روحانیت حضرت
رسول الله صلی الله علیه وسلم از رنج راه او باخبر
باشد و چون آنجا رود و به حس مشاهده کند و بکلی
متوجه شود فائده آن را با این چه نسبت است اکنون

بذکر مزارات عالیدرجات وتاریخ وفات و مدفن
ایشان که در کتب مذکور شده قیام نموده خواهد
شد ومنه الاعانة والتوفیق ٭

مولانا نورالدین عبدالرحمن ۲۱۵

الجامی قدس سره

فضائل وکمالات آنجناب مانند آفتاب جهان تاب
منور عرصه ربع مسکون است ورشحات اقلام فیض
انجام آن زبده شیخ وشاب بسان قطرات سحابیه
خضرت بخش افضای بوقلمون از جواهر نظمش صدف
افلاک پرو دررافروز است وازلآلی نثرش عرصه
عالم خاک جواهر اندوز وتصانیف ایشان بعدد لفظی
جامی پنجاه وچهار است وهمه درعالم مشهور مثل
شرح ملا ونفحات الانس وهفت اورنک مشتمل بر
هفت کتاب وبهارستان وغیره وحضرت مولانا را فهمی
وطبعی بود که بالاتر از آن کس را نبا شد وبسیار
خوش خلق وخوش تکلم بود ومطائبهای شرین میفرمود
لقب اصلی ایشان عماد الدین ولقب مشهور نورالدین
وتخلص جامی ونام والد ماجد ایشان نظام الدین
احمد بن شمس الدین محمد دشتی است ودشت محله

ایست از اصفاهان حنفی مذهب بوده اند و حضرت مولانا عالم و فاضل و در فنون علم ظاهری و باطنی جامع و مقبول عالم و مقتدای اهل ماوراء النهر وخراسان و پیشوای زمان بوده اند و سلطان حسین میرزا را کمال عقیدت و نیاز مندی بخدمت ایشان داشت و از کمل مریدان مولانا سعد الدین کاشغری بوده و حضرة خواجه محمد پارسا را در ایام طفولیت ملازمت کرده بودند و حضرت پاره نبات کرمانی بدیشان عنایت نموده بود و خواجه عبید الله احرار قدس الله سره کمال تعظیم و احترام شان مینمودند چنانچه در مکاتیب خود لفظ عرضه داشت می نوشتند و میفرمودند که آفتابی در خراسان است مردم آنرا گذاشته بروشنائی چراغ بماوراء النهر می آیند با وجود این بزرگی گاهی اظهار درویشی و کرامات نمی فرمودند وخودرا بلباس علم ظاهری وگاهی برصفت شعر وشاعری پنهان میداشتند و میفرمودند که ستر حال شرط این طریقه است و هر کس از فقرا بلباسی مستور است و این فقیر باحسن لباسی که لباس علماست مستورم و ولادت با سعادتش در شب بیستم شعبان المعظم سال هشتصد و هفده هجری و مدتی عمر ایشان به هشتاد و یکسال رسیده و فاتش بعد از فوت حضرت خواجه احرار بسه سال در

سال [۸۹۸] هشتصد و نود و هشت از هجرت روز شنبه هجدهم محرم الحرام در وقت اذان صبح وفات نمودند خاقان کبیر سلطان حسین میرزا و امیر علی شیر و سائر ارکان دولت و از سادات و علما و مشایخ بمنزل آن جناب که قریب پل تولکی بوده و مشهور است بملاولتخانه تشریف برده بعد از لوازم تجهیز و تکفین بعید گاه هراة برده و در پیش روی پدر بزرگوار ایشان مولانا سعد الدین کاشغری دفن نمودند و مزار آنحضرت قبله حاجات و کعبه مرادات است و اکثر مردم هرات روز شنبه بزیارة ایشان میروند و فیض و فتوح میبرند مناقب شان بسیار است درین مختصر نمیگنجد •

خواجه محمد اکبر [قدس سره] ۲۱۶

مشهور به خواجه کلان پسر کلان حضرت مولانا سعد الدین کاشغری است از اصحاب حضرت خواجه عبید الله احرار قدس الله اسراره بوده اند و حضرت مولانا عبد الرحمن جامی قدس سره در صفت ایشان می فرمودند (خاك او بهتر ز خون دیگران) وفات ایشان صبح پنجشنبه دوازدهم جمادالاخری سال نهصد و چهار هجری و قبر ایشان در تخت مزار والد ایشان است •

خواجه محمد اصغر [رح] ۲۱۷

فرزند خورد مولانا سعد الدین کاشغری است مطلع بر دقایق تفسیر و حقایق تاویل بود وفات ایشان در ولایة زمین داور در سال نهصد و شیش هجری و بعضی از خدام نعش مبارك ایشان را در هرات آورده در عقب والد ایشان مدفون نمودند مخفی نماناد که هر دو خواجه حافظ قرآن مجید بودند و در علوم ظاهری و اخلاق باطنی شهرت تمام دارند ٭

مولانا محمد جامی [رح] ۲۱۸

برادر مولانا عبد الرحمن جامی قدس سره اند و حضرت مولانا جامی صاحب در ترجیع بند مرثیه ایشان فرموده اند!

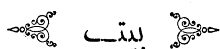
(بیت)

من بوده ام از جهان و گرامی برادری ٭ در سلك اهل فضل گرانمایه گوهری
جز انسان برادری که در اطوار علم و فضل ٭ چون او نزاده مادر ایام دیگری

وفات ایشان در سال هشتصد و هفتاد و هفت هجری بود مدفنش در تخت مزار مولانا سعد الدین کاشغری است ٭

مولانا عبد الغفور لاری ۲۱۹

لقب اصلی شان رضی الدین است واصل ایشان از لار است از اعیان آن دیار بوده و از اولاد ابن سعد عباده (رض) اند که مهتر قبیله خزرج است و از کبار صحابه انصاری است و از اصحاب مولانا نور الدین عبد الرحمن جامی است در طریقت و شاگرد رشید ایشان بود در علوم و بر کتاب شرح ملا و نفحات الانس حاشیه نموده و حضرت جامی صاحب در مدح ایشان گفته اند ٭


بیت

آنجا که فهم و دانش مرغی بود شکاری ☆ باز یست تیز رفتار عبد الغفور لاری

و در علوم عقلی و نقلی یگانهٔ زمان و فرزانهٔ دوران بوده و در روز وفات شان حضرت مولانا عبد الرحمن جامی حاضر بوده اند و کمال محبت و اخلاص بخدمت ایشان داشته اند و وفات ایشان بعد از طلوع آفتاب روز یکشنبه پنجم شعبان سال نهصد و دوازدهٔ هجریست ٭


قطعه

چه شد عبد الغفور آن کامل عصر ٭ بعقبی غرقهٔ دریای غفران
چو خواهی روز و ماه و سال فوتش ٭ بگو یکشنبه و پنجم ز شعبان

و قبر ایشان در پایان پای پیر ایشان مولانا عبد الرحمن جامی است زهی سعادتمند مریدی که که بعد از مردن هم در خدمت پیر خود باشد •

۲۲۰ مولانا شهاب الدین برجندی

از کبار اصحاب مولانا سعد الدین کاشغری بوده اصل ایشان از برجند بوده که قصبه ایست از قاین و نام ایشان احمد بن محمود است سن شریف ایشان پنجاه و پنج سال بود و در سال هشتصد و هشت هجری و به روایتی در سنه هشتصد و پنجاه و هفت وفات نمودند و قبر ایشان در تخت مزار مولانا سعد الدین کاشغری است •

۲۲۱ مولانا علاؤالدین

نام ایشان محمد بن المومن است و مولد ایشان آب پز است که دهی است در ولایت قهستان از کبار اصحاب مولانا سعد الدین کاشغری است و بعد از نقل ایشان بدار عقبی به خدمت مولانا نور الدین عبد الرحمن جامی بازگشت تمام داشته و میفرمودند که در زمان سلطان ابوسعید گورکان که حضرت خواجه عبید الله احرار در هرات تشریف آورده بودند

اول بار بنده که بملازمت ایشان مشرف شدم فرمودند که چه کسی و چه نام داری وچه کارمیکنی گفتم نفری ام از خادمان مولانا سعد الدین کاشغری و مکتب داریکی میکنم فرمودند دار یك مگوی و به تصغیر نام او مبر که مکتب داری کار بزرگ است و بسی فوائد و عوائد بران مرتب است وفات ایشان در سال هشتصد و نود دو هجری مدفن ایشان درتخت مزارمولاناسعدالدین کاشغری است • [۱]

خواجه قاسم جامی ۲۲۲

از عرفاء عصر واز اولاد حضرت مولانا شیخ الاسلام احمد الجامی است تاریخ وفات ایشان معلوم نشده و قبرش در تخت مزار مولانا سعدالدین کاشغری است •

مولانا غیاث الدین شمع ریز ۲۲۳

از فضلا و عزیزان بوده و قبرش در تخت مزار مولانا سعد الدین کاشغری است •

امام شش نور ۲۲۴

از سادات اند و کیفیت ایشان در لوحی بالای سر ایشان ثبت است در قریهٔ که بنام ایشان مشهور است

[۱] ذکرشان درر شحات مذکور است •

گنبدی است عالی وشیش قبر درآنجا موجوداست وارباب حاجت دران منزل بفیوضات میرسند گویند که حضرت شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین الدین الخوافی بزیارت مزارات سادات ستة میرفتند ومریدان ومخلصان را بزیارت شان امر میفرمودند وفی‌الواقع بغایت پر فیض ونورانی است تاریخ وفات ایشان معلوم نشده •

میرعبدالله الحسینی ۲۲۰

المشهور باصیل الدین واعظ از سادات والا تبار بوده ودر علم وزهد وتقوی درجهٔ علیا داشت ودر ایام خاقان سعید سلطان ابوسعید گورگان از شیراز که وطن اصلی ایشان بوده در هرات تشریف آوردند وهمیشه در هفتهٔ یك نوبت درمدرسهٔ گوهرشاد آغا که در خیابان است بموعظه ونصیحت خلق می پرداخت وازمؤلفات آن ستوده خصال است کتاب درج‌الدرر ورسالهٔ مزارات هرات وکتاب معراج الاعمال دربیان اوراد وعبادات است درمیان افاضل واعیان مشهور است انتقال سید بزرگوار هفدهم ربیع الاخرسال هشتصد ونود وسه هجری وقبر ایشان درجنب مدرسهٔ

گوهرشاد آغا .

مولانا خواجه کوهی ۲۲۶

در بدایت حال ارادت بخدمت حضرت خواجه محمد کوسوی داشت وچهار سال در خدمت ایشان بوده اما در آخر وی را تربیت از روحانیت پدر وی مولانا حافظ شمس الدین محمد بوده مدفنش در کوه شمال ساق سلمان است .

۲۲۷ مولانا حاجی محمد فراهی (رح)

از اصحاب مولانا شیخ زین الدین الخوافی وبغایت بزرگوار و بسیار عالی مقدار ودر ترک وتجرید یگانهٔ روزگار بوده واوقات شریفه خود را بمطالعهٔ علوم دینیه ومعارف یقینیه میگذرانیده وفاتش در سال هشتصد و شصت هجری و قبرش در خیابان در خطیرهٔ امام فخرالدین رازی است (رح)

قاضی نظام الدین محمد ۲۲۸

ولد ارشد مولانا حاجی محمد فراهی است ومولانا حاجی محمد در سلک اعاظم و فقهای زمان ابو

القاسم بابر بها در انتظام داشت اما قاضی نظام الدین محمد بمزید زهد و تقوی مهارت داشت و در امور درس و فتوای مشهور بود و مدت مدید در مدرسهٔ غیاثیه و مدرسهٔ اخلاصیه بمراسم تدریس قیام مینمود و خاقان منصور به تکلیف اورا قاضی هرات مقرر نمود و در فیصل قضایا نهایت امانت مرعی میداشت و فاتش در ماه محرم سال نهصد هجری و قبرش در گازرگاه در مزار حضرت خواجه عبد الله انصاری قدس سره •

مولانا معین الدین واعظ ۲۲۹

فراهی برادر امجد قاضی نظام الدین محمد بوده و در زهد و تقوی درجهٔ علیا داشت و در مسجد جامع هرات وعظی در کمال تاثیر میگفت و با امرای که در مجلس میبود ملتفت نمیشد و در نصیحت آن طائفه سخنان زشت بر زبان او میگذشت و بعد از فوت برادر خود یکسال صاحب منصب قضا بود بعد ازان ترک کرد دیگر هر چند مبالغه نمود ند قبول نکرد و از آثار قلم لطایف نگارش کتاب معارج النبوة و تفسیر [۱] فاتحة

[۱] که مسمی است به اسرار الفاتحه •

الکتاب و قصهٔ یوسف زلیخا در میان عالم مشهور است وغیره تصانیف نیز دارد و فاتش در سال نهصد و هفت هجری و قبرش در مزار مقرب حضرت باری خواجه عبد الله انصاری در پهلوی برادر خود خواجه نظام الدین احمد در پایان پای حضرت خواجه عبد الله انصاری است قدس سره ٭

مولانا کمال الدین حسین واعظ کاشفی ۲۳۰

بآواز خوش وصوت دلکش بوعظ نصیحت میپرداخت تصانیف وی بسیار است ازانجمله جواهر التفسیر و تفسیر موهب علیه و روضة الشهداء و انوار سهیلی و مخزن الانشاء واخلاق المحسنین و اختیارات در میان عالم مشهور است و در سنه نهصد و هشت هجری وفات یافت و قبرش در شمال عیدگاه است ٭

شیخ نور الدین محمد ۲۳۱

ولد امجد شیخ بهاء الدین عمر جغاره گی بود و سلطان ابو سعید گورگان در تعظیم آن جناب مبالغه تمام می فرمودند وفاتش در صبح جمعه بیست وسیم رمضان المبارك سال هشتصد و هفتاد و هشت هجری و مدفنش

در خیابان در پهلوی والد خود مدفونند .

حافظ غیاث ۲۳۲

قدوهٔ ارباب علم و حلم و عمدهٔ محدثان زمانهٔ خود بود و فاتش در سال هشتصد و نود و هفت هجری و قبرش در شمال خیابان در مقبرهٔ مولا عمر مدفونند .

شیخ شاه محمد ۲۳۳

بغایت بزرگوار بوده و کرامات و مقامات داشته و پیوسته پادشاه اسلام سلطان ابو سعید گورگان به صحبت وی رفتی و قبر وی در شمال عیدگاه سابقه است .

مولانا حافظ روجی ۲۳۴

قاری سبعه وصاحب کرامات و مقامات بوده وقبروی در جنوب استاد وی حافظ علی روجی است .

حافظ علی روجی ۲۳۵

وی نیز قاری سبعه و صاحب کرامات و مقامات بوده و قبر وی در قبلهٔ عیدگاه هرات است .

شاه طیب الخوافی ۲۳۶

از مریدان شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین الدین الخوافی است و حج گذارده و ازوی کرامات بسیار منقول شده و فاتش در سال هشتصد و نود و چهار هجری و قبرش در خیابان در خطیرهٔ علما مدفون است .

سلطان محمد و سلطان محمود ۲۳۷

هردو از اولاد شاه طیب الخوافی و خلفای وی بوده اند قبر ایشان در خیابان در مقبرهٔ شاه طیب است .

درویش خداداد [رح] ۲۳۸

سیاه پوش از خلفای شاه طیب است و قبرش در تخت گاه شاه طیب است .

مولانا شمس الملت والدین قدس سره ۲۳۹

از مریدان کارکردهٔ شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین الدین الخوافی است وجامع بوده میان علم

ظاهری و باطنی و کرامات و مقامات او فوق الحصر والبیان است کتاب منازل السائرین که از تصنیفات حضرت شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری است شرحی نیکو کرده است هرکه اندك حالتی داشته باشد داند که اکثر سخنان که در آنجا مذکور است مبنی بر قواعد علم وعرفان است و مبسوط از خصایص ذوق ووجدان است و قصیدهٔ متبرکه برده را بعربی و فارسی مخمس نموده در نهایت فصاحت شرح کرده که صاحب کمالان از تحریر آن متحیر اند و بر اسماء الحسنی شرح بسیار نیکو کرده است یکی از علماء گفته که مرا مهمی پیش آمد بخدمت وی رفتم بالتماس آنکه سفارش من به پادشاه وقت بکند پیش ازانکه اظهار کردم کاغذی از آستین مبارك خود بیرون آورده بمن داد چون نگاه کردم آن نوع که میخواستم نوشته بود بخدمت پادشاه بردم مهم من کفایت شد و گویند قوت حافظه وی بحدی بود که در ماه مبارك رمضان هرروز یك جزء قرآن مجید را حفظ میکرد و شب تلاوت میکرد تا آخر ماه مبارك کلام الله راحفظ کرده بود وفاتش درسال هشتصد ونود ویك هجری وقبرش در خیابان وامیر نظام الدین علی شیر در جانب جنوبه

مزار فیض آثارش خانقاهی ساخته است .

مولانا شمس الدین محمد عطار ۲۴۰

از اصحاب شیخ الاسلام و المسلمین شیخ زین الدین الخوافی است و عالم به علوم ظاهری و باطنی بوده و قبرش در خمچه آباد در درون روضهٔ حضرت امام عبدالواحد شهید است .

امیر خواجه خواند محمد ۲۴۱

حضرت مخدوم امجد از سادات عظام و درعلوم معقول و منقول مهارت تمام داشت و در تالیف کتاب افادت ایاب روضة الصفا نهایت بلاغت بکار برده و در آخر حیات انزوا اختیار کرده مدت یکسال به گازرگاه بوده کسب عبادت اخروی مینموده در آخر مریض شده بشهر مراجعت نموده مدتی هژده ماه صاحب فراش بوده ودر دوم ذی قعدة الحرام سال نهصد و سه هجری از محنت آباد جهان بریاض راحت افزای جنان خرامیده وعمرش به شصت سال رسیده بود و قبرش در مزار شیخ بهاء الدین عمر جغاره گی است .

مولانا شمس الدین محمد روجی (رح) ۲۰۴۳

مقتدای مشایخ زمان و پیشوای اصحاب زهد و عرفان بوده و قریب هفتاد سال در سلوک طریق هدایت و سنن سنیه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم سعی می نموده و جمعی کثیر از درویشان و طالبان طریقه ایشان را سلوک میفرمودند و بآستانه کرامت آشیانش میرسیدند و از باطن فرخنده میانش اقتباس انوار سعادت نموده بمرادات خود فائز میگردیدند و در سال نهصد و چهار هجری از جهان رحلت نمود امیر نظام الدین علیشیر بعد از تقدیم غسل و تکفین نعش مبارک مغفرت صفاتش را بعیدگاه هرات بردند و نماز جنازه گذاردند و در پهلوی قبر مولانا سعد الدین کاشغری که پیر ارشادش بود دفن کردند بعد از چند گاه جمعی مریدانش بآن مقبره رفتند آن عزیز را از قبر بیرون کرده به گازرگاه بردند و نزدیك بمزار حضرت خواجه عبد الله انصاری قدس سره تختی ساخته مدفون نمودند ٠

۲۲۳

مولانا میر حسین معمائی رح

در تزکیه نفس نفیس و تصفیه باطن شریف عدیل نداشت و چندین سال در مدرسه اخلاصیه ساکن بود و به طلب علوم مشغول بود از نتایج آن سید ستوده خصال رساله معمائی است در کمال بلاغت و در سال نهصد و چار هجری بمرض اسهال درگذشت و در گنبد مدرسه اخلاصیه مدفون است.

۲۲۴

مولانا کمال الدین مسعود شیرازی

در علم کلام و منطق و حکمیات و سائر علوم معقول و منقول اعلم علمای زمان خود بوده و در سال نهصد و پنج هجری وفات نمود و در خیابان در مزار پیر شیلصد تاله مدفون است.

۲۲۵

مولانا قطب الدین یحیی

ولد مولانا شمس الدین محمد بن مولانا سعد الدین مسعود التفتازانی وفاتش روز دوشنبه سال هشتصد و هشتاد و هفت هجری و مدفنش در مزار مقرب حضرت باری خواجه عبد الله انصاری است.

قاضی نور الدین محمد الامامی ۲۴۶

مدت هجده سال بشغل قضاوت در دار النصرت هراة اشتغال داشت و بمقتضای فاحکم بین الناس بالحق از مضامین فتاوای اهل اسلام تجاوز ننمی نموده و در بیستم جمادی الاول سال هشتصد نود یك هجری دست قضا سجل حیاتش در نوشت در کازرگاه بخطیره که نزدیك مزار خواجه عبد الله انصاری قدس سره ساخته بودند مدفون شد ·

مولانا شمس الملت والدین ۲۴۷

محمد امین زیارتگاهی [رح]

از اصحاب شیخ الاسلام و المسلمین شیخ زین الدین الخوافی است و عالم بوده بعلوم ظاهری و باطنی و کمالات و مقامات وی بیش از آن است که در حیز تحریر در آید و کرامات فراوان از وی منقول است آورده اند که هر شب دو شنبه حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم را در خواب میدید و مشکلات خود واز خلایق را از آن حضرت صلی الله علیه وسلم میپرسید وجواب با صواب می شنید ، وفاتش در سال هشتصد و هشتاد و پنج هجری مدفن ایشان در قریهٔ زیارتگاه معروف و مشهور است ·

درویش عباس زیارتگاهی [رح] ۲۴۸

وی از اصحاب و مریدان شیخ زین الدین الخوافی است مدت سی سال در ملازمت وی گذرانید و بغایت بزرگوار در وقت خود سرحلقه عارفان روزگار خود بوده و مقامات و درجات عالی داشت و در آخر نابینا شد و پیوسته این بیت را میخواند!

بیت

چشم از آسیب مردم در بروی خود به بست * گوشه عزلت گرفت و با خیال او نشست

گویند روزی در قریه زیارتگاه در مسجدی که در میان ده بود شخصی قرآن میخواند از استماع آن وقتش خوش شد از مسجد بیرون آمده در حوض که بر در مسجد بود در آمد و مدت مدیدی بر روی آب دوید و سماع کرد که قدم و دامن او تر نشد و مدفنش در زیارتگاه است.

مولانا عبد الرحمن ۲۴۹

کاردگر زیارتگاهی

از اصحاب مولانا سراج الملة والدین عالم است مشربی بغایت صافی دارد و از مقام ابدال و اوتاد

بهره وافی داشت و حضرت مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی قدس سره با وی صحبت میکرده و فاتش در سال نهصد و نه از هجرت مدفنش در قریه زیارتگاه است ٭

۳۵۰

شیخ صوفی علی [رح]

از زهاد کبار و عباد نامدار و متقیان روزگار بوده و چند نوبت حج اسلام را گذارده و بسیاری از مشایخ و بزرگان را دیده و اهل دنیا در نظرش بی اعتبار بوده در وقتی که خانقاه بازار فیروزآباد را میساختند خادم آمده و گفت چیزی خرچی ضرور است یکی از مریدان در مراقبه بود سر برآورد گفت زمانی توقف کن که از غیب میرسد چون لحظه برآمد تاجری هزار دینار زر در نزد شیخ آورد گذاشت خادم زر را گرفته رفت شیخ هر دو گوش درویش خود را بتافت و گفت دیگر این نوع کرامات نکنی و فضولی نکنی وفاتش در سال نهصد و هشت از هجرت و قبرش در خیابان در خطیرهٔ علیحده که از برایش ساخته اند مدفون است ٭

مولانا شمس الدین ۲۵۱

محمد اسد گازرگاهی

عالم بعلوم ظاهری و باطنی و از مریدان شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین الدین الخوافی است وفاتش در سال هشتصد و هفتاد و چهار هجری شده قبرش در گازرگاه در اندرون خطیرهٔ حضرت خواجه عبد الله انصاری در زیر قدم آنحضرت است •

مولانا شمس الدین محمد ۲۵۲

وی نیز از اصحاب شیخ زین الدین الخوافی است و کمالات و مقامات بلند داشته گویند وی را بیماری دست داد بعد از چند روز برخواسته و وضو ساخت و بجماعت با مریدان خود نماز گذارد و بعد از ان بذکر کلمه لا اله الا الله مشغول شد در اثنای ذکر تکیه بر یکی از اصحاب خود کرد و گفت لا موجود الا الله و جان بجانان داد قبرش در گازرگاه است در کوه شمالی نزدیک بقبر خواجه خیرچه •

مولانا درویش احمد کازرگاهی ۲۵۳

از اصحاب و مریدان شیخ زین الدین الخوافی است و عالم بعلوم ظاهری و باطنی و فاتش در سال هشتصد و هفتاد و چهار هجری بود قبرش در گازرگاه در پایان پای حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره است .

مولانا ابوالخیر درب خوش ۲۵۴

از اصحاب شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین الدین الخوافی است بغایت بزرگوار و در طریق تجرید و توکل سر دفتر روزگار بوده و پیوسته بخلوت میگذرانید و ایشانرا دو برادر دیگر بود که آنها نیز اهل حال بودند یکی مولانا شهاب الدین دیگری را مولانا خواجه کوهی گفتندی و از اولاد صلبی مولانا حافظ شمس الدین محمد اند که وی نیز از خلفای شیخ زین الدین الخوافی است وکرامات بسیار از وی نقل کرده اند و قبرش در جنب تربت شاه ابوالقدس است در بیرون درب خوش .

مولانا درویش علی کازرگاهی ۲۵۵

از مریدان مولانا شمس الدین محمد تبادکانی است و نظری که بوی داشته برهیچ کس نداشته از بزرگی استماع افتاد که حضرت مولانا عبد الغفور لاری که از محققان زمان خود بوده میفرمودند که هرگاه مرا از سخنان شیخ محی الدین بن العربی قدس سره مشکلی پیش آید آن را بخدمت مولانا درویش علی القا میکنم فی الحال رفع آن مشکل میشود با وجودیکه آن امی است وچیزی نخوانده و قبر وی در کازرگاه شریف نزدیك بحوض آشکارا •

شیخ درویش محمد کازرگاهی (رح) ۲۵۶

سردفتر مشایخ روزگار بوده وکرامات بسیار ازوی منقول است گویند از تاجران هرات بسفر دریا رفته بودند ودرمیان دریا کشتی ایشان نزدیك بود که غرق شود التجا بدرویش محمد برده بودند ناگاه دیدند که در روی دریا پیدا شد و کشتی ما را نجات داده در کنار کشید وفاتش در سال هشتصد و نود هجری و قبرش در

گاه زرگاه است ٠

مولانا شمس الدین ۲۵۷

محمد پای گنبد رح

از علوم ظاهری و باطنی صاحب کمال بوده ٠ عزیزی نقل کرده که بملازمت وی رفتم لطف بسیار نمود و گفت ما را فراموش مکن من متحیر شدم چون یك هفته بگذشت از دنیا رحلت کرده بود و فاتش در سال نهصد و پنج هجری مدفنش در قریه نراشان است ٠

خواجه عبداللطیف الصوفی ۲۵۸

بسیار بزرگوار و عالیقدر بوده و حالات عجیبه و مقامات غریبه داشت و گفت در آوان سلوك روزی مرا میل ماهی شد بجای ماهی فروش رفتم و چند ماهی بریان خریدم و بدکان در شدم دیدم که پیری بغایت با صفا و نورانی نشسته بروی سلام کردم و ماهی را پیش وی نهادم وی جواب سلام مرا باز داد واز سر اشتها تناول کرد من گفتم دیگر میل داری گفت دارم رفتم دیگر

خرید م و آو ر دم و آن را نیز خو رد و گفت ا ی عبد ا للطیف تو ما را خد متی کر د ی بیا تا تر ا خد مت کنم و د ست خو د ر ا بر من زد و خود ر ا ظـا هر کر د حضر ت خضر علیه ا لسلا م بو د ه در قد مش ا فتا دم و بوسه بر پا ی و ی دا دم و ر سید بر من آ نچه ر سید و ا ز ان و قت هر چندر و ز ی بمن ظا هر میشو د د فع مشکلا ت من میکند و فا تش سا ل نهصد و هجد ه هجر ی قبر ش د ر قر یه فر ا شا ن د ر خطیر ۀ مو لا نا شمس ا لدین محمد پا ی گنبد ا ست ٭

۲۵۹ مولانا جلال الدین سعید ابومکی

شیخ ا لمشا یخ حر م محتر م کعبه معظمه بو د و کرا ما ت و مقا ما ت و خوا ر ق عا د ا ت فرا وا ن ا ز ا و ظا هر شد ه و عا بد و عا لم و محدث ز ما نه و یگـا نه عصر و طر یقه بغا یت پسند ید ه د ا شت و فـا تش د ر سا ل نهصد و سی هجر ی وقبر و ی در خیـا با ن درا شر قی ز یا ر ت صو فی علی است ٭

۲۶۰ خواجه محمد شمعان

ا ز مشا یخ عظا م و علما ی کرا م و عا لم بو د ه

علوم ظاهری و باطنی و در زهد و تقوی درجه علیا داشت وفات ایشان در سال چهار صد هجری واقع شد. و قبر ایشان درقریه کورت خواجه قریب شافلان است و زیارت کردن وی جهته مطالب و مقاصد مجرب است.

۲۶۱ خواجه شمس الدین مطهر اوبه

خلف الصدق حضرت شیخ الاسلام و کعبة الانام مرشد الخاص و العام منظور نظر خاص ملك علام احمد جام قدس سره شرح کمالات وی از تعریف و توصیف مستغنی است تاریخ وفات وی معین نشد. و قبرش در قطمیران [۱] ولایت اوبه است.

۲۶۲ خواجه محمد المسجور (رح)

بسیار بزرگ و یگانه عهد بود. مدفن شان در سیوشان بلوك گذاره است و درویش سید عبدالحی که از اولاد غوث اعظم شیخ عبدالقادر جیلانی بود یکی از خلفاءشان است بتربت منور شان درویش عبدالحی خانقاه بس عالی بنا نموده گویند که درویش

[۱] والحال انرا پنج میران نامند.

عبدالحی از آغاز بنای خانقاه تا انجام آن کمر خود را نکشوده ودانه گندم درگریبانش افتاده وسبز شده وخوشه نموده مدفن درویش عبدالحی در قریه سنوگرد است وفوتش در سنه یکهزار وهشت هجری است اما تاریخ فوت شیخ محمد مسجور معلوم نیست همانا که بعد قرن مولانا عبدالرحمن جامی باشد ٭

۲۶۳ خواجه محمد کامل

از متقدمین اولیاء الله بوده اند واز قراری که از نقش لوح سنگ که در بالای سر مبارک ایشان است نسب شریف وی بدین نوع که امیرالمومنین علی ابن امیرالمومنین عبدالله ابن امیرالمومنین عباس رضوان الله تعالی علیهم اجمعین که عم رسول الله صلی الله علیه وسلم بود ولادت باسعادت وی در کوفه در بیست یکم رمضان سنه هفتاد وچهار هجری ورحلت وی بقصبه اوبه در سیزدهم ربیع الاخر سنه یکصد وسی ودوی هجری وقبر وی در اوبه درمحل که اکنون بخواجه کامل مشهور است ولوحی که در پایان پای مبارک ایشان است بعینه مرقوم میگردد تا باعث ازدیاد زائران گردد :

هو الله الباقی

* الحمد الله الذی نعمائه شامل آلائه کامل ذوالقدر و الفضائل و الصلواة و السلام علی نبیهٔ محمد الفارق بین الحق و الباطل اما بعد فهذا تاریخ ابن ابن عم الرسول کمالاته مبرهن بالدلائل المهتدی الهادی العادل امیر المؤمنین محمد الملقب بخواجه کامل ابن الامام الوری و الهدی و التقی امیر المومنین علی ابن ابن عم النبی امیر المؤمنین عبد الله ابن اهل السخا بین الناس امیر المومنین عباس رضوان الله تعالی علیهم اجمعین مولده بکوفه در بیست یک رمضان سنه هفتاد و چهار خلافة به خراسان شانزدهم ذی حجه سنه یکصد و بیست و پنج و رحلة بقصبهٔ او به دوازدهم ربیع الاخر سنه یکصد و سی و دو این رباعی بر سنک مزار ایشان مرقوم است ۰

رباعی

حب کم نیك رای خیر اندیش * پیروی اهل فاقه ودرویش
سال نهصد بد کم از هجرت * کرد احیای قبر آن حضرت
پنجره کرد قبر پیر نهاد * در دو کیتی خداش خیر دهاد

خواجه ابواحمد ابدال ۲۶۴

وی پسر سلطان فرسنافه است که امیر آن ولایت بوده وی را خواهری بود بغایت صالحه شیخ ابواسحق شامی بخانهٔ وی امدی و طعام وی خوردی روزی وی را گفت که برادر ترا فرزندی خواهد بود که وی را شانی عظیم باشد میباید که محافظت حرم برادر خود بکنی تا در ایام حمل چیزی که دران حرمتی وشبهتی باشد نخورد ان ضعیفهٔ صالحه که بموجب فرموده شیخ ابو اسحق بدست خود ریسمان ریشتی و فروختی وما یحتاج حرم برادر خود را مهیا ساختی و در تاریخ سال دو صد و شصت هجری در خلافت معتصم بالله ابو احمد متولد شد همان ضعیفه درخانهٔ خود پرورش می داد گاه گاه که شیخ ابو اسحق بخانهٔ وی آمدی و در آوان صبا که خواجه ابو احمد را بدیدی گفتی زین کودک بوی آن می آید که از وی خاندان عظیم ظاهر گردد و احوال عجیبه و اثار غریبه ازوی مشاهده می افتاد وقتیکه خواجه ابو احمد بسن بیست ساله گی رسیده بود همراه پدر خود سلطان فرسنافه جهة

شکار بکوه رفته بود در اثنای شکار از پدر و اتباع جدا افتاد. بمیان کوه رسید دید که چهل تن از رجال الله بر سر پای سنگ ایستاده اند و شیخ ابو اسحق در میان ایشان است حال بروی بگشت از اسپ فرود آمد و در پای شیخ ابو اسحق شامی افتاد اسپ و سلاح هر چه داشت بگذاشت و پشمینه پوشید و پایشان روان گشت هر چند پدر و اتباع او را طلب کردند نیافتند بعد از چند روز خبر آوردند که وی با شیخ ابو اسحق در فلان موضع از کوها بوده است پدرش جمعی را فرستاد تا وی را آوردند چندانکه پند دادند و بند نهادند از آنچه در آن بود باز نتوانستند آورد گویند که پدرش را خمخانهٔ بود روزی فرصت یافته و در آنجا در آمد و دری آن را محکم به بست و خمخانه را فرو کوفت پدرش را آگاه کردند ببام بر آمد و از غایت غضب سنگی بزرگی را بر داشت که از بالای بام بروی اند از د روزنهٔ فرا هم امد و سنگ را فرا گرفت سنگ در هوا معلق بایستاد چون پدرش این حال را مشاهده کرد بر دست وی توبه کرد و از وی مثال این کرامات و خوارق عادات نه چندان ظاهر شده است که بتفصیل بیان

توان کرد وفات ایشان در سال سه صد و پنجاه و پنج
هجری و قبر وی در چشت است .

خواجه محمد

بن ابی احمد ابدال چشتی

وی بعد از وفات پدر خود قایم مقام وی شده به
موجب فرموده پدر از بیست و چهار ساله گی بیش
تحصیل علوم دین و معارف یقین کرده بود و زهد و
ورع تمام داشت و از دنیا و اهل ان بغایت
مجتنب بوده همواره بز هد و ترك دنیا تحریض می
نمود و می گفت چون اول و آخر ترك دنیا است خود
را از غرور نگاه می باید داشت سلطان محمود سبکتگین
بغزوه (۱) سؤمنات رفته بود و خواجه را در واقعه
نموده اند که بمدد گاری میباید رفت در سن هفتاد ساله
گی با درویشان متوجه شد و چون آنجا رسید به نفس
مبارك خود با مشرکان و عبده اصنام جهاد نمود روزی

(۱) سؤمنات بتی بود معبود هنود در هندوستان که
آن شهر را بنام ان بت میگویند بهندی بمعنی ماهی خدا
سلطان محمود ان شهر را بغلبه از هنودان گرفت وسؤمنات
را شکست [رخ] .

مشرکان غلبه کردند و لشکر اسلام پناه به بیشهٔ آوردند نزدیك بود که لشکر اسلام شکست خورند خواجه را در چشت مریدی بود آسیابان محمد کاکو نام خواجه آواز داد که کاکو دریاب در حال اسیابان رادیدند که اضطراب میکرد و لکلکهٔ آسیا را بدرود یوار میزد و محار به مینمود تا لشکر اسلام قوت یافت و کافران رو بهزیمت کردند در همان وقت محمد کاکو را در چشت دیده بودند که ده مردهٔ آسیا را بردرود یوار می زند از وی سبب پرسیده بودند همین قصه را گفته اند•

استاد مردان ۲۶۶

از قصبهٔ سنجان خاف (۱) بوده واز مریدان خواجه محمد چشتی است وسالها کلوخ استنجا و آب وضوء ویرا مهیا میداشت روزی که او را بمراجعت وطن امر نمودند بگریست و گفت من طاقت مفارقت ندارم خواجه کرم نمود و گفت هر وقت که ترا آرزوی دیدار ما بوده باشد حجاب های جسمانی ومسافت های مکانی مرتفع میگردد وما را در آنجا به بینی

(۱) سنجان معرب سنگان است وآن قریه ایست در خواف نزدیك براباد •

و همچنان بوده دائماً استاد میگفت که من از سنجان چشت را می بینم وفات ایشان در سال چهار صد و یازده هجریست و قبر وی در چشت است •

خواجه یوسف ۲۶۷

بن محمد سمعان

وی خواهرزادهٔ خواجه محمد بن ابی احمد چشتی است و مرید تربیت یافتهٔ وی خواجه محمد شصت پنجسال متاهل نشده بود همشیرهٔ داشت که خدمت وی میکرد و خوردن و پوشیدن از دست رشتهٔ وی بودی و از سبب خدمت برادر خود میل تزوج نداشت و به طاعت و عبادت خدایتعالی مشغول بودند شبی حضرت خواجه محمد خواجه احمد را در خواب دیدند که فرمودند در ولایت شا فلان مرد یست محمد سمعان نام تحصیل علوم کرده و صالح است خواهر خود را باو عقد کن خواجه او را طلب داشته همشیرهٔ را باو عقد کرد و خواجه یوسف در چشت از ایشان متولد شد خواجه محمد بعد از شصت و پنجسال متاهل شده بود اما وی را پسر بزرگ نرسید خواجه یوسف را به منزلهٔ فرزند می پرورید و تربیت میکرد و بتحصیل

علوم و سلوک راه خدا یتعالی دلالات مینمود بعد از وفات وی قایم مقام شان شد خواجه یوسف را بعد از پنجاه ساله گی میل انزوا و انقطاع پیداشد خواست نزدیک مزار خواجه مکی که بسیار بزرگ بوده وشیخ ابو اسحق شامی زیارت ایشان بسیار میکرد چله خانهٔ در زمین بکند باشارت هاتفی غیبی ان موضع را که حالا چله خانه است اختیار کرده چون کلند و بیل آورند زمین بغایت محکم بود چنانکه هیچکس نتوانست بکند خواجه کلند بر داشت و بدست خود از چاشتگاه تانماز پیشین آنرا با تمام رسانیده و مدتی دوازده سال در آنجا بسر برد و چندان سکر و وحشت و ولوله و حیرت بروی غالب شده بود که گاه بودی که خادم آب وضوء بردست وی ریختی درا ثناء وضوا ازخود غائب شدی و یکساعت یا بیش غائب بماندی و باز حاضر شدی و وضورا با تمام رسانیدی در آن وقت که شیخ الاسلام ابو اسمعیل خواجه عبدالله انصاری قدس سره بمزارات چشت رسیده بود باوی ملاقات کرده بود وبعد از معاودت بهرات استحسان وی کرده وفات ایشان در سال چهار صد و پنجاه و نه هجری است و مدت عمر هشتاد وچهار سال بوده ودر وقت

رحلت خواجه قطب الدین مودود پسر کلان خودرا قائمقام خود ساخت و قبر ایشان در چشت است .

خواجه مودود چشتی ۲۶۱

در سن هفت سالگی تمام قرآن را با ظاهر معنی آن حفظ کرده بود و بتحصیل علوم اشتغال میداشت چون بسن بیست سالگی رسید والد بزرگوار وی خواجه یوسف رحلت نموده بود و وی را بجای خود بنشانده بود و بخصال حمیده موصوف بود و با فعال پسندیده معروف و مردم آن ولایت همه در مقام اعتقاد و محبة وانقیاد و ارادت وی بودند و توفیق شرف صحبت و دولت تربیت حضرت شیخ الاسلام احمد جام قدس سره نیز یافته در انوقت که حضرت شیخ الاسلام از جام بهرات تشریف آورده بودند و خاص و عام مشاهده کرامات و مقامات و خوارق عادات از ایشان می نمودند و خواجه با مریدان خود سواره و پیاده به هرات آمده که شیخ الاسلام را از هرات بیرون کند بعد از ان که کرامات را مشاهده نمود در حینی که دو هزار سواره همراه داشت پیاده شده و بوسه بر پای شیخ الاسلام احمد الجامی داده شیخ دست

بر پشت وی میزد و میگفت کار ولایت چون میبینی که ولایت مردان سلاح وحشم نباشد برو وسوار شو توکودکی و نمیدانی که چه میکنی وچه میگوئی ودر نفحات الانس مذکور است که بعد از مقدمات شیخ الاسلام فرمود که مردم را مرخص کن و دو خادم با خود نگاهدار وسه روز توقف کن خواجه چنان کرد شیخ اسلام فرمود که مصلا بر طاق نه وبرو علم بیاموز که زاهد بی علم مسخره شیطان است گفته قبول کردم دیگر چه فرمائی فرمود که چون تو از تحصیل فارغ شوی احیای خاندان کن که آبا و اجداد تو مردم بزرگ بوده اند وصاحب کرامات حضرة خواجه مودود فرمود مرا احیای خاندان میفرمائید هم شما بر وجه تیمن وتبرك مرا اجلاس فرمائید شیخ الاسلام فرمود پیشتر آی خواجه آمد ودست وی را بگرفت وبر کنار چار بالش خود بنشاند و صد نوبت گفت بشرط علم پس سه روز در خدمت شیخ الاسلام بود وفواید گرفت ونوازش یافت وباز گشت و بعد از آن باندك فرصتی بجهته تحصیل علوم وتکمیل معارف بجانب بلخ وبخارا تشریف برده ومدتی چهار سال بقدر وسع و امکان در آن

یا ب اجتهاد نمود و دران دیار هر جا آیات غریبه و کرامات عجیبه که تفصیل آن باعث تطویل است به ظهور رسیده است و بعد ازان بچشت مراجعت نمودند و به تربیت مریدان و مستفیدان مشغول شده و از اطراف طالبان روی ارادت بخدمت و صحبت وی اوردند وفات ایشان در سال پنجصد و بیست و پنج هجری و قبر وی درچشت است ●

شاه سنجان ۲۶۹

نام ایشان محمود است و لقب رکن الدین ازده (۱) سنجان خاف بوده ومرید خواجه مودود چشتی است و گویند در مدت که بچشت اقامت مینمود هرگز در چشت نقض طهارت نکرده چون خواستی که طهارت کند سوار شدی واز چشت بیرون رفتی و طهارت ساختی و مراجعت نمودی و میفرمود که مزارچشت مقامی مبارک و منزل متبرک است روا نباشد که انجا بی ادبی کنند و گویند که پیشتر وی را خواجه سنجان میگفتند و خواجه مودود وی را شاه سنجان لقب نهاد و همیشه به آن می نازید ومفاخرت

(۱) معرب سنگان است ●

می کرد وفات ایشان در سال پنجصد و نود و هفت هجری و قبر ایشان در چشت است و ذکر ایشان در کتب مشایخ مذکوراست ٠

خواجه احمد [رح] ۲۷

بن خواجه مودود چشتی رح

وی بسیار بزرگ بوده و بعد از وفات پدر بمقام وی نشست و مقبول همه طوایف بوده و بر کافهٔ انام شفقت عام و مروت تمام داشت و گویند که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم را در خواب دید فرمودند که ای احمد اگر تو مشتاق ما نیستی ما مشتاق تو ایم چون بیامد اد شد سه یار موافق اختیار کرد و مجهول وار چنانکه کسی وی را نشناسد بزیارت حرمین الشریفین زادهما الله شرفاً و تکریماً متوجه شد ٠ چون اقامت ارکان و شرایط حج کرد بحرم محترم مدینهٔ مقدسهٔ منورهٔ معطرهٔ مشرفهٔ مصطفویه علی صاحبها الصلوات و التسلیمات و التحیات توجه نمود و مدتی شش ماه مجاورت کرده گویند که مداومت و مواظبت وی بر مجاورت خادمان حرم را گران آمد خواستند که وی را برنجانند از روضهٔ مقدسهٔ

مشرفهٔ معطرهٔ رزقنی الله زیارتها آواز امد چنان
چه همه حاضران شنیدند که وی را امر انجا نیدکه از
مشتاقان ماست و بعد از مراجعت مدینهٔ منوره به
بغداد رسید در خانقاه حضرت شیخ شهاب الدین
سهروردی قدس سرهٔ فرود امد و شیخ وی را تعظیم
و احترام نمود و خلیفهٔ بغداد بنا بر خوابیکه دیده
بود وی را طلبیده وظایف اکرام واحترام بجای
اوورد وی خلیفه را نصایح جایگیر و مواعظ دل
پذیر گفت و همه در محل قبول افتاد فتوحی که اورد
بجهة استمالت خاطر خلیفه ازان محقری بر داشت وچون
بیرون رفت به فقرا و مساکین قسمت کرد و بخراسان
توجه نمود و فات وی در سال پنچصد و نود و هفت
هجری و قبر ایشان در چشت است •

شیخ احمد چشتی ۲۷

غیر ابو احمد ابدال است زیرا که وی متقدم است
و شیخ الاسلام وی را ندیده بود وغیر خواجه ابو
احمد مودود است زیرا که وی متاخر است و شیخ الاسلام
گفت من هیجکس را ندیده ام قوی تر در طریق ملامت
و تمامتر از احمد چشتی و چشتیان همه چنان بودند

از خلق بی باك و درباطن ساذات جهان و وی سه بار در بادیه رفته بود وباز گشته كه از خود در آن اخلاص تمام ندیده بود و همه احوال ایشان با خلاص و ترك ریا بود حضرت شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری قدس سره گفت كه احمد چشتی بزرگ بود و مرا تعظیم داشتی وحرمت كردی كه هیچ كس را نكردی و پیش تركسی كه موی خود را در پای من میمالید وی بود تاریخ وفات وی معلوم نشد. وقبر وی درچشت است [رح].

۲۴۳

خواجه اسماعیل [رح]

برادر خواجه احمد چشتی است شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری قدس سره گفت كه من هیچ كس را ندیده ام بفراست چون برادری احمد چشتی وی خدمت من كردی و مرا تعظیم تمام كردی من در قهندز مجلس میكردم واز مجلسیان من كسی بود كه باوی محبت داشت و سخنان من را بوی باز میگفت كه این دانشمند شما ازكوی ماست خداداند كه از سخنان وی در سر من چیست یعنی از طمع سخن او و مرا مایه است پس ازان مرا دعوت كرد و همه دنیائی خود

بر من پاشید تاریخ وفات وی معلوم نشده و قبر وی در چشت است .

خواجه حاجی مکی ۲۷۳

اصلش از مکه معظمه بود و حضرت شیخ ابواسحق شامی زیارت وی بسیار میکرده و مشایخ و بزرگان چشت زیارت وی نموده اند و از قدماء اولیاء الله و اکابر این طائفه بود و خواجه یوسف والد خواجه مودود در جوار مزار وی چله خانه بیاشارت ها تف غیبی کنده است و در آنجا اربعینات نشسته و فتوحات یافته تاریخ وفات وی معلوم نشده و قبر وی در چشت است .

شیخ ابن یمین کوسوی ۲۷۴

زبدة السالکین وعمدة الواصلین صاحب الوجد والتمکین از خلفای برگزیده و مقتدای این طائفه صوفیه بود بخلوات و اربعینات نشسته و ریاضت شاقه کشیده و کرامات مشهور و خوارق عادات معروف از وی بظهور رسیده و مدتی مدیدی در شهر هرات پیشوای و مقتدای خلق بوده و مرقد

مبارکش در قریه سینان است در غربی شهر هرات ۰ ۲۷۵

مقری درویش احمد صوفیانی

وی خافی الاصل بوده و در قریه صوفیان هرات بوده سالك طریقت ناظر حقیقت و مخصوص بواردات غیبی و از اصحاب پسندیده و خلفای بر گزیده حضرت شیخ ابن یمین کوسوی است و کرامات بسیار ازوی بظهور رسیده روزی بعد از فراغ اوراد فرمود که دوش در واقعه صحن عظیم مفروش بنظر در آمده ناگاه شخص جمله فروش را در نوردیده و جمع نمود و شخصی دیگر همین صحن را بفروش ملوکانه مفروش نموده تعبیر این واقعه چنان بخواطرمیرسد که این فرش تعلق بپادشاه عصر دارد و دولت وی درنوردیده شد و فرش دویم اشارة بآنست که پادشاه نو بعرصه ظهور در آید چون چند روز ازین واقعه گذشت اخبار متواتر شد که پادشاه عصر رحلت نموده برهم زدهگی بسیار شد تا آنکه ملك بپادشاه دیگر قرار گرفت ودر تاریخ هزار و هشت هجری ازین سراچه فانی رحلت نمود

مرقد وی در قریه صوفیان است و بعد از وفات وی ملا محی باغدشتی در هرات خلیفه وی شد •

شیخ شاه محمود کاریزکی ۲۷۶

از اصحاب شیخ درویش محمد داشکر بوده و مدتی در هرات بخلوت وانزواء وعزلت بسر برده وزاهد متورع وعالم بوده طاعات و عبادات بسیار بجا می آورده و مردم هرات اورا بسیار مخلص و معتقد بوده اند و احیای سلسله شریف میکنند چون صحبت شریف ایشان دست دهد از مغتنمات است • اللهم متع المسلمین بطول حیاته • از بعضی اعزه استماع افتاده که بعضی اعمال که بضبط و ربط محصول هرات معین بودند بمزرعه که مولانا شاه محمود دخل داشته اند دعوی و منازعه انداخت و لکدی بر پشت حضرة شیخ زده از وی آزرده خواطر گشت دیگر روز آن عامل از پشت اسب بیفتاد و گردنش بشکست و وفاة وی در غره ذالحجه سال هشتصد و هفتاد و سه هجری و قبر وی در محله باغدشت است •

ملامیرزا انکری ۲۷۷

وی نیز از خلفای شیخ درویش محمد داشکر بوده است و مدتی در شهر هرات بخلوت وعزلت بسر می برده وزاهد ومتورع بوده و طاعات وعبادات بسیار بجامی آورد ومردم هرات آنرا عزیز داشتند ومخلص ومعتقد بوده اند وفات وی در سال نهصد ونزده هجری است وقبر وی در قبله مزار شیخ محمود است در قریه باغدشت ٭

ملایحیی باغدشتی [رح] ۲۷۸

وی مرید مقرب درویش احمد صوفیانی است و بعداز وی جانشین وخلیفه وی بوده ومدت بیست سال بعدازوی بارشاد طالبان قیام مینموده ودر سال هزار وبیست وهشت هجری از جهان فانی وداع کرده وبسرای جاودانی خرامید وقبرش در محله باغدشت در مزار شیخ محمودشاه است وعزیزی تاریخ وفاتش را بنظم گفته !

نظم

شیخ محی قدوهٔ اهل یقین ☆ زاهد خوش صحبت نیکو سرشت
بود مست حق چنان کان خود نبود ☆ بیمی ازدوزخ امیدی ازبهشت
کاشتی درمزرع دل تخم ذکر ☆ درجهان این بود اوراکار وکشت
باغدشت ازفیض او پر نور بود ☆ حالیا گردید دشت خوشك وزشت
ذکرحق چون بود وردش کلك فهم ☆ ذکرحق تاریخ فوتش را نوشت
۱۰۲۸

میرشمس الدین خیاط ۲۷۹

مشهور بمیر قناد از سادات عظام وزهاد کرام بوده بزیارت بیت الله حرام وروضهٔ منورهٔ حضرت سید الانام علیه الصلوات والسلام مشرف شده وفاتش در شب پنج شنبه بیست پنجم محرم الحرام سال هشتصد وهشتاد ونه هجری وقبرش در محلهٔ باغدشت ودرجانب جنوب مزار وی مسجدیست در کنار جوی انجیل •

مولانا محمد مقیم ۲۸۰

ازاولاد شیخ شاه محمود است ومدتی در هوا دشتك برجادهٔ شیخوخیت مستقیم بوده وطریق اجداد کرام را بجا می آورده زاهد وعابد بوده تاریخ

وفات وی معین نشده و قبرش در هواد شتك است و حالا بدو شیخ بزوانه مشهور است .

۲۸۱ شیخ فضل الله سروستانی

عابد و زاهد و مقبول اهل و از اصحاب و خلفای شیخ ابن یمین است خوافی الاصل بوده و در هرات ساکن شده در تقوی و ورع بی نظیر بوده علی الدوام بمراقبة و بذکر مشغولی داشت و بمقامات بلند و کراماة ارجمند رسیده تاریخ وفات وی محقق نشده و مرقد وی در قریه سروستان است .

امیر صدرالدین صوفیانی ۲۸۲

در بلده هرات مدتی بریاضت و مجاهدت مشغول بوده صاحب تقوی و ورع بوده تاریخ وفات وی محقق نشده و قبر وی در خیابان است .

۲۸۳ میر محمود [میرمحسن] سروستانی

بسیار متواضع و متخشع و بعبادت و ریاضت مشغول بوده و تاریخ وفات وی معلوم نشده و قبرش در سروستان است .

مقری علی زاهد ۲۸۴

۱۲۱

موصوف باوصاف جلی و خفی تربیت یافته شیخ محمد داشگر و بغایت متدین و متورع بوده و ریاضت و مجاهدت کشیده و بزیارت بیت الحرام مشرف شده و زیارت حضرت سید الانام صلی الله علیه وسلم را نموده تاریخ وفات وی معلوم نشده وقبرش در قریه ملاسیان است بر کنار راه مزار حضرت خواجه ابو الولید قدس سره است ٭

ملامومن ۲۸۵

۱۲۱

ملا سیانی رح

مدتی در جاده شیخوخیت مستقیم و جماعت مریدان را در خلوت وعزلت امر میفرمودند افاده واستفاده رسانیده وتاریخ وفات وی معلوم نشده و قبرش در ملاسیان است ٭

میرزامظفر ۲۸۶

ملاسیانی رح

داماد ملا مومن رقایم مقام وی بوده باعث

جمعیت درویشان و خلوت وار بعین ایشان و قبرش درملا سیان است .

مزار شهداء ۲۸۷

در اندرون شهر هرات در شمال مسجد شیر اسدان است مسجدیست متبرك در دیوار آن مسجد شهداء مدفونند و خلایق بزیارت آنجا میروند و فیض می یابند .

شیخ ترك قتال ۲۸۸

وی از اصحاب سید عبد الله مختار است و قبرش درهمانجا است .

امیر جعفر شمعانی ۲۸۹

یگانه روزگار مخصوص بواردات الملك الجبار صاحب مقامات الانوار سیدنا امیر جعفر روح الله روحه عابد و زاهد روزگار خود بوده وآن مقدار ریاضت ومجاهدت که ازوی بظهور رسیده از مشایخ متاخرین از کسی بظهور نرسده درابتداء ربقه ارادت خال خود ملا میرزای لنگری که از جمله اصحاب پسندیده

شیخ المشایخ شیخ درویش محمد دا شکر بوده اند نموده
و حضرت شیخ صبیه عفیفه خود را بعقد منا کحت وی در
آورد ند نقل است دران شب که عقد منا کحت واقع
شده حضرت شیخ که خال وی بوده اند حضرت رسول
الله صلی الله علیه و سلم را در خواب دیده اند که بغایت
مسرور بوده اند و یقین شد که ابتهاج و سرور آن
حضرت جهة این وصلت بوده. نسب شریف وی بسادات
عظام که در قریه شمعان هرات اند میرسد و بحضرت
مولانا مقیم که از اعزه وقت و بسلسله علیه حضرت
خواجگان نقشبندیه بوده اند رابطه مودت و اتحاد
تمام داشته و بزیارت حرمین شریفین رسیده اند و
بعد از مراجعت چند وقت در مسجد زیارتگاه ریاضت
شاقه کشیده اند و از وی کرامات فراوان بظهور
رسیده چون مریض شده ایشان را بمحل ایشان
آورده وفات نمود مدفن ایشان در قریه شمعان
است مشهور است که در آخر سخن دنیوی نمیگفته
خاموش بوده اند روزی مولانا محمد حسین سیاوشانی که از اعزه وقت بوده اند التماس سخن
کرده بعد از مدت سر بر آورده گفتند!

بیت

هرگز نفسی بی رخ آن ماه نباشم ☆ ترسم که نگاهی کند آگاه نباشم

و دیگر هیچ نگفتند ملا محمد حسین را تاثیر عظیم کرده بیرون رفت وفات وی در سنه هزار و بیست و هشت هجری واقع شده تاریخ وفات شانرا استادی چنین بنظم آورده است!

قطعه

قدوة الاولیا فی الافاق ☆ میر جعفر چو سوی عقبا رفت

غلغل افتاد در ملائك عرش ☆ که ولی خدا ز دنیا رفت

بهر تاریخ فوت او گفتند ☆ قدوة الاولیا بعقبی رفت

۲۹۰ باباعلیشاه مجذوب

از ابدالان زمان خود بوده امورات غریبه و حالات عجیبه از وی بسیار نقل میکنند ازان جمله آن است که در آوان سلوك جذبه بایشان رسیده بود و در ان حالت آلت رجولیت خود را بر سنگی نهاده و سنگی دیگر برداشته و بران چندان زده که ریشه ریشه شده و بعد ازان آنرا شانه میکرده یقین تا آدمی را موهبت عالی از عالم بالا نرسد طاقت چنین مشقت نخواهد آورد روزی سلطان حسین میرزا را بر تخت دیده که از درب

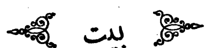
فیروز آباد بیرون میاورند پرسید که این چه مرغ است که در قفس کرده اند حاضران گفتند که این پادشاه عصر است سلطان حسین میرزا جواب داد که مگر شاه رخ میرزا مرده است که پادشاهی بدو رسیده است وازین سخن چنین معلوم میشود که بابا از زمان میرزا شاه رخ تا ایام سلطنت سلطان حسین میرزا دراستغراق بوده واز گردش اطوار سلطنت خبری نداشته ونیز آورده اند که روزی حضرت مولانا عبد الرحمن جامی قدس سره وشیخ الاسلام هرات و چند نفر دیگر از علماء در مجلس بابا حاضر شدند وقت نماز بابا بقصد امامت پیش رفته این بیت را خوانده ٭

بیت

ای پری گرمی پری بربام قصر آن پری ٭ نامۀ خود را بدست میدهم آنجا بری

و احرام نماز بسته مولانا عبد الرحمن جامی بی توقف اقتداء کرده و شیخ الاسلام اقتدا نکرده و لیکن می گفته که از نمازهای مدت عمر خود آن قدر امید ندارم که ازین دو رکعت نماز و لیکن رعایت ظاهر شریعت پسندیده تر است و در جای دیگر نقل کرده اند که روزی وقت نماز شام حضرت بابا بر دری مسجدی ایستاده بودند و حضرت مولانا عبد الرحمن جامی

و شیخ الاسلام هرات رسیدند آنها گفتند ای دیوانه نماز میگذاری گفت نماز میگذارم آن ها هر سه در مسجد درآمدند و بابا بقصد نماز پیش شده گفت نیت کرده که بگذارم سه رکعت نماز عاشقانهٔ عارفانه الله اکبر و بعد از فاتحه این بیت را خواند .



بیت

هیچ میدانی چه کردی بردل افکار من * روی بنمودی وشد آتش پرستی کار من

و در رکعت دوم بعد از فاتحه این ابیات را خوانده .



بیت

ای کبوتر گر پری بربام قصر آن پری * نامهٔ خودمیکنم بر گردنت انجا بری

شیخ الاسلام قطع نماز کرده وحضرت مولانا عبدالرحمن جامی قدس سره بعد از نماز به شیخ الاسلام فرمود نمازی که در تمام عمر مقبول درگاه بود از دست دادی تاریخ وفات وی تحقیق نشده و قبر وی در کنار کار اباد قریب محلهٔ ساربان ها ودر شرقی مزاروی چشمه ایست .

مولانا عبدالله هاتفی ۱۹۱

خواهرزاده حضرت مولانا عبدالرحمن جامی است عالم وعامل بوده ودر نظم مثنوی ازسائر شعرای زمان خود گوی سبقت ربوده و از جملهٔ تصانیف آن مثنوی لیلی و مجنون است

ودیوان غزل نیز دارد نقل است که در انشاء نظم لیلی و مجنون از حضرت مولانا عبد الرحمن جامی قدس سره استیذان نمود حضرت مولانا ویرا بجواب گفتن قطعه مشهوره حکیم فردوسی علیه رحمه امتحان فرمود قطعه فردوسی اینست !

قطعه

درختی که تلخ است ویرا سرشت ☆ گرش در نشانی بباغ بهشت
ور از جوی خلدش بهنگام آب ☆ به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
سرانجام میوه چو بار آورد ☆ همان میوه تلخ بار آورد

جواب مولانا هاتفی :

گر از بیضه زاغ ظلمت سرشت ☆ نهی زیر طاوس باغ بهشت
بهنگام آن بیضه پروردنش ☆ ز انجیر جنت دهی ارزنش
دهد آبش از چشمه سلسبیل ☆ دران بیضه دم در دهد جبرئیل
شود عاقبت بیضه زاغ زاغ ☆ کشد رنج بیهوده طاوس باغ

چون قطعه را بنظر مبارك حضرت شان رسانیده فرمودند اگرچه در همه بیت یك بیضه نهاده اما گفتن لیلی و مجنون ترا اجازتست ، و فاتش در سال نهصد و بیست و هفت هجری و قبر وی در پایان پای مولانا سعد الدین کاشغری است و تاریخ وفات آنرا عزیزی چنین گفته !

تاریخ فوة او طلبیدم زعقل وگفت ☆ از شاعرشها ن وشهی شاعران طلب

مولانا حمید الدین ۲۹۲

☆ ولد مولانا شمس الدین محمدتباد کانی رح ☆

سالها بافاده واستفاده اشتغال داشت وفاتش درسال نهصد و هفده هجری وقبرش در جوار قبر والدش درخیابان است .

سید محمد شهری ۲۹۳

در باغ مراد نزدیك حوض آسوده است واز سادات عظام وصاحب کرامات ومقامات بوده .

شیخ یحیی بخاری ۲۹۴

از واصلان وکاملان بوده وریاضت شاقه کشیده واز ابدالان زمان خود بوده ودر پایان چشمه کازرگاه آسوده است ودر نزدیك مقبره او غاریست که آنجا چندین بزرگان بسر برده اند وده کس از بزرگان نزدیك هر قدوی مدفونند .

مقبرهٔ سنگ چل ۲۹۵

مشهور بخواجه عبد الله سنگ چل و خواجه کباب پزدر راه پای کوه قریب تخت سفر و مقبره ایشان سنگ چل است صاحب کرامات بوده اند ٭

خواجه محمد خباز ۲۹۶

از بزرگان صاحب کرامات بوده اندو مولانا معین الدین سبزواری در کتاب خود تعریف ایشانرا نموده و در سر چارراه گازرگاه آسوده اند ٭

خواجه محمد خلوتی ۲۹۷

در سر پل گازرگاه مدفون است گویند که از جمله کرامات او حوضی است که بی گل پوشیده اند ٭

شیخ شبگیر ۲۹۸

از ابدان زمان خود بوده و در سر چارراه گازرگاه آسوده اند ٭

شیخ نجم الدین ۲۹۹

درسر زینه گازرگاه درتخت تنها مدفوننـد صاحب کرامات وازابدالان زمان خود بوده وجدایشان نیز شیخ نجم الدین نام داشته وقبر ایشان درکـنار راه گازرگاه است نزدیك براه ملا اشرف قاضی رحمة الله تعالی علیهم اجمعین •

خواجه سیاه پوش ۳۰۰

از پیران طبقات معدود گشته وکرامـات او در میـان اهل هرات شهرت یافته مدفنش هم در قریهٔ شمعان است •

شیر سرخ ۳۰۱

از اربـاب وجد وحال بـوده قبرش درغوران گذاره است •

ذکر مولانا درویش احمد سمرقندی ۳۰۲

وی نیز ازاصحـاب ومریدان کار کردهٔ شیخ الاسلام

و المسلمین شیخ زین الملة و الدین الخوافی است
و عالم بعلوم ظاهری و باطنی بوده و در توحید و
عرفان یگانهٔ دوران بود و سر دفتر کاملان زمان
وی پیش از سفر خراسان و عراق و حجاز در ماوراء
النهر بصحبت حضرت قطب الاقطاب خواجه علاء الدین
عطار قدس سره رسیده بود و بعد ازان در خطهٔ شام
در خدمت مولانا شمس الدین محمد سیرین که از
کبار مشایخ آنجا بوده اند بسر میبرده اند اما هیچ یك
را تسلیم نشده بود تا آنکه مولانا شمس الدین
حیات را سپرده بعد مولانا درویش احمد در طلب
درویش و مرشد کامل بگرد عالم سرگردان شد در هر
ولایت و دیار که میرسید طلب درویشان بزرگ میکرد وهرکه رامیدید
ازوی بهتر می طلبید تاآنکه بخطه روم رسیدوازمردم آنجااحوال اهل
دل پرسید گفتند که در مسجد جامع ما زنگی مجذوب است
و باهیچکس سخن نمیکند در هفته یك نوبت طعام اندك می
خورد و شب و روز آنجا میباشد درویش احمد بآن
مسجد رفت دید که زنگی سر برهنه بروی فرش خشته
پخته رو بقبله افتاده پیش او رفت و باادب تمام بایستاد
بعد از زمانی زنگی سر برداشت وگفت ای درویش
احمد آنکس که تو میخواهی در خراسان درولایت

خاف در قریهٔ برابادمی یابی و مراد ازان حضرت شیخ زین الدین را داشت این بگفت و سرد ر کشید و خاموش شد فی الحال درویش احمد ازانجا متوجه خراسان شد چون؛ بقریهٔ برآباد رسید وقت نماز پیشین بود خدمت شیخ در مسجد تشریف داشته بودند باآنجا رفته نماز جماعت بگذارد و بعد از فراق نماز بر خواست و بر حضرت شیخ زین الدین قدس سره سلام کرد بعد از جواب سلام فرمودند که ای درویش احمد دررو م آن زنگی مجذوب چه گفت درویش احمد قدس سره گفت مصرع (ندیدم درجهان مردی که باشد همچنین کامل) فی الحال پیش رفت ودر قید ارادتش در آمد وبکار مشغول شد و بیمن همت وحسن تربیت شیخ بدرجات بلند و مقامات ارجمند و مرتبهٔ کمال رسید وکرامات وخوارق عادات مثل احیای اموات و اماتت احیا ازوی منقول است قال العبد المفتقر الی الله الغنی احمد ابن جلال الدین السمرقندی ایده الله تعالی که در اربعین میلاد که اختیار و خاصهٔ شیخ کامل مکمل شیخ الاسلام و المسلمین شیخ زین الملة والدین شیخ زین الدین الخوافی است دام الله تعالی ظل الارشاد درخلوت درویش آباد بودم درشب دوم ازخلوت حضرت

رسالت پناه صلی الله علیه و سلم دیده شد جامهٔ سفید در بر و موی ها بغایت سیاه و با فته و عصا بدست زنبیل بگردن من نهادند وسه بار در باز ار فیروز آباد که در شهر هرات است شیئاً لله میگفتم و میر فتم وفرمودند که حلال ترین لقمه ها درین زمان همین است و درین حال جمعی که در گرد حضرت علیه الصلوات والسلام بودند زنبیل مرا پر گهر کردند و باز بحضرت نبی علیه الصلواة والسلام ملاقات افتاد فرمودند که فصوص را درس بگوئی و فرمود که خاك زیاو تگاه به از مال دنیا قبرش در شرق تخت آستانه در شمال جوی بر دست راست راه چون به گزرگاه روند به پل نزدیك استه

ذکر مولانازاده ۳۰۳

وی از اصحاب و مریدان مولانا سراج الملة والدین است وعالم بود بعلوم ظاهری و باطنی بودند و در زهد و صلاح و تقوی نظیر خود نداشتند واز وی کرامات فراوان منقول است وفاتش در سال هشتصد بیست و چهار است قبرش در تخت مزار حضرت شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین الدین الخوافی است و بسیار بزرگ بوده [رح] ٠

ذکر شیخ زین الملة والدین

اسفرغابادی [رح] ۳۰۲

وی نیز از مریدان حضرت مخدومی اند و پیوسته دو کازرگاه در خانقاه والد بزرگوار خود مولانا شمس الدین محمد اسفرغابادی بسر میبرده و بذکر و فکر و تلاوت و عبادت میکذرانیده و در آخر حیات به شهر تشریف آورده و در خانقاه شیخ صوفی علی بوده و اهالی شهر بصحبت وی میرفتند و تبرک میجستند روزی با جماعتی قصد زیارت وی کردم در راه یکی از ایشان گفت اگر درویش رابعد از انابت احتیاج به توبه شود خود توبه کند یا باز؛ بدست شیخ خود توبه باید کرد چون بخدمت وی رسیدم آن شخص را مخاطب کرده فرمود اگر درویش گناه از و صادر شود احتیاج نیست که آن را اظهار نماید و باز بر دست شیخ، توبه کند باید که بخود در خفیه توبه کند و آن را پوشیده دارد و دیگر گرد آن نگردد و امثال این حکایت بسیار است که از وی واقع میشد وفاتش در سال نهصد و سی و دو است قبر وی در کازرگاه در جنب قبر والد وی که

است .

ذکر مولانا حاجی ابراهیم ۳۰۵

عالم بعلوم ظاهری و باطنی بود وعارف و موحد و حاجی الحرمین الشرفین بود و کرامات فراوان ازان منقول است و بغایت خلق نیکو داشت شمایل ملیح وزبان فصیح داشت وسفر بسیار کرده بود و لقمهٔ ارباب دنیا کم تناول کرده و ازکد یمین معاش میگذرانیده و بشرهٔ بغایت نورانی داشت چنانچه هرگاه این فقیر حقیر بی بضاعت راغم یا حزن روی دادی قصد ملازمتش میکردم چون چشم من در روی مبارک وی می افتاد فی الحال آن غم بشادی و آن پریشانی بجمعیت مبدل میشد واین معنی از مجربات بود و فاتش درسال نهصد بیست هشته و قبرش درمقبرهٔ مخدومی تاباد کانی است .

ذکر شاه خورد (رح) ۳۰۶

بغایت بزرگوار بود وکرامات و مقامات داشته پیوسته بادشاه مرحوم ابو سعید سلطان بصحبت وی می رفته و مقبرهٔ مذکور درشمال عیدگاه است .

حضرت شیخ کمال الدین حسن (رح) ۳۰۷

علامهٔ زمانهٔ بود و بسیار دانشمندان از دامن او بر خواسته اند و فاتش در سال هشتصد و هشتاد و هشت از هجرت است قبرش در شمال عیدگاه است •

ذکر مولانا شمس الدین محمد (رح) ۳۰۸

شیخ الاسلام و افضل الزهاد و مرشد الانام مولانا شمس الدین محمد ابن حاجی ابل بعلم و زهد و تقوی و فتوی از اقران امتیاز داشت و پیوسته اهل هرات را تزهد مینمودند و دراصل از سنوجرد (۱) بود از بلوک کذاره پیوسته اهالی هر مملکت از خاص وعام دران تردد میکردند و بدعای او تبرک می جستند وعلم ظاهر و باطن ایشان به تعریف ؛ آراسته وعمرش هشتاد رسیده مدفنش در قریهٔ سنوجرد سال فوت وی سنهٔ ثمان واربعین و ثمان مائه •

ذکر باباحسین ترک (رح) ۳۰۹

در اول سپاهی بود و ظلم و تعدی میکرد نوبت به

---

(۱) سنوجرد معرب سنوکرد قریهٔ ایست در هرات •

تحصیل مقدار مثال بطوس رفته اخی محمود طوسی اورا
سیاست فرمود چون بهرات آمد اسپ و سلاح بدرویشان
داد و پوستین کهنه در پوشید و در خیابان ساکن
شد جذبهٔ او را فرا گرفت و آن جا بود تا ازین دنیا
رحلت کرد قبرش هم آن جا است در غرب خیابان •

ذکر باباجمال مجذوب ۳۱۰

مشهور به بابا علی مست از اعزهٔ مجانین بود در مبدء
حال مکتب داری میکرد و بعد ازان مجذوب شد و در
میان جوی های آب در زمستان و تابستان ایستاده جوی
پاك میکرد بعد بعضی از سورهٔ قرآن مجید میخواند
و بدعای ماثوره بعد از قرائت قیام مینمود بسیار قوی
ضرب بود و بعضی آنرا بخانهٔ خود می بردند یکروز و
یك شب نگاه میداشتند و هر که بدل خود گفتی این مرد
چرا نمیرود فی الحال برجستی و برفتی و دیگر التفات
نکردی مدفنش در بازار(۱) اسپ فروشان است •

سید غیاث الدین مجذوب ۳۱۱

سالك عارف با تمکین سید غیاث الدین از اهل کمال

(۱) درین زمان سعادت اقران آن موضع را بازار پای حصار میگویند •

بود و سخنان کالنص القاطع واقع میشد متغیبات بر او مکشوف میگشت و نظر آن حکم کیمیای احمر داشت وفاتش سال هشتصد و شصت وهشت از هجرت قبرش درانـدرون خطیرهٔ خلوتیان درمیان دوجوی واقع شده •

میرمحمدطاهر ۳۶۲

از اکابر سادات بوده اند ودرمرغاب آسوده اند هرکس ایشان را درروز دوشنبه زیارت کند مقصد وی حاصل گردد وکرامات فراوان داشته اند •

مولاناعبدالصمدبخارائی (رح) ۳۱۳

عالم وفاضل ومجتهد دین بوده اند ودرون خطیرهٔ حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره در پائین پای ایشان آسوده اند دربیرون مقبره زیر لوح چاهی است وهفتاد ودو شهید در همان چاه مدفونند درزمان هلاکو بشهادت رسیده اند وزیارت ایشان را اهل مرادات لازم دانسته اند •

[illegible]

دیگر درباغچهٔ سفید فروشان حضرت خواجه کازرو وشیخ زین الدین وپیر مراد بخش وشیخ قبر بنج درگازرگاه است هرمطلب که داشته باشند بر سر تربت شیخ قبر بنج رح

بروند و باین ترتیب بخوانند که ذکرمیشود بمراد میرسند یك هفته روزه هر روز هزار بار این آیت کریمه به خوانند و ذکر حضرت شیخ قربنج نیز علیحده ذکر شده بود مدفن ایشان در طرف کوه زنجیر گاه است

وحضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره هفتادسنگ بدور مقبرۂ ایشان آورده نصب کرده اند جهة اخلاص که داشته اند و آیة کریمه اینست (فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمین وله الکبریاء فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم)

دیگر در مقبرۂ خمچه آباد از طرف شرقی خطیرۂ امام امیر عبدالله الواحد شهید مسجد یست اوراالتجه میگویند همواره محلی غیبیان میباشد وتنها در آنجا بسر بردن کار هر کس نیست بسیاری از اولیاء ودرویشان بسر می بردند بغایت منزلی است سهمناك ودو رکعت نماز در آنجا گذاردن تریاق اکبر است ودر خمچه آباد در اندرون محوطه تنها مشهور بخواجه مراد بخش خمچه آبادی معروف است و مردمان هرات به زیارت میروند و بمراد میرسند •

خواجه غریبان رح

از مشاهیر بزرگان بوده و مدفنش درقریهٔ ده کناراست.

دیگر (شیخ گذرانی) و سه نفر دیگر مثل (ملا یحیی ابخارائی) و (شیخ نجم الدین مالانی) و قطب الاقطاب در سرزینهٔ کازرگاه بریک تخت آسوده اند دیگرسمت درطرف خانهٔ ملا اشرف قاضی مستجاب الدعوت بود و هیچکس ازبرابرقبرایشان سواره نتوانستی گذشت.

دیگر (شیخ احمد مرجانه رح) بسیار بزرگ بوده

دیگر (شیخ عالم تیزائی) ازبزرگان وسادات قوم بوده رح.

الحمد لله علی التمام والصلواة والسلام علی سیدالانام و علی آله واصحابه مصابیح الظلام وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.



هوالله تعالی

حصهٔ سوم

(رسالهٔ مزارات بابرکات)

هرات

طبع ۱۳۱۰

(در مطبعهٔ دانش)



وقت آن مؤلف جمع وتالیف کرده بود وازان وقت
تا این زمان که سنه ۱۳۵۰ هجری قمری است عرفاواولیائی
که خاك پاك هرات بوجود مبارك ایشان زیب وزینت
یافته است در پس پرده شده اند وتا حال هیچکس متعرض
شرح حالات شان نشده است بناء علیه جمعی از محبان ومخلصان
اولیاءالله درین زمان سعادت اقتران ازین فقیر بی سامان
التماس نمودند که شرح حالات آن بزرگان را بطریق اختصار
جمع وتالیف نموده آن را حصهٔ سوم قرار دهم پس جهة
خوشنودی ارواح بزرگان واسعاف مرام اخوان مستعینا
بالله درین میدان صعب اقدام نمودم ورنه من کجا وصف
بزرگان کجا * انجم کجا ماه درخشان کجا * کیف الوصول
الی سعاد ودونها * قلل الجبال ودونهن خیوف *

حضرت آخند ملا گندم علی ۳۱۵

☆ صاحب رح ☆

العالم العامل الولی واقف اسرار الخفی والجلی
حضرت آخند ملا گندم علی ولادت باسعادت شان در
یوم جمعه ربیع الاول سنهٔ ۱۱۰۰ یکهزار یکصد هجری قمری
در قریهٔ خلچان که اکنون مسمی است بروضه باغ واقع
شده است از والدهٔ ماجدهٔ شان روایت است که در
وقت ولادت حضرت آخند صاحب هردو دست خود را

برداشت و بآواز بلند گفت لا اله الا الله محمد رسول الله
چنانچه حاضرات همگی شنویدند رتا از نفاس پاك نشدم پستان
را نگرفت و در وقتیکه چنین برد اگر لقمه شبهه میخوردم
در شکم اضطراب مینمود و تاقی نمیکردم آرام نمیگرفت
در وقت صبوة آثار سعادت از جبین مبارك او لایح بود *
فی المهد ینطق عن سعادة جده * اثر النجابة ساطع البرهان
نقلست که میفرمودند در مبادی حال شبها را در تربت
حضرت میرزا یحیی قدس سره احیا مینمودم و از روح
پر فتوح شان افتتاح میجستم شبی در ان روضه مراقب بودم
ناگاه آوازی از ان تربت شنیدم که ای گندم علی
قرآن بخوان گفتم من امی میباشم قرآن خواندن نمیتوانم
فرمودند پس مستمع باش تامن بر تو قرآن بخوانم چون استماع
نمودم از اول قرآن شریف تا آخر ختم نمودند پس صبح
صادق دمید بخود متوجه شدم دیدم که حفظ قرآن شریف
با فتوحات و فیوضات بسیار چون صبح صادق از مطلع غیب
بر زمین دلم تابیدن گرفت دیگر فرمودند که ای گندمعلی
بتحصیل علم اشتغال نما تا از تاریکی جهالت برهی علی الصباح
بعزم تحصیل علوم بجا نب مدرسه حضرت اعلم العلما وقدوة
الفضلا مولینا ملا دولت محمد میر فتم در اثناء راه بحضرت
خضر علیه السلام ملاقی شدم فرمودند بطلب علم میروی مبارك

باد پس لطف بسیار و مرحمت بیشمار بر من نمودند که
از ان علم لدنی بمن حاصل شد (علم اهل دل نه از مکتب بود
بلکه از تلقین خاص رب بود) چون بمدرسه رسیدم بهر
کتاب از هر علم که نظر کردم بفضل ربانی برایم مکشوف
بود چون حضرت مولینا صاحب موصوف نظر کردند که من
کتب مطالعه میکنم از روی تعجب فرمودند ای کند معلی
تو شخص امی میباشی چگونه کتاب مطالعه مینمائی ماجرا
را بخدمت شان عرض کردم بسیار مسرور شده فرمودند
﴿ ذالك فضل الله یوتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم ﴾
حضرت ایشان کسب طریقت و خلعت خلافت از حضرت میر
سید محمد قتالی و ایشان از حضرت شاه علی و ایشان از
حضرت شیخ احمد اقطع و ایشان از حضرت شاه غیاث الدین
و ایشان ازحضرت خواجه محمد معصوم و ایشان از حضرت
والد ماجد خود امام ربانی مجدد الف ثانی شیخ احمد
سهرندی قدس الله تعالی اسرارهم حاصل نمودند ایام
حیات را بعبادت و مجاهدت در مغارات و قلل جبال
بسر میبردند و از یشان خوارق عادات بسیار بظهور رسیده
است که این رساله گنجایش بیان آنرا ندارد حضرت مولینا
عزیز الله که یکی از خلفای شان است مناقب و خوارق عادات
ایشان در رسالهٔ علیحده بیان فرموده است ٭

نقلست که در یافت شب قدر از ابتداء سلوك تاوقت فوت از یشان فوت نشد چنانچه یکی از مخلصان این مضمون را در رشتهٔ نظم در آورده است .

مرشد ما رهبر عالی تبار * بر طریق استقامت پایدار

گفت تا این راه دین شد رهبرم * فوت ناگشته شب قدر از برم

گاه شب در جفت وگه در طاق بود * تا مرا این شهرهٔ آفاق بود .

مطلع اسرار شد آن نامدار * بود از نور تجلی بر قرار

لطف او در بارهٔ محزون فتاد * تا طریق راه اورا جلوه داد

ذکر انتقال وارتحال شان از دار فانی بدار باقی در سنه ۱۱۸۵ روزی در مجمع مریدان نشسته بودند فرمودند در واقعه دیدم که عمرم از هشتاد و پنج تجاوز نمی کند همانا که عمرم بآخر رسیده باشد عنقریب از الم هجران میرهم و بدولت وصل محبوب حقیقی سرافراز میشوم یکی برود حضرت مولینا ملا دولت محمد را از قریهٔ خلیچان بیاورد که برایم جنازه بخوانند چون اثر بیماری در بدن شان ظاهر نبود حاضرین در تعجب شدند لاجرم یکی ازمریدان بخدمت حضرت مولینا صاحب شتافت و ماجرا را بیان نمود درهمین شب در بدن مبارك تب حریقی پدید آمد و بحکم الموت جسر یوصل الحبیب الی الحبیب آتش شوق در کانون سینهٔ شان اشتعال یافته اضطراب میکردند بلی(وعدهٔ وصل

چون‌شود نزدیك * آتش عشق تیز تر گردد) چون فردا شد حضرت
مولینا ملاد ولت محمد حاضر شدند بعد از بجا آوردن تکرمه
و تحیه حضرت ایشان فرمودند که فردا انشاء الله تعالی
صلوة جنازه ام را ادا خواهید نمود مخلصان از ین خبر
دهشت اثر محزون شدند در شب سه شنبه هر دو بزرگوار با
یکدیگر صحبت نمودند چون روز شد در خلوتخانه اندرون
شده فرمودند حضار را که مراقب شوند چون صلوة ظهر
را بجماعت ادا نمودند متوجه قبله شده در حق اولاد و
مخلصین و باقی مسلمین دعا نمودند که بیك اجل رسید ومژده
ارجعی الی ربك راضیة مرضیه را خواندند پس حضرت شان
بآواز بلند گفتند الله و جان بجانان سپردند و حاضرین
بآواز بلند استرجاع انا لله وانا الیه راجعون را ادا
نمودند پس حضرت مولینا دولت محمد تغسیل و تکفین شان
را نموده همراه جمع کثیری نماز جنازه خوانده ایشان
را دفن کردند مدفن مبارك شان قریهٔ خسرو است (یزاد
ویتبرك به) زیارت شان در اجابت دعا تریاق مجرب است
یکی از فضلاء در تاریخ فوتش فرموده ٭

چونکه تاریخ وفاتش از خرد جستم یقین ـ از عنایات الهی گشت برمن این یقین
سال غین وفا و ها وقاف از غفران حق ـ جان پاکش شد جوار رحمة للعالمین

از یشان سی خلفای کبار و اولاد نا مدار باقیما نده است

تا حال که سنه ۱۳۵۰ است هر یك از یشان صاحب مدرسه و خانقاه میباشند و بطریقهٔ انیقهٔ جد امجد خلق خدارا ارشاد مینمایند وفقهم الله تعالی وایانا الی یوم التناد آمین یارب العالمین وآخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین

حضرت خلیفه ۳۱۶

میر یحیی صاحب قتالی قدس سره

آن ناهج مناهج شریعت مصطفی صلی الله علیه وسلم سالك مسالك طریقت مرتضی حضرت خلیفه میر سید یحیی ازاولاد واحفاد حضرت سلطان العارفین المشهور فی البلاد والجبال سلطان میر ابراهیم قتال است قدس سره ومتصف بعلوم ظاهری وباطنی و یگانه زمان خود بود خرقهٔ خلافت واذن طریقه انیقهٔ چشتیه را از والد ماجد خود حضرت حاجی میر افضل شهید حاصل نموده و آن از پدران خود تا حضرت سلطان ابراهیم (۱) قتال وآن از مشایخ چشتیه عمر شریف را بعبادت ومجاهدت وارشاد وهدایت خلق الله در کوه زور (۲)

(۱) سلطان ابراهیم را ازان قتال نامند که نسبت طریقهٔ شان بجنید واسطه بشیخ عین الدین قتال میرسد ․

(۲) آنرا کوه زور ازان سبب مینامند که یکی از اولاد ضحاك ماردوش ازخوف کاوه دران کوه متحصن شده بود که آنرا زورنامداشت ․

که در غربی محال غور وشرقی اسفزار است بسر میبرد ودر اخیر عمر از یل هرات شد و صاحب کرامات و خرق عادات بود

❊ نقلست ❊ عبد الرحمن خان بارکزائی توبچی باشی که یکی از مقربان اعلیحضرت احمد شاه غازی سدوزائی بوده روزی بموجب کاری بشکنجه گرفتار شده و به آن سبب از طرف شاه حکم قتل شد ملازمان شاه آنرا بنزد فیل بردند حمله نکرد باز بنزد توب بردند در نگرفت تفتیش نمودند که با خود تعویذ داشته باشد نداشت متعجب شده شاه را مطلع نمودند شاه از رحمن خان پرسید که آیا بیکی از بزرگان اخلاص مندی که ترا از قتل مانع آمد گفت آری در ابتداء شباب شبانی میکردم روزی نمد پوشی ژولیده موئی در قلهٔ کوهی بامن ملاقی شد آنرا سلام نمودم و نامش پرسیدم گفت نامم سید یحیی است و از سادات کوه زورم مخلص وی شدم وازوی استمداد طلبیدم گفت مدد کن بنزد احمد شاه معنی سخن آنرا ندانستم واز من غایب شد امروز که مرا بفیل حواله کردند دیدم که همان شخص حاضر شد و بعصای خود بطرف فیل اشاره کرد تا فیل گریخت باز که مرا بنزد توب بردند دیدم که حاضر شد و ابریق آبی را بدهان توب ریخت بر من کارگر نشد پس ازین ماجری شاه فرمود که رحمن خان را محبوس نمائید تا حضرت میر حاضر نشود رحمن خان را رها نمیکنم

پس بزمان اندك حضرت میر بدر با رشهی حاضر شدند و شفاعت رحمن خان را کردند پس رحمن خان بمنصب اصلی خود مقرر گردید شاه نیز از مخلصان و یار یافتگان حضرت میر شد و الطاف پادشاهی را بخدمت شان مصروف نمود ﴿نقلست﴾ روزی مخلصان اسفزاری حضرت میر از جور جعفر خان فوفلزائی که حاکم شان بود بحضور حضرت میر صاحب شکوه نمودند حضرت میر بر آشفت و در غضب شد و آتش پاره را بحجرهٔ خود انداخت و گفت ای خانه بسوز بقدرت الهی خانهٔ جعفر خان در اسفزار در گرفت و جمیع متاع آنرا بسوخت میر عیسی مجذوب همین مضمون را در سلك نظم در آورده •

نخل باغ حاجی افضل سید یحیی ما ـ شیخ شیخان مکمل سید یحیی ما
قائل ذکر اله قابل انوار حق ـ لایق تاج مکلل سید یحیی ما
هم امیر و هم فقیر هم ندیم بزم شاه ـ در همه سادات مشعل سید یحیی ما
فخر اولاد نبی و سرور اهل یقین ـ صاف و صافی همچو صیقل سید یحیی ما
طبل منشور خلافت در جمیع مسلمین ـ زد باذن حاجی افضل سید یحیی ما
چون کرامات و مقاماتش نگنجد در جهان ـ منکران را کرد احول سید یحیی ما
شد برحمن خان حواله فیل شه از روی کین ـ فیل را کرده معطل سید یحیی ما
شاه دران را کمر بسته بالطاف اله ـ ناصر آن شاه عادل سید یحیی ما
دولت شاهی بابدالی (۱) میسر شد ازان ـ چشم عالم را مکحل سید یحیی ما

(۱) اعلیحضرة احمد شاه را ابدالی ازان نامند که جد اعلی آن ابدال خان است ـ

آتش اندر خانه زد خیمه ز جعفر خان بسوخت ـ خشم زد بر خان فوفل سید یحیی ملا
دارد عیسی بر جنانش روز محشر التجا ـ قطب دین و غوث اکمل سید یحیی ملا
عمر گرامی شان بهفتاد و دو سال رسید و در سنه یکهزار
و یکصد نود و دو هجری ندای ارجعی الی ربك راضیة مرضیة
را بگوش هوش خود شنیدند و جان بجا آن سپرد مرقد منور
شان بجنوب قریهٔ بیچقی است بکنارهٔ دشت یلان مرجع خواص
و عوام است (یزاد و یتبرك به) بر ان عمارت عالی است •

جناب حضرت ٣١٧

صوفی اسلام کروخی(١)

قطب الاولیاء و شمس الاصفیاء مرشد الانام حضرت صوفی
اسلام شهید والد ماجد شان از بزرگان ولایت خوارزم
بودند و در اخیر عمر وطن مالوف را گذاشته در قصبهٔ
هزرك که از مضافات میمنه است سکنا پذیر شدند و جناب
شهادت پناهی در سنه ١١٣٨ در ان موضع متولد شدند
و بعد چند سال والد شان در ان جا فوت شدند جناب حضرت
از تقدیرات الهی بعد از چند سال در بخارا رفته در جملهٔ
عسکر امیر بخارا محمد رحیم خان مندرج شده بلادنی وقت

(١) کروخ بفتح کاف و تشدید و بضم راء مهمله و قیل بتخفیف
وخاء معجمه قصبه ایست که بشرقی وشمالی هرات واقع شده •

از حسن خدمت بمنصب عالی شرافـ از شده است میفرمودند روزی جهة محاربه سوی مرو او رکنج میرفتم در اثناء راه حضرت خضر علیه السلام بصورت بسیار نیکوئی با من صحبت نموده مرا نصیحت کرد که ای فرزند از لعب و لعب دنیا دست بدار خدمت پادشاه مجازی را ترك نمای و بخدمت سلطان حقیقی بکوش که دنیا فانی است وعقبی بدقی آن نصیحت در دام مؤثر گشت وحب دنیا در دلم سرد شد تا ترك جاه و منصب کردم وهفت سال در غار نور عطا بخلوت وانزوا بسر بردم وگاه گاه صحبت آن پیر زنده دلان برایم میسر میشد جناب حضرت شهید در دوطریقه ماذون بوده اند در طریقهٔ نقشبندیه خلعت خلافت را از حضرت خلیفه غائب نظر حاصل نموده اند و ایشان از حضرت شیخ الله یار که ایشان مصنف مسلك المتقین است و ایشان از حضرت شیخ حبیب الله وایشان از حضرت میا معصوم صاحب و ایشان از والد ماجد خود حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی شیخ احمد سرهندی قدس الله اسرارهم و در طریقهٔ جهریه مجاز اند از طرف خلیفه عاشور قل که بچند واسطه نسبت طریقهٔ شان میرسد بسیادت پناهی سلطان خواجه احمد یسوی قدس سره جناب شهادت پناهی مدتی در محال فرغاله و بخاری شریف بهدایت خلق اشتغال داشتند اکثر آن دیار بخدمت

شان ارادت داشتند چون پادشاه وقت از اجتماع و کثرت
مریدین شان دلتنگ شد ایشان بصفای باطن آن را در یافته
عنان عزیمت را بصوب هرات کثیر البرکات منعطف کرده
چند وقت در ولایت میمنه و اون جلادو خواجه کنتی طرح
اقامت نمودند چنانچه مساجد و خانقاه شان تا حال
معمور و معروف است بعد از چندگاه در هرات شرف ورود
یافتند اولا درقریهٔ چهارحیات نزول فرمودند پس ازان
در علاقهٔ کروخ رحل اقامت انداخته بارشاد و هدایت
خلق و عبادت حق سبحانه تعالی بسر میبردند ﴿قلست﴾ پیش
ازورود شان در هرات حضرت شیخ عبدالخالق یلانی که
صاحب کشف و کرامت بودند و از جملهٔ توالیف شان دیوانی
غزل و تفسیر سورة والعصر است در وقت فوت برای باز
ماندگان خود توصیه نمودند که بعد از من فقیری ترک در
هرات پیدا میشود عمامه و عصای مرا باآن شخص تسلیم نمائید
چون جناب حضرت در هرات ورود یافتند درمنزل حضرت
شیخ که واقع است در بلوك گذاره و حال مشهور است
بمنزل خواجه ها تشریف برده آن امانت را از بازماندگان
حضرت شیخ باز یافت نمودند خوارق عادات جناب حضرت
بسیار است درین مختصر نمی گنجد هرگاه طالبی خواهش
اطلاع داشته باشد در رسالهٔ اسلامیه رجوع نماید شرح

شهادت باسعادت جناب حضرت در زمانی که حاجی فیروز الدین شاه خلف مرحوم تیمورشاه سدوزائی در هرات حکمران بود و فتحعلیشاه قاجار در ایران پادشاه بود لشکر انبوهی بعزم تسخیر هرات آمدند و قلعهٔ غوریان را معسکر نمودند جناب حضرت با مخلصین و مریدین و باقی اهالی هرات به معیت حاجی فیروز الدین شاه برای حفظ دین و مملکت عزم محاربه نمودند در قریهٔ شکیبان هر دو لشکر با یکدیگر تصادف نمودند بعد از محاربهٔ مردانهٔ اسلامیه جناب حضرت با اکثر خلفاء خود شربت شهادت را نوشیده در زمرهٔ و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون فرحین بما اتاهم الله من فضله داخل شدند .

در مسلخ عشق جز نکورا نکشند * لاغر صفتان دشت خود را نکشند
گر عاشق صادقی ز کشتن مگریز * مردار بود هرانچه اورا نکشند

اهالی هرات نعش مبارک شان را در کروخ در چهار باغیکه جناب حضرت بدست مبارک خود تا جو شانی کرده بودند دفن نمودند (یزاد و یتبرك به) در لوح مزار فیض آثارشان این رباعی ثبت است .

تا از نظر نهان شده خورشید دین پناه * گردید روز اهل ارادت شب سیاه
سال شهادتش طلبیدم ز پیر عقل * گریان شد و بناله بگفتا (غریو آه)

۱۲۲۲

ایشان یکهزار و یک خلیفه داشتند که شرح وخوارق عادات شان در رسالهٔ اسلامیه مندرج است از یشان بسی اولاد واحفاد نامدار باقی ماند. که صاحب خانقاه ومدرسه بودند و خلق را بطریقهٔ انیقهٔ شان ارشاد و هدایت نمودند خصوصاً خلف الصدق شان جناب خلیفه الله بردی صاحب که صیت بزرگی شان گوش اهالی اسلام را پر در ساخت ❋ وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین •

خلیفه میر ابراهیم ۳۹۸

☆ صاحب ادرانی (۱) قتالی ☆

العالم الربانی والعارف السبحانی خلیفه میر ابراهیم ادرانی در یانوش خلف الصدق حضرت خلیفه میر سید محمد قتالی است ولادت با سعادت شان در کوه زور واقع شده است در ابتداء جوانی در هرات آمده بتحصیل علوم دینیه اشتغال نمودند و در علم فقه وحدیث و تفسیر واخلاق بر اقران فائق شده در قریهٔ ادران ازدواج نموده مسکن گرفتند وطالب مرشد کامل شدند اگرچه والد ماجد شان کامل

(۱) ادران بضم همزه وسکون دال مهمله وفتح راء مهمله قریه ایست در شرقی و جنوبی شهر هرات واقع بمسافت دو فرسخ ازان •

و مکمل بودند و بسیار سالکان بصحبت شان اکمال یافتند مثل
حضرت آخند ملا گند م‌علی صاحب که شرح حالات شان گذشت
لاکن در زمانی که طالب مرشد گردیدند پدر بزرگوار
شان فوت شده بودند لذا نسبت طریقت و خلعت خلافت را
از حضرت میا عبد الرحیم صاحب مجددی حاصل نمودند و
ایشان بچند واسطه از جد امجد خود حضرت امام ربانی
مجدد الف ثانی شیخ احمد سهروندی قدس سره اخذ کردند
خلیفهٔ موصوف بسی مجاهدات و ریاضات شاقه نمودند و
در تجرید و تفرید یگانهٔ زمان بودند از بسکه از بحر معرفت
آشامیده اند ایشان را دریانوش میگفتند *(نقلست)* روزی
پادشاهی وقت دراداران جهة زیارت شان ورود یافته
و مصارف زیادی جهة خرج لنگر شان مقرر فرمود هر چند
سعی نمود حضرت خلیفه قبول ننمودند *(نقلست)* روزی
حضرت خلیفه بمردم ادراران فرمودند در واقعه دیدم
درویشی باین قیافه صاحب مقامات و درجات عالیه
است اما از ارباب جهل است آن شخص را در هر جای
که دیدید بحضورم بیاورید که باوی صحبت امایم اتفاقاً روزی
همان‌شخص را دریافته بیاوردند باوی ملاطفت وصحبت نموده
سوال کردند که این درجات را از چه یافتی وچه عمل‌داری
آن شخص فرمود که من ناخوانم و داخل عسکر اسلام لکن

کتابی دارم که آن بمنزلهٔ پیر کامل و همیشه با من است و ازان تقرب میجویم شاید که از برکات آن باشد پس آن کتاب را درمیانه گذاشت که مکتوبات حضرت امام ربانی بود حضرت خلیفه فرمودند که ای فرزند این عمل را لازم گیرید بعد مریدان را ترغیب نموده امر فرمودند بمطالعهٔ مکتوبات شریف حضرت خلیفه بعبادت و ریاضت وتربیت مریدان شصت سال زیست کردند و دراخیر ندای ارجعی الی ربك راضیة مرضیه را شنیده از دارالفنا بدارالبقا شتافتند مرقد منورشان درقریهٔ ادران است مشهور و معروف (یزادو یتبرك به) بر مرقد شان عمارت عالی است و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین ٠

حضرت خلیفه ۳۱۹

میر عبدالباقی صاحب ادرانی قتالی

الشیخ العالم العارف الفانی الباقی خلیفه میر عبدالباقی صاحب ادرانی قتالی خلف الصدق خلیفه میر ابراهیم صاحب است نسبت ارادت و خلافت ازوالد ماجد خود داشتند ازعلوم شریعت وطریقت بهرهٔ وافی یافتند یگانهٔ عصر و مقتدای زمان بودند خوارق عادات شان بسیار است درین مختصر نمیگنجد لکن برخی را جهت استماع مخلصین شرح میدهیم

﴿ نقلست ﴾ شاه گلخان بادیه نشین گفت غلامی داشتم مفقود شده بود توسل بجناب شان جسته عرض مفقودی غلام را نمودم اولا سکوت نمودند در ثانی فرمودند حالا بخواب دست غلام تو درد ستم بود که از نزد مرجان نام بنزد خود می کشیدم و ازمن پرسیدند که آیا مرجان نام در هرات خواهد بود من عرض کردم که در موضع دهن دوآب است فرمودند که در قبله زمین خواهد بود بعد از چند یوم غلام آمد ازوی پرسیدم که درین اوقات کجابودی گفت در سرحد مشهد به کوه سرخ نزد مرجان نام بادیه نشین بودم در شب جمعه به خواب دیدم که حضرت خلیفه میر عبد الباقی صاحب ادرانی دست مرا گرفت و بجانب هرات کشیده از خواب بیدارشدم و از شوق دیدار شان بی طاقت شده روانهٔ هرات شدم حضرت ایشان بدلجوئی درویشان و بر آوردن حاجات مسلمانان و عبادت حضرت منان وتربیت مریدان بسی اهتمام داشته عمری بسر بردند در سنهٔ ۱۲۹۲ زمان امارت مرحوم امیر شیر علیخان بمصداق مصدوقه (کل من علیها فان) طائر روح پر فتوحش تنگنای فانی را پدرود کرده در فضای وسعت افزای جنان خرامنده برحمت حق پیوست مرقد منور شان درمقبرهٔ ادران بخطیرهٔ والد ماجد شان خلیفه میر ابراهیم صاحب واقع است (یزاد ویتبرك به) ملا عبد الرحمن شاعر متخلص به

عاشق که ملك الشعراء آن وقت بود اشعار ذیل را در مرثیه
و تاریخ وفات شان بسلك نظم کشیده این است
ز مضمون اذا جاء الاجل مفهوم میگردد
که نتواند کسی پیچد سر از جیب قضا اینجا
ز سوگ یکجهان فانی که شبهش نیست در گیتی
دل از هستی ببر دا زد مکن چون و چرا اینجا
بقا بالله عبد الباقی آن پیری بحق رهبر
که در القاب بود سید و فخر الورا اینجا
خهی خضر مسیحا وش که وقت خرق عادتها
ز انفاس خوش خود ساختی دار الشفا اینجا
دعای حور من وجه قبول افتاد چون گفتش
مرا آنجا رساند یا ترا خواهد خدا اینجا
* بود جایش جوار رحمت حق * بهر تاریخش
۱۲۹۲ حساب اندر جمل کن تا بیابی مدعا اینجا
(و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین)

حضرت خلیفه میر محمد صدیق (۳۰)

* ادر الله تعالی قدس سره *

آن شهباز بلند پرواز عرش آشیان قدسی مکان قطب
ربانی و غوث صمدانی مرشدی و مولائی خلیفه میر محمد

صدیق صاحب ادرانی خلف الصدق حضرت میرعبدالباقی صاحب ادرانی است در علم ظاهر و باطن و در طریق تجرید و تفرید یگانهٔ زمان بودند انفاس طیبهٔ شان را خالق تعالی شفاء امراض آفریده بود در یك توجه طالب مستعد را از حضیض خاك باوج افلاك میرسانیدند جامهٔ خشن و کهنه پیشیدی و بریاضت بدن کوشیدی هر کسی که ایشان‌رادیدی دلش از حب دنیا سرد شدی و طالب راه آخرت گشتی و مرد شدی هرگز املاك و اراضی و تنور نداشتی و با این در هر شب و روز خلق بسیار از خوان احسان شان طعام بر داشتی محبوب القلوب جمع مسلمانان بودی قرآن مجید را حفظ داشته در هر شبی در نماز تهجد یکمنزل را بتانی و تدبر تلاوت نمودی بفقراء و مساکین بدرجهٔ کمال متواضع بودی سفری حرمین شریفین را بطرزی رفتند که هیچکس بدان طور نرفته در هر منزل اهالی آن جا مرید و معتقد شان شدی خصوصاً مردم عرب و درمدینهٔ مشرفه شب تنها در روضهٔ مبارکه قیام لیل مینمودند درانجا در طریقهٔ علیه قادریه و چشتیه و سهروردیه ممتاز شده مرید گرفتند خوارق عادات شان بسیار است که یکی از مخلصین آنها را جمع نموده در یک مجله مشتمل بر دوصد ورقه است این فقیر بعضی را تیمناً و تبرکا در این رساله درج مینماید

﴿نقلست﴾ در سنه ۱۲۶۶ یکهزار دوصدشصت وشش هجری قمری که ولادت باسعادت شان واقع شد حضرت میر ابو الفیض صاحب سیو شانی (رح) که شیخ بزرگ ومعروف است و عنقریب شرح حالات شان می آید بمبارکبادی این تازه گل بوستان احمدی بقریهٔ ادران در نزد والد ماجد شان خلیفه میر عبد الباقی صاحب آمدند بعد از فراغ حضرت میر ذکر نمودند که قرة العین را بیاورید که چشمم بجمال وی منور شود خادمهٔ که آن را خیری میگفتند ایشان را در قنداقه آورده زینت بخش مجلسیان گردانید حضرت میر صاحب قنداقهٔ شان را در بغل گرفته ایستاده شدند و ایشان را از سر خود بالا گرفته بجوش وخروش آمده فرمود نوبادهٔ باغ احمدی مبارک ☆ شمس فلک محمدی مبارک وچند فرد عاشقانه از اشعار حضرت شمس تبریزی (رح) خواند و فرمود میر محمد صدیق از من بالا و از خلیفه عبد الباقی جان بالا و از مشایخ وقت بالا از این حالت برای مجلسیان شوری وفغانی ظاهر شد بعد حضرت میر فاتحه خوانده عزیمت خانهٔ خود نمودند کرامات اولیا حق است چنانچه حضرت میر فرمودند رتبهٔ صاحب مبارک از همه بالا گرفت ﴿نقلست﴾ صوفی ملا احمد کورتی که یکی ازمخلصان شان بود میگفت که من روزی شرف صحبت شان را حاصل نموده

فرمودند که ای احمد خوب شد، که آمدی اسپ حاضر کن که بشکار میرویم و هیچ وقت بشکار نمی رفتند چون حاضر کردم سوار شدند و میرفتیم باران گرفت من متفکر و متحیر به رکاب شان میرفتم و با خود می اندیشیدم که تفنگ و آلت شکار موجود نیست چگونه صاحب مبارک شکار خواهند نمود ناگاه بکوه رسیدیم عنان اسپ را گردانیده در شعبهٔ داخل شدند که دو کوسفند کوهی شاخ بشاخ پیچیده دران شله افتاده از حرکت مانده اند و توانائی رفتن ندارند فرمودند که ای احمد این هارا ذبح کن که از عذاب خلاص شوند و با خود ببریم چنان کردم فرمودند که ای احمد باخود میاندیشیدی دیدی که بی تفنگ شکار میشود میفرمودند مرید گرفتن کسی راشاید که اگر در هرناحیهٔ عالم هفتاد مرید داشته باشد و یك زمان همگی موت شوند از حال هیچیك غافل نباشد

﴿ قلت ﴾ میر ابراهیم خواجه سیروانی (رح) در ابتداء مرید شیخ ملا عبد العزیز قشوری بود ودر اخیر از مریدان صاحب مبارك شد میگفت روزی در بادغیس بخواب قیلوله شدم و پیشتر بصحبت صاحب مبارك نرسیده بودم و اندیشهٔ آن هم نداشتم در خواب دیدم که کسی میگوید که خلیفه میر محمد صدیق (محی السنة و ممیت البدعة القوی فی الله الواثق بالله المتوکل علی الله الذی لم یوجد مثله فی البلاد و لم یکن له

انظر فی العباد و یقولون انه لمجنون و ما هو الا ذکر للعالمین)
از خواب بیدار شدم و این عبادت را نوشتم و از مخلصان
شدم ﴿قلست﴾ صاحبزاده عبدالله‌جان مجددی که از مریدان
حضرت صاحب چهار باغ جلال آباد است میگفت روزی خدمت
خلیفه صاحب عرض کردم که مرا اجازهٔ خواندن درود صلوة تجینا
بدهید فرمودند اجازهٔ دیگر درود میدهم که به خواندن
این درود شما را احتمال ضرر است یك شب بی اجازه در مسجد
لیسان بخواندن این درود شروع نمودم ناگاه دیدم که سه شخص
مهیب بر فیلها سوار بر من حمله آوردند التجا بحضرت
خلیفه صاحب آوردم حاضر گردیده فرمودند که مترس
فیلها را در حال دفع کردند درین اثنا جد امجد خود اعنی
حضرت جد صاحب را دیدم که میفرمودند حضرت خلیفه
صاحب مددگاری تو شد واگرنه ترا هلاك میکردند در
سنه ۱۳۲۵ هجری قمری که سراج الملة والدین امیر شهید
امیر حبیب الله خان در هرات شرف ورود یافت بدیشان
اخلاص مندی بسیاری بظهور رسانیده. از ان چیزی قبول
ننمودند مگر پوستین سموری که جهة یادآوری گذاشتند
﴿بیان رحلت با سعادت شان﴾ قبل از رحلت چند چیز از یشان
بظهور پیوست که مشعر بر فوت شان بود اولا بر یك سال
پیش از فوت بر خلاف عادت خود مدرسه و همین روضة

متبرکه را که حالا مرقد منور شان است بشوق تمام بدست
مبارك خود اشجار ثاژو دران غرس نمودند دیگر در همان
سال در ماه مبارك رمضان بخلاف عادت سابقهٔ خود
مسلمانان را جمع نموده با ایشان نماز تراویح را به شش
شب ختم قرآن مجید نموده امامت کردند دیگر در این
سال صحبت و خلوت با مریدان بیشتر از پیشتر مینمودند
دیگر در آخرین مجلسی که این فقیر شرفیاب صحبت شدم
بعد از ملا طفتب فرمودند که شما را توصیه میکنم هر گاه
که جهة نماز سحری برخیزید یکبار خود را بر خاك انداخته
بکوئید الهی خلیفه را بیامرز ای فرزند وجود شماسعادت
دارین است انشاء الله تعالی از صحبت شما مسلمانان بدرجاة
عالیه خواهند رسید چون عمر شان به شصت و سه سال و سید
که مسنونهٔ حضرت سید الانام است علیه و صلی الله السلام مرض
موروثی که درد پا است با یشان عارض شد در شب جمعه
سبز دهم صفر المظفر سنه ۱۳۳۰ هجری قمری جمیع اقوام
را حاضر ساختند و با ایشان وداع نموده در وقت سحر
فرمودند که وقت رحلت است متوجه باشید هر یکی به
تهلیل و ذکر اشتغال ورزیدند و خود صاحب مبارك متوجه
قبله نشسته منتظر پیك و پیام ملك علام بودند که ناگاه ندای
ارجعی الی ربك راضیة مرضیة را شنیده لبیك گفته طائر

روح پر فتوحش تنگنای دنیای فانی را پدرود نموده بفضای دلکشای جنان خرامید حاضرین به آواز حزین استرجاع نمودند که (انا لله وانا الیه راجعون) درروز جمعه علما و مشایخ و حکام واکثر اهل هرات در نوبن علیا گرد آمده صلوة جنازه را بخشوع و خضوع ادا نمودند و چون درسه موضع مرقد مبارك را حفر نموده بودند در قریهٔ کورت وادران و نوبن اهالی این مواضع بایکدیگر منازعه کردند اگر قوهٔ عسکری نبودی بمقاتله می کشید آخر الامر بحکم قاضی شریعت وعلما در وسط نزوستان نوبن علیا دفن نمودند در شب فوت شان جماعهٔ از قلندران درخواب دیدند که قطب زمان از دارالفنا بدارالبقا رحلت نمود در ایام تعزیه جمیع اصناف بازار هرات از مسلمان و یهود و هنود بی حکم حکم دکان بندی نموده همراه باقی اهل هرت بسوک و زری درنوبن حاضر بودند تا به دوماه گوئیا شور قیامت درنوبن قایم بود درهر روز اهل یکقریه با علمی محلل بحلهای فاخره برافراشته مع مبالغ کثیره نعت خوانان وگریه کنان درنوبن حاضر شده صدقه مینمودند که عدد حالها بهفتاد میرسید روضهٔ متبرکهٔ یسی فرح بخش و دلکشا است درغربی تربت شان یکی از مخلصان باشارت خود شان ایوانی رفیع بنیانی تعمیر نموده است از زیارت شان فیوضات

وفتوحات برزائیران ظاهر و باهر است داند آن کس که داند (یزاد و یتبرک به) وآخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین ٭

خلیفه حاجی سید احمد ۱۳۲

﴿ صاحب قتالی ﴾

قدوة السالکین و زبدة العارفین حاجی میر سید احمد صاحب خلف الصدق حضرت حاجی میر سید محمد صاحب که برادر کلان حضرت خلیفه میر محمد صدیق صاحب بودند نسبت ارادت بخدمت عم بزرگوار خویش داشته وحضرت عم بزرگوار شان دربارهٔ شان همواره توجه والطاف کاملی داشتند عم بزرگوار شان یکروز قبل از رحلت خود موصوف را درخلوتخانه که آن را خوالهٔ هشت مینامند طلبیده توجه دادند و بجای نشستی خود امر فرمودند بناء علیه ما دام حیات زاویه نشین آن بقعهٔ مبارکه بوده بعبادت و ریاضت و ارشاد خلق کوشیده قدم بر قدم عم بزرگوار نهاده بدرجات عالیه مشرف شدند وقرآن شریف را حفظ می نمودند و باستعمال کتب فقه و تفسیر وحدیث شریف بسی شایق بودند.

﴿ نقلست ﴾ یك ضعیفی میگفت روزی در خاطرم گذشت که چرا حضرت خلیفه بتوجه سالکین بسیار نمی کوشند بمثل

دیگر شیخان در حال دریافتند و مرا بخلوت طلبیده فرمودند ای فرزند اگر ما شیخی کنیم شیخان دیگر از کار میمانند البته ما بکار دیگر اشتغال داریم پس خطره از من دفع شد در اخیر عمر چند روز در بستر بیماری افتاده در یوم پنجشنبه غرهٔ ذیحجة الحرام سنه ۱۳۴۱ پیك اجل را لبیك گفته جهان فانی را پدرود نموده بجوار رحمت حق تعالی پیوست در قریهٔ نوین علیا در خطیرهٔ عم بزرگوار خود مدفون شد .

حضرت آخند ملا علی محمد ۳۲۲

صاحب اسفزاری

الشیخ العالم العامل الامجد حضرت آخند ملا علی محمد صاحب خلف الصدق حضرت صوفی ملانور محمد صاحب است که یکی از بزرگان وقت بودند حضرت آخند صاحب در عنفوان شباب بطلب علم شغل داشتند بعد از تحصیل علوم بطلب مرشد کامل شدند مدتی جویا بودند تا بخدمت حضرت مولوی محمد جان صاحب که یکی از خلفای شاه صاحب دهلی بودند در قندهار رسیدند دست ارادت و انابت بدست مبارك شان دادند ریاضت و مجاهدت بسیار نمودند تا از فضل کردگار بدرجات عالیه رسیدند و بامر خلافت

ممتاز شده باسفزار رجوع نموده بهدایت وارشاد طالبین عمر را بسر بردند حضرت ایشان دائم الصوم و دائم السکوت بودند ﴿ نقلست ﴾ روزی حضرت مولوی صاحب فرمودند در اثنائیکه از دار الفاخره بخارا مرا جعت میکردیم در هرات آمده از زیارات کثیر البرکات هرات رسیدیم و از انجا عنان عزیمت را بجانب قندهار گردانیدیم در میان راه موضعی بود بسیار نورانی و فیضانی از اهالی آن دیار جویا شدیم که درین موضع کدام بزرگ مسکن دارد که بوی عارفی حق پرستی بمشام ما میرسد گفتند این موضع از صوفی ملا نور محمد است حال میدانیم که آن کس والد ماجد شما بوده است این درجهٔ رفیعه که شما را رسیده است همانا چیزی از توجه آن بزرگ باشد از صحبت حضرت آخند صاحب بسی خلفاء کبار و نامدار بکمال رسیدند که شرح حالات بعضی از ایشان درین رساله مندرج است از ایشان پنج نفر اولاد باقی ماند که هریك بمنزل ماه تابان عالم را منور کرده است این فقیر بصحبت اکثر آنها رسیده است خصوصاً حضرت صوفی صاحب علیه الرحمه مدفن شان در قریهٔ عزیز آباد اسفزار است مشهور و معروف (یزاد و یتبرك به) تاریخ فوت شان معین نشد ٭

حضرت میر ابوالفیض ۳۲۳

☆ صاحب قتالی سیاوشانی ☆

آن خلاصهٔ خاندان اصطفا نقاوهٔ دودمان ارتضا آن سوختهٔ شوق الهی آن مرتقی مدارج اقطاب و ابدالی حضرت میر ابوالفیض قتالی قدس سره خلف الصدق میر ابوذر صاحب است که سلسلهٔ نسب شان میرسد بحضرت سلطان ابراهیم قتال قدس‌سره و لادت باسعادت حضرت میر صاحب دردوازدهم رجب سنه ۱۲۲۱ در قریهٔ آخری ساخر واقع شده است بعد والد ماجد شان در قریهٔ سیوشان نزول فرموده در زمانیکه حضرت میر صاحب سه ساله شدند پدر ایشان فوت شدند و در شمالی خانقاه حضرت شیخ عبدالحی صاحب در سیاوشان مدفون شدند در صغرسن اثر سعادت از ناصیهٔ حضرت میر صاحب لایح بود در مبادی حال در شهرهرات آمده بنزد حضرت خلیفه ملا عبدالاحد صاحب علم فقه و تفسیر وحدیث شریف را حاصل نموده بسلك ارادت داخل شدند دراین اثنا قرآن مجید را حفظ نموده صیام حضرت داؤد علیه السلام را وظیفهٔ خود ساختند وریاضات شاقه کشید بعد ازچند سال باذن واجازهٔ خلیفه صاحب موصوف عزیمت سفر قندهار نموده بخدمت شمس المشایخ حضرت

مولوی محمد جان صاحب میر بازار که خلیفهٔ حضرت غلام معلی شاه صاحب دهلی بودند رحل اقامت انداختند ودست ارادت بدامان شان آویختند دران زمان حضرت آخند ملا علی محمد صاحب اسفزاری هم بخدمت مولوی صاحب در قندهار بریاضت و مجاهدت بسر میبردند جناب مولوی صاحب حضرت آخند صاحب و میر صاحب را بحفاظت باغ سنزری مقرر فرمودند این هر دو نفر هرانی ازحسن خدمت بادلی فرصت بدرجات عالیه رسیده محسود همه طالبان و مریدان شدند بعد از چندوقت حضرت آخند صاحب را بارشاد طالبان ماذون نموده مرخص اسفزار هرات نمودند در وقت آمدن کلاه خود را بسر شان نهاده و سبحهٔ خود را بدست شان داده تبریك و دعا کردند جای نماز نمدی خود را بحضرت میر صاحب عطا نموده فرمودند که ای سید زاده شما همراه آخند صاحب بروید تا کار شما را تمام کند پس هردو بزرگوار عازم سمت هرات شدند چون برود هیرمند رسیدند حضرت آخند صاحب فرمودند ای سید زاده شما را سفر هندوستان لازم است بدهلی روید بزیارت حضرت غوث احدی شاه صاحب دهلوی چند سال خدمت نمائید وچند سال بتربت میر صاحب حضرت امام ربانی تا کار شما تمام شود حضرت عزیمت دهلی نموده دوسال وسه ماه دران روضهٔ متبرکه بسر بردند بعد ازان جا

بسهر هند شریف در روضهٔ متبرکهٔ حضرت امام ربانی صاحب یکسال و چهار ماه خدمت و خلوت نمودند پس ازان مراجعت نموده عازم هرات شده هفت سال بخدمت حضرت آخند ملا علی محمد صاحب در عزیزآباد اسفزار خدمت کردند آخر الامر که بدرجهٔ کمال رسیده از طرف آخند صاحب ماذون ومجاز شده وارد هرات شدند و در ادران بجوار حضرت خلیفه میر عبد الباقی صاحب سکنا نمودند بعد از هفت ماه در شهر هرات قریب مسجد نقاشی جای گرفته بارشاد و هدایت خلق بسر می بردند •

بیان خوارق عادات شان

اگرچه گوش اهل هرات پر از خوارق عادات شان است لکن بعضی را درین رساله درج مینمائیم ﴿نقلست﴾ روزی حضرت میر صاحب در قریهٔ کشك نماز ظهر را در مسجد بجماعت ادا مینمودند ناگاه ابر شد و ژاله گرفت حضرت میر نماز جماعت را ترك نموده تنها ادا نمودند بعد از نماز امام و مقتدیان اعتراض نمودند که چرا جماعت را ترك نمودید فرمودند امام نماز را ترک کرده در باغ خود رفته است که باغ را ژاله زده است یا نه حقیر تنها ماندم نماز را تنها خواندم امام تصدیق نموده که خاطرم متوجه باغ شده بود معذرت خواست ﴿نقلست﴾ خلیفه ملا محمد جان که

خلیفه شان بود میفرمود که روزی بحضرت میر صاحب عرض
کردم که در مصرخ قلندری آمده است میگویند که سرمهٔ
سلیمانی دارد هرکس بچشم خود بکشد آن را کسی نمیبینند
فرمودند آصف سلیمان با شماست سرمهٔ سلیمانی ازان بخواهید
پس ازان زبان مبارك را بچشم من وآخندزاده ملا محمد
امان وملا ابراهیم وعبد الکریم پسر ملا حسینی کشیدند
هرچهار نفر مایان از صبح تا بنماز ظهر هرچه از چهاربازار
هرات برمیداشتیم ومی گذاشتیم کسی ما را نمی دید چون
وقت ظهر در مسجد نقاشی بحضور شان مراجعت کردیم
دست مبارك را بروی مایان کشیدند نمایان شدیم در سنه ۱۲۹۰
هجری قمری از شهر رخت اقامت بقریهٔ کبرزان کشیدند
درهمان سال پانزدهم ربیع الاول یوم پنجشنبه تنگنای جهان
فانی را پدرود نموده بفضای دلگشای جنان خرامیدند
﴿شرح فوت شان اینست﴾ که قبل از فوت خود حضرت
خلیفه عبد الباقی صاحب ادرانی را خواسته تجهیز و تکفین
و نماز را بدیشان توصیه نمودند و پسر میانهٔ خود میر
غلام علی شاه را در طریقهٔ علیه قادریه خلیفه و جای نشین
خود کردند در روز فوت شان سردار محمد یعقوب خان
پسر امیر شیرعلی خان مرحوم با مشایخ و علماء هرات و
باقی مخلصین در قریهٔ کبرزان حاضر شده نعش مبارك را

بنا بوصیت خود شان در قریهٔ سیاوشان برده و در شمالی خوانقاه حضرت شیخ عبدالحی در جنب والد ماجد شان دفن کردند (انا لله و الیه راجعون)

۳۲۴

حضرت میر غلام علی شاه قدس الله سره

مجذوب حضرت اله العارف بالله میر غلام علی شاه خلف الصدق حضرت میر ابو الفیض صاحب در ماه رمضان سنه ۱۲۶۵ هجری متولد شدند در سن هفت سالگی با جازهٔ والد ماجد خود جهة درس خواندن در عزیز آباد اسفزار بخدمت شیخ زادهٔ مکرم رفتند در سن شانزده سالگی ازانجا در داخل قریهٔ کوه زور رفته ار بعینات و ریاضات شاقه نموده بعد از دو سال بهرات مراجعت نموده بخدمت والد ماجد خود کسب طریقهٔ انیقهٔ قادریه نمود بعد از فوت پدر بزرگوار خود مریدان را بتربیت طریقهٔ قادریه با کمال میرسانید صیام حضرت داؤد علی نبینا و علیه السلام را لازم داشتند تلاوت قرآن مجید را بسیار می کردند شبها در مزارات عالیدرجات هرات بسر می بردند از ایشان خوارق عادات به ظهور رسیده لکن این مختصر گنجایش بسط آن را ندارد

آخر الامر مرض ذات الصدر بایشان عارض شده چون اجله موعود رسیده بود بعد از چند روز در شب دوشنبه ربیع الثانی

سنه ۱۳۱۱ پیك اجل را لبیك گفته جان را بجانان تسلیم نمودند در یوم دوشنبه علما و سادات و حکام در قریهٔ کبرزان حاضر شده جنازه خوانده نعش شان را در انجا دفن کرده اند مرقد شان مشهور و معروف است (یزاد و یتبرك به)

حضرت میر سید سعد الله ۳۲۵

صاحب قادری

آن خلاصهٔ خاندان مصطفوی نقاوهٔ دودمان مرتضوی العالم العارف بالله الواصل الی الله حضرت میر سید سعد الله صاحب خلف الصدق حضرت سید حمید الدین صاحب است که سلسلهٔ نسب و ارادت شان میرسد بحضرت پیر پیران و میر میران غوث الثقلین و قطب الخافقین غوث الاعظم سید عبد القادر جیلانی (افاض الله علینا من فیوضاته و فتوحاته آمین) حضرت ایشان در اخیر عمر جهة زیارات کثیر الفیوضات هرات زینت بخش این بقعهٔ مبارکهٔ هرات شدند در علم تفسیر وحدیث شریف بی نظیر بودند همواره مجالس و صحبت شان با علما بود بجود و سخا شهرتی دارند در طریقهٔ علیه قادریه خلق را ارشاد و هدایت می نموده مرجع خواص و عوام شدند مرحوم شهزادهٔ کامران سدوزائی بسیار معتقد شان شد بنت صلبی خود را بحبالهٔ نکاح شان درآورد و هفت نفر غلام و کنیز و هفت

در بند حویلی که واقع است در جنب مسجد جامع شریف و هفت زوج اراضی غوران بائی را نذرالله نموده بخدمت شان تقدیم نمود پس ازان که الطاف پادشاهی دامنگیر شان شد مقیم هرات گردیدند دو میوهٔ نوبادهٔ تازه که یکی شان میر سید محمد شریف ودیگری میر سید محمد اجیب از نخل باغستان شاهی بوجود آمده اند که شرح حالات هر یك علیحده در حیز تحریر می آید آخر الامر حضرت موصوف بحکم کریمهٔ (کل من علیها فان) طائر روحش جهان فانی را پدرود نموده به آشیان قدس خرامید شهزاده گان نامدار وعلما وسادات ومشایخ و باقی مخلصین بجنازهٔ شان حاضرشده نعش مبارك شان را در مزار فیض آثار حضرت ملا حسن مجزوب که واقع است به خیابان هرات دفن نمودند تاریخ فوت شان بتحقیق نرسیده است

حضرت میر سید شریف ۳۲۶

صاحب قادری سیاوشانی

زبدهٔ سادات کرام و عمدهٔ مشایخ عظام ثمرهٔ شجریه غوثیه تازه گل باغ احمدیه محبوب حضرت باری میر سید شریف قادری خلف الصدق حضرت میر سید سعدالله صاحب قادری است که مناقب شان گذشت تولدشان در شهر هرات سنه ۱۲۵۴ واقع شده است چنانچه شهزادهٔ والا جاه جهانگیر شاه پسر مرحوم کامران شاه

در تاریخ ولادت شان چند فرد را بر شتهٔ نظم در کشیده است عیناً آن را تحریر مینمائیم :—

زنسل پیر پیران غوث اعظم آن شه اکبر — چو فرخ سرو آزاده زباغ احمد و حیدر
گلی از گلشن بطن و بار زوجهٔ زهرا — خجسته میوهٔ از فر آن خاتون ایکو فر
چه زیبا کوکبی آمد برون از مطلع خوبی — ز برج کامرانی گشت طالع چون مه انور
پدر نسل چنان شاهی که شاهان همه عالم — ز خاک پای او سازند کحل بر چشم و تاج سر
محی الدین جیلانی شهی کل اولیاء الله — که زیر قدمش گردن نهاده اصغر و اکبر
و راماد بود دختر چنین شاهی که از عدلش — بود اندر هری با گوسفندان گرگ همپاور
محمد کامران شه کز فروغ کوکب بختش — بود شام هری روشن چو صبح مطلع خاور
زهی شهزاده و سید محمد شد شریف اسمش - زهی اسم زهی اصل زهی نسل زهی گوهر
فراولادی چون بود این سید و شهزاده — بجو تاریخ مولودش جهان گیرا ز (پیغمبر)

۱۲۵۴

در مبادی حال بتحصیل علوم و کمالات پرداختند و بهرهٔ وافی یافتند چنانچه در کمالات ظاهر و باطن یگانهٔ عصر شدند بعد از فوت پدر بزرگوار هر دو برادر از شهر کوچکرده در قریهٔ سیدو شان سکنی پذیر شدند اهالی آن دیار بخدمت شان ارادت و عقیدت نموده اند این فقیر مؤلف بصحبت شان بسیار رسیده است خلق نیکو و خلق دلجو داشتند این چنین صورت زیبا و سیرت دلربا بکسی ندیدم مرجع خاص و عوام بودند دو مرتبه بزیارت حرمین شریفین زادهما الله شرفاً مشرف شدند در مرتبهٔ

اخیر والد ماجدم بمعیت شان شامل بودند حالات عجیبه از ایشان دریافتند به ترتیب مریدان و دلجوئی مسلمانان بسیار میکوشند خرق عادات از ایشان بظهور می رسید •

﴿نقلست﴾ مرحوم آخند ملاعبد الخالق که امام و مدرس شان بودند می فرمود هرگاه سحر در مسجد می آمدم از دور مسجد را روشن میدیدم چون بمسجد داخل میشدم میدیدم که حضرت صاحب در مسجد مراقب نشسته و چراغ نیست میدانستم که آن نور ذکر است چون عمر ایشان بشصت و سه ساله رسید بمرض سوزاکی گرفتار شده در سنه ۱۳۱۷ ندای اجل را لبیك گفته در جوار رحمة رب العالمین (فی مقعد صدق عند ملیك مقتدر) شتافتند علما و سادات و مشایخ و اهل هرات در جنازهٔ شان حاضر شده در خطیرهٔ حضرت خواجه روشنائی که واقع است در سیاوشان قریب نهر گذاره نعش ایشانرا دفن نمودند (انا لله وانا الیه راجعون)

حضرت صاحبزاده ۳۲۷

سید محمد نجیب قادری سیاوشانی

عالم ادیب لبیب وعارف حسیب نسیب صاحبزاده میر سید محمد نجیب خلف الصدق حضرت میر سید سعد الله صاحب و برادر خرد صاحبزاده میر سید محمد شریف است و لادت باسعادت

شان در سنه ۱۲۵۹ در شهر هرات واقع شده است در
مبادی حال با برادر کلان خود بتحصیل علوم کوشیدند تا
در کمالات صوری و معنوی بر اقران فائق شدند در فن شعر
مهارت اعلی و ید طولی داشتند قصیدهٔ که در مزار فیض
آثار حضرت خواجه محمد کنجان است از نتایج طبع ایشان
است برعایت دلها و خدمت علماء و فقرا میکوشیدند بزیارت
حرمین شریفین بصحابت برادر کلان خود مشرف شدند
در سنه ۱۳۱۲ در حین حیات برادر بزرگ ایشان بحکم آیهٔ
وافه (کل نفس ذائقة الموت) طائر روح پر فتوحش از
تنگنای قفس بدن پرید و بآشیان اصل رسید (انا لله و انا
الیه راجعون) علما و سادات و سایر اهل هرات درسیاوشان
جمع شده جنازهٔ شانرا خوانده در مزار فیض آثار حضرت
خواجه روشنائی دفن نمودند ٭

حضرت آخندزاده ۳۲۸

ملا یحیی صاحب زیارتکاهی

آن خزانهٔ علم و حکمت آن یگانهٔ حلم و عصمت آن حامل
شریعت مصطفوی صلی الله علیه و سلم و عامل طریقة مرتضی رضی
الله تعالی عنه آخندزاده ملا یحیی خلف الصدق مرحوم
آخند ملا عبد الله فاضل بخارائی است که در علم و تقوی

یگانهٔ عصر و فرزانهٔ دهر بودند آخند زادهٔ موصوف در عنفوان
شباب جهة تحصیل علوم بسی ریاضات و مجاهدات نمودند
تا علوم عقلیه و نقلیه و اصول و فروع را بخدمت والد ماجد
خود حاصل کرده بتدریس طلبه در مدرسهٔ والد ماجد خود
میکوشیدند و طالب مرشد کامل میبودند چون ایشان شافعی
میرزا رحیم الله عزیز آبادی که از اعاظم خلفاء قطب العارفین
حضرت غلام علی شاه صاحب دهلوی بودند و در هرات شرف
ورود یافتند جناب آخند زاده موصوف بخدمت شان
شتافتند و بقهٔ ارادت شان را بدوش همت خود انداخت
و چنان ریاضات شاقه کشید و رنجها دید که زیاده از طاقت
بشر است تا بخلعت خلافت شان مشرف گشت با وجود این تدریس
طلبه را ترك ننمودند اکثر اهل هرات از علما و امرا مرید
و معتقد شان شدند امیر محمد یعقوبخان پسر امیر شیر علی
خان مرحوم با اعیان و ارکان دولت روزهای جمعه
در زیارتگاه بخدمت ایشان میرسیدند کرامات وخوارق
عادات از ایشان بسیار بظهور میرسید که تفصیل آن درین
نمی گنجد در سنه ۱۲۹۳ طائر روح پرفتوحش از تنگنای
دنیای دنی پرید و به آشیان اصل خود رسید علما و سادات
و مشایخ عصر و حکام و مریدین در قریهٔ زیارتگاه نماز
جنازه را خوانده در دشت یلان قریب مرقد پدر بزرگوارش

دفن نمودند از ایشان خلفاء نامدار و اولاد کامکار
باقی ماند ه تاریخ وفات از طبع فقیر مؤلف است ۰

زفضل عالم عارف که نام ایش یحیی — زیارتگاه عالم شد زیارتگاه بیهمتا
لقاء حضرت حق راز اس مشتاق میبودی — بشد تاریخ فوت او (لقاء خالق یکتا)
۱۲۹۳

حضرت خواجه خلیفه ۳۲۹

مولینا صاحب حوض کرباسی

آن مقتدای طریقت و پیشوای شریعت سلالهٔ مشایخ عظمه
حضرت خلیفه مولینا صاحب رحمة الله علیه خلف الصدق
حضرت خلیفه خواجه محمد یوسف الجامی است که مناقب
شان در کتب مسطور است سلسلهٔ نسب شان میرسد بحضرت
شیخ الاسلام و قطب الانام حضرت شیخ احمد الجامی النامقی
قدس الله تعالی سره که از احفاد حضرت جریر بن عبد الله
البجلی است که یکی از کبار صحابه بوده است رضی الله تعالی عنه
نام مبارك ایشان خواجه عبد الرحیم عماد الدین است ایشان
در طریقهٔ علیه نقشبندیه مرید و خلیفهٔ پدر بزرگوار خود
بوده اند درجهٔ عالیه داشتند در علم فقه و تفسیر و حدیث
یگانهٔ عصر خود بودند و اکثر اوقات همراه علما مجالسه ومذاکره
مینمودند تحصیل علوم را از خواجه ضیاء الدین محمود که

داماد ایشان نمودند همواره اوقات را باوراد و وظایف و ریاضات شاقه مصروف میداشتند در نصایح خلق و دلجوئی شان سعی بلیغ مینمودند در اداء فرائض بجماعات و اتباع سنة سنیه کوشش زیاد داشتند خوارق عادات از ایشان بسیار بظهور رسیده

﴿نقلست﴾ بعضی مخلصین شان از ظلم محمد علم خان فراهی شکوه و استغاثه نمودند که بسیار شخص جابر وظالم است و تعدی آن از حد گذشته که شب و روز در ایذای خلق خدا میکوشد فرمودند که عرض شما را امشب خدمت بزرگان خواهم نمود و امیدوارم که باین نیزه شکم او را پاره کنند و اشاره بسر نیزه خود کردند در همان شب شکم خان مذکور در فراه پاره کرده او را هلاک ساختند

﴿نقلست﴾ خواجه قطب الدین که همشیره زاده و امام و مدرس مسجد شان بود میگفت روزی حضرت ایشان برایم فرمودند ای فرزند چرا درس طلبه را نمیگوئی در جواب شان گفتم که طالبان از علوم بلند میخوانند و بنده از درس آنها عاجزم فرمودند هر کتاب که میخواهی تدریس کن انشاء الله تعالی میتوانی همان بود که هر کتاب از هر علم که مطالعه کردم منکشف شده تدریس نمودم

عمر شان بهفتاد و شش سال رسید در سنه ۱۳۹۳ هجری قمری یوم پنجشنبه هشتم جمادی الاخری مرغ روحش بجوار رحمت

حق پیوست مرقد مبارک شان در شرفی مزار فیض آثار حضرت خواجه ابو الولید احمد است • یزاد و یتبرک به)

حضرت حاجی خواجه ۳۳

احمد الجامی حوض کرباسی

عارف اوحد و شیخ امجد حضرت حاجی خواجه احمد الجامی رحمة الله علیه خلف الصدق حضرت خواجه عبدالرحیم عمادالدین الجامی است وی فرزند ارشد و مرید و جانشین پدر بزرگوار خود بودند از اکابر مشایخ عصر است تعلیم فقه و تفسیر وحدیث وتجوید را درنزد مرحوم ملا مقری محمد که امام و مدرس شان بود نموده اند و از علم طب نیز بهرهٔ وافی داشتند در ریاضات و مجاهدات و اتباع سنت حضرت خیر الانام علیه الصلواة والسلام بسر میبردند درنصایح و دلجوئی خلق بسیار میکوشیدند هیبت و شکوه شان قلوبرا فراهم میکرفت که در حضورشان اکثر مردمرا یارای سخن گفتن نبود مرجع خواص وعوام بودند امرا وحکام بخدمت شان عقیدت وارادت داشته بصحبت شان میرسیدند واستفاده می نمودند بمثل مرحوم سردار محمدایوب خان پسر مرحوم امیر شیرعلیخان و مرحوم فراموز خان سپه سالار هرات (نقلست) نایب میر خان برادر ائی

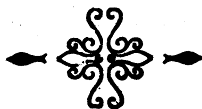
حوض کربا سی میگفت روزی حضرت حاجی صاحب مرا امر فرمودند که اسپ مهیا کن تا باتو بزیارت حضرت خواجه ملا کوهی برویم همان بود که رفتیم و تا عصر در آنجا بسر برده نماز عصر را در انجا خوانده مراجعت نموده نماز شام را بکنار حوض دشت خواندیم در اثناء نماز هر دو اسپ گریخته رفتند که از چشم غایب شدند من مضطرب شده بعد از نماز اراده کردم که آنها را تعقیب نمایم مرا منع کردند و فرمودند که تا نماز خفتن را بخوانیم خود آن ها میآیند چون نماز خفتن خوانده شد هر دو اسپ حاضر شده آنها را سوار شده آمدیم عمر شان بهفتاد و سه سال رسید در یوم چهارشنبه پانزدهم محرم الحرام سنه ۱۳۰۷ بود که بیك اجل را لبیك گفته بجوار رحمت حق جل شانه پیوستند مرقد مبارك شان در جنب والد بزرگوار شان است یزاد و یتبرك به)

حضرت مولینا عبد الغفور ۳۱

صاحب خواجه چناری

صاحب الفیض والنور ما وجد نظیره فی الدهور حضرت مولینا عبد الغفور قدس سره خلف الصدق حضرت ملا قربان وایشان خلف الصدق حضرت آخند ملا کند معلی صاحب است

و سلسلهٔ ارادت شان بجد بزرگوارشان میرسد در تجرید و تفرید و ترک دنیا در عصر خود نظیر نداشت اکثر اوقات را در مغاوری کوه و قلل جبال بسر می برد جامه خشن و کهنه میپوشید و بمجاهدت و ریاضت نفس میکوشید ﴿اقلست﴾ در مبادی حال جهة صید و شکار در مرغزار میگشت و درسیر و سلوک نمی کوشید روزی درویشی در قریهٔ خواجه محمد چنار با یشان تصادف نموده فرمود ای عبد الغفور تا بکی عمر را ضایع میکنی و طریقهٔ جد امجد خود نمیروی فرمود که حلاوت و حرارتی در خود نمی بینم آن درویش فرمود چهل شب در آستانهٔ جد خود حضرت آخند ملا گند معلی صاحب قیام نما البته بهره و کام خود را خواهی یافت حضرت مولینا چهل شب در خسرو چنانچه درویش گفته بود بسر برد ند شب چهلم حضرت حق سبحانه تعالی بر ایشان داد آنچه داد کرامت و خرق عادات شان در هرات بحد تواتر است لکن در این مختصر گنجایش آن را ندارد و تاریخ ولادت و وفات شان معلوم نشد لهذا به تفصیل آن نپرداختم مدفن شان در قریهٔ خواجه محمد چنار مشهور و معروف است در اجابت دعا مجرب است یزاد و یتبرک به)



حضرت شهزاده ۳۳۲

حاجی گیتی ستان پاشدان

العارف بالله الذی اذا قال بالله واذا سکت سکت لله فریدالعصر و وحید الزمان الشیخ حاجی گیتی ستان خلف الصدق شهزاده سلطان شاه است بن مرحوم امیر تیمور شاه بن مرحوم السلطان احمد شاه الغازی و ایشان از جملهٔ مردان ومجزوبان سالك بودند میفرمودند که پدرم شهزاده سلطان شاه اساس سلطنت را بعم محترم شهزاده محمود شاه گذاشت و مصاحبت فقرا را برخود لازم گرفت وهمواره حدیث مبارك را تکرار مینمود که [اللهم احینی مسکیناً و امتنی مسکیناً و احشرنی في زمرة المساکین] و مرا امر میکرد به آموختن علوم شرعیه و من در مدرسهٔ پای حصار بخدمت حضرت خلیفه ملا عبدالاحد صاحب درس میخواندم دران اثنا فقیری بنزد پدرم آمد و گفت گیتی ستان را بمن بسپارید که تربیت کنم ازو فور عقیدت که برای درویشان داشت بر ایش مسکن و معاش مقرر نموده مرا بصحبت وی ترغیب نمود بنا به فرمودهٔ پدر خود گاه گاه بعد از فراغ درس بخلوت آن فقیر میرفتم و ازان حالات عجیبه مشاهده مینمودم مگر اینکه مرا تعلیم ذکر نمیکرد روزی بنزد پدرم آمد و باوی وداع نمود

وگفت امشب از دنیا میروم فردا درویش باین چهره حاضر میشود نعش مرا تکفین و تجهیز مینماید همان شب فوت شد فردا همان درویش حاضر شد و تجهیز نموده رفت بعد از ان جا متاثر شدم و محبت فقرا در دلم جای گرفت درین اثنا پدرم فوت شد و آن آتش در دلم زیاده اشتعال یافت غلامها وکنیزها را آزاد کردم وعازم سفر حرمین شریفین شده ترك وطن مالوف نموده یازده سال مسافر بودم در اثنا وراه بصحبت فقرا وزیارت مشایخ رسیدم بعد از زیارت حرمین شریفین به بغداد شریف بزیارت روضه مطهرهٔ حضرت غوث الاعظم محی الدین عبد القادر جیلانی مشرف شدم درین اثنا حضرت شیخ عبدالرحمن صاحب که یکی از خلفای غوثیه بود از کرکوك بزیارت حضرت شیخ شرف ورودمی یافت بخدمت شان شتافتم از یشان حالات عجیبه مشاهده کردم در مسلك ارادت شان درآمدم و بخدمت شان در کرکوك که هشت منزل است از بغداد رفتم ودر جامع شان حجره نشین شدم هرگاه بخدمت شان میرسیدم بپا ایستاده کلمات قدسی سمات شانرا استماع مینمودم بعد هفت سال مرا ماذون و مجاز گردانیده بجانب هرات فرستادند و فرمودند در هرات که میروی اولا بخدمت شخصی روی که درشرقی هرات مسکن دارد ولقب شان مولنا عبدالغفور است ومرا عطا فرمودند اجازه خطی که

مشتمل است بر ذکر مشایخ علیه قادریه از حضرت عبدالرحمن

الی حضرت غوث الاعظم قدس سره چون در هرات آمدم اینا بفرموده شان

اولا بصحبت حضرت مولنا در قریه خواجه چشار رسیده ام

دمجرد که دست شانرا گرفتم فرمودند ای شهزاده تا لکفتند

لیا مدی خوش آمدی من آب درب خوانه بودم بارها میدیدم

که دست متصرفی از طرف بغداد میآید و مشایخ هرات رد میکنند

تا اینکه ترا فرستادند الحمد لله علی ذالك و نیز فرمودند

الحمد لله که نسبت صحیح از حضرات غوثیه حاصل

نمودی حضرت غوث الاعظم صاحب فرمودند که طوبی

لمن دانی و لمن رای من رانی الی سبعین درجة انتهی ﴿نقلست﴾

چون حضرت حاجی صاحب عازم هرات شدند بقریه برك

نو بادام مسکن گرفته خلقی بسیار برا هدایت نمودند در ین

اثنا در یوم پنجشنبه سنه یکهزار دوصد و پنجاه شش بود

حضرت امیر زاده را حق جل و علی برای شان عطا فرمود

که آثار سعادت از ناصیه شان ظاهر و هویدا بود

در صغر سن بکمالات ظاهری وباطنی متصف شدند چون درسن

سی سالکی رسیدند در نوزدهم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۶

بجوار رحمت حق پیوست پدر بزرگوار شان بنا بسفارش

خود شان نعش شانرا در قریه پایندان بخطیره حضرت

خوجه محمد بقد کشا دفن نمودند پدر شان در مرتبه شان

بسی قصائد پر سوز انشا فرمودند. بعد از فوت شان یازده سال حضرت حاجی صاحب بعبادت و هدایت خلق خدا بسر بردند در سنه یکهزار دو صد و نود و هفت روح پر فتوح شان تنگنای قفس اندر اپدرود نموده بجوار رحمت حق پیوست و در قریه پا شدان در خطاره حضرت خواجه محمد بلند کشا مدفون شده اند انا لله و انا الیه راجعون مزار فیض آثار شان مرجع خواص و عوام است و آخر دعونا ان الحمد لله رب العالمین

حضرت پیر امان الله ۳۴۳

صاحب غوری

آن فانی فی الله و باقی بالله حضرت پیر امان الله خلف الصدق مولینا رحمة الله قندهاری است در بدایت حال در شهر قندهار بتحصیل علوم اشتغال نموده علم فقه وتفسیر وحدیث را تحصیل نمودند بعد طلب مرشد شده دست انابت را اولا بدست حق پرست حضرت با رفعت مولوی محمد جان صاحب قندهاری دادند بعد ازفوت شان ربقهٔ ارادت حضرت حاجی دوست محمد صاحب دهلی را که خلیفهٔ حضرت شیخ ابوسعید است وآن خلیفه حضرت شاه اولیاء غلام علیشاه صاحب دهلی قدس الله اسرارهم بردوش

همت خود انداخته مدت سه سال در صحبت شان کسب علوم
باطن نموده خرقهٔ خلافت پوشیده بعد عنان عزیمت را
بجانب هرات گردانید و ازانجا بغور رفته رخت اقامت انداخت
و بسیاری اهالی غور معتقد و مخلص شان شدند سال های
بسیار درانجا بعبادت خدایتعالی و هدایت خلق الله بسر
میبردند و از ایشان بسی کرامات وخرق عادات دیده شده
که این رساله گنجایش آن را ندارد و در کتاب علیحده
بعضی از مخلصان شان جمع نمودند آخرالامر در سنه ۱۲۹۳
که غزوهٔ میوند در قندهار واقع شد وایشان همراه مخلصان
خود بغزا رفتند برای ایشان مرض ذات الجنب عارض شد
ازانجا مراجعت نموده در خوانهٔ خود رسیده بحکم وا فیه
(کل من علیها فان و یبقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام)
مرغ روح پرفتوحش عالم فانی را پدرود نموده بسوی آشیان
اصل شتافت (انا لله وانا الیه راجعون) نعش مبارك شان
را در قریهٔ طولی که من جملهٔ قرای غور است مدفون گردانیدند
(یزاد و یتبرك به) و از اولاد شان بعد از فوت شان دو
فرزند ارشد بطریقهٔ شان خلفا را ارشاد و هدایت نمودند
حضرت ولی الله صاحب در غورات و حضرت مولوی ولی محمد
صاحب در هرات حضرت ولی الله صاحب مدفن شان در
پرچمن است تاریخ فوت شان معلوم نشد و حضرت مولوی

ولی محمد صاحب درسنه ۱۳۲۰ در هرات داعی اجل را لبیك گفته و بآشیان اصل شتافت ودو قریهٔ ده زیرك مدفون شدند (رحمة الله تعالی علیهم اجمعین)

حضرت شیخ ملا عبدالرسول

صاحب اوکلی

آن سوختهٔ عشق کبریائی بار یافتهٔ درگاه الهی مقبل مقبول شیخ ملا عبدالرسول مرید و خلیفهٔ حضرت شیخ نور الله صاحب است که بچند واسطه میرسد بحضرت امام ربانی مجدد الف ثانی شیخ احمد سهرندی قدس سره شیخ موصوف در تجرید وتفرید یگانهٔ زمان بودند اکثر عمر را بمزاوات عالیدرجات هرات گذرانیدند بفقر و صیام روز و صلواة و قیام شب طاقهٔ قویمی داشت از ایشان کرامات و خوارق عادات بسیار بظهور رسیده که این مختصر گنجایش آن را ندارد همواره لیمچهٔ نمدی پشمی میپوشیدند و بمجاهدت نفس میکوشیدند و با فقراء میجوشیدند تا آخر داعیهٔ اجل را اجابت نموده طائر روحش تنگنای دنیا را پدرود نموده بفضای دلکشای جنان خرامید (انا لله و انا الیه راجعون) مدفن شان در علاقهٔ اوکل است مشهور و معروف یزاد و یتبرك به)

حضرت میا فضل الحق ۳۳۵

صاحب مجددی

آن سالک مناسك شریعت وقطب دائرهٔ طریقت شیخ زادهٔ برحق حضرت میا فضل الحق صاحب مجددی خلف الصدق شاه باز بلند پرواز قدسی مکان عرش آشیان شیخ الشیوخ حضرت میا محمد عمر صاحب مجددی است حضرت موصوف درعنفوان شباب علوم متداوله را بخدمت والد ماجد خود تحصیل نموده داخل طریقهٔ علیه نقشبندیه شدند اینقدر ریاضات و مجاهدات ووظائف واوراد داشتند که زیاده از طاقهٔ بشر است دراد راك جماعات و استقامهٔ شریعت مطهره و رعایه و استمالت قلوب مسلمانان بی نظیر بودند در ماه مبارك رمضان در نماز تراویح هر پنج شب یك ختم قرآن شریف مینمودند و به تربیت مریدان میکوشیدند همواره مصاحب شان علما بودند سفر حرمین شریفین را همراه چند نفر مخلصین بسیار بطرز نیکو و آداب دلجوی بجای آوردند عمر گرامی شان قریب بهفتاد سال رسید در سنه ۱۳۳۲ ندای (ارجعی الی ربك راضیة مرضیه) را بگوش هوش شنیده طائر روحش تنگنای دنیا رایدرود نموده به آشیان قدس رسید (انا لله وانا الیه راجعون)

در جنازهٔ نشان علما و مشایخ و حکام و مخلصین اجتماع نموده نعش مبارک شان را در خطیرهٔ علیحده غربی مزار فیض آثار حضرت مولوی جامی قدس الله سره مدفون نمودند یزاد و یتبرک به)

حضرت خلیفه ۳۳۶

ملا عبد الاحد صاحب سلجوقی

قطب دائرهٔ شریعت و غواص بحر طریقت عارف امجد خلیفه ملا عبد الاحد صاحب خلف الصدق مرحوم آخند ملا میرزا است که یکی از اکابر و مشاهیر علماء هرات بودند ولادت باسعادت شان در سنه ۱۱۶۵ هجری قمری واقع شده است در عنفوان شباب علوم متداوله را در نزد والد ماجد خود تحصیل نموده بتدریس اشتغال مینمودند در سن بیست و پنج سالگی اشتیاق صحبت مرشد کامل در کانون سینهٔ شان اشتعال نموده موصوف را بیتاب کرده جویا و پویای مرشد کامل شدند اولا بخدمت باسعادت حضرت خلیفه میر ابراهیم صاحب قندالی ادرانی شتافته استدعاء ارادت نمودند حضرت خلیفه بعد از استخاره فرمودند که نصیبهٔ شما در نزد ما نیست بعد بخدمت باسعادت آخند ملا عبید الله صاحب که یکی از احفاد حضرت آخند ملا گند معلی صاحب بودند

توسل نموده ایشان هم بعد از استخاره چنین فرمودند
درین اثنا مکتوبی از دار الفاخرهٔ بخاری از حضرت
قطب العارفین حضرت جی صاحب مجددی باسمی شان وارد
شد که مطلوب شما درین جاست پس کمر همت را بسته با چند
نفر از خاصان خود متوجه بخاری شدند در بادیهٔ هائله
رسیده راه را گم کردند و متحیر نشستند درین اثنا حضرت
جی صاحب در بخاری این حال را دریافته بیکی از
مریدان که خلیفه ملا عثمان گواشانی بود فرموده اند که بعضی
از یاران شما در بادیه راه گم نموده بر بام مسجد بالا رو
و آهسته اذان بگوی بعد از اذان بگوی که یاران بدست راست
خلیفهٔ موصوف مبادرت نموده بقدرت الهی این آواز بگوش
راه گم کردگان رسید دست راست را گرفته راه یافتند
بعد که به بخارا رسیدند ایشان را بطریقهٔ انیقهٔ نقشبندیه
داخل نمودند بادنی فرصت به درجات عالیه مشرف شده خلعت
خلافت در بر کرده عازم هرات شدند باقی اوقات عمر عزیز
را بریاضت نفس و هدایت خلق و تدریس کتب صرف نمودند
خوارق عادات از یشان بسی بظهور رسیده که این مختصر گنجایش
آن را ندارد در اخیر که عمرشان به نود و پنجسال رسید جنا به
حضرت جی صاحب یکخرقهٔ در هرات فرستادند ونوشتند
که این خرقه از ان ملا محمد حسین پسرشماست حضرت خلیفه

یاران را جمع نموده خرقه را دربری فرزند ارجمند خود خلیفه ملا محمد حسین صاحب که عنقریب شرح حالات شان ذکر میشود نمودند و فرمودند که ای فرزند این بار امانت که بردوش من بود بدوش تو انداختم متوجه خود باش وبا یاران وداع نمودند که این خرقهٔ مژدهٔ فوت من است قریب بدان در بیست وپنجم محرم الحرام سنه ۱۲۵۵ طائر روح پرفتوحش این تنگنای دنیای دنی را پدرود نموده در فضای بیدای جنان خرامید و نعش مبارک شان را در مقبرهٔ سلجوقیه که غربی نازوستان مزار فیض آثار حضرت مولوی جامی قدس سره واقع است دفن نمودند انالله وانا الیه راجعون)

حضرت خلیفه ۲۳۷

ملا محمد حسین صاحب

آن فاضل کامل وعالم عامل خلیفه ملا محمد حسین خلف الصدق حضرت خلیفه ملا عبدالاحد است ایشان در عنفوان شباب علوم متداوله را در نزد والد ماجد خود تحصیل نموده بخدمت شان دست انابت دادند بحسن خلق و عبادت و گوشه نشینی معروف بودند و در حسن خط نستعلیق شهرهٔ آفاق اند که قطعات شان بزیور زر محلی در جمیع ممالک افغانستان موجود است و اکثر خوش نویسان هرات بالذات یا بالواسطه تلمیذ شان

است عمر گرامی شان از هشتاد سال متجاوز شد باالاخره ندای (ارجعی الی ربك) را بگوش هوش شنیده طائر روح شان تنگنای دنیارا پدرود نموده بدارالخلد شتافتند و در مقبرهٔ سلجوقیه مدفون شدند اناالله وانا الیه راجعون)

حضرت میر مصطفی ۱۳۳۸

صاحب بیچقی قتالی رحمة الله علیه

ناسك مناسك شریعت مصطفوی و سالك مسالك طریقة مرتضوی حضرت خلیفه میر مصطفی صاحب خلف الصدق میر سید اشرف است که سلسلهٔ نسب شان میرسد بحضرت میر یحیی صاحب که در اوائل این حصه ذکر شان تحریر یافت حضرت ایشان در عنفوان شباب بتحصیل علوم دینیه پرداختند و ازان بهرهٔ وافی یافتند درزمان بیست وپنج سالگی بمطالعهٔ کتب تصوف روی آوردند تا داعیهٔ ارادت وانابت بدیشان مستولی شده بخدمت حضرت شیخ ملا محمد جان پسر بزرگ و جای نشین حضرت آخند ملا علی محمد صاحب اسفزاری که مناقب شان گذشت شتافتند و مرید شدند بعد از ریاضت چند سال بخلعت خلافت سرافراز شده بتلقین و ارشاد مریدان پرداختند بعد از فوت پدربزرگوار خود بصحبت صاحب مجذوب وحضرت صوفی صاحب که پسران

دیگر حضرت آخند ملا علی محمد صاحب بودند رسید وازنزد ایشان اذن و اجازت خواست ایشان حالت قوی داشتند و باستقامت شرع شریف بسی اهتمام مینمودند در اکثر اوقات در مسجد جامع شهر هرات بسر میبردند بسن چهل و هشت سالکی بطرز نیکو از یارت حرمین شریفین مشرف شدند خرق عادات از ایشان بسیار نقل میکنند ﴿نقلست﴾ یکی از مخلصان میگفت که شبی در مسجد جامع هرات تنها مراقب نشسته بردم دیدم که مسجد روشن شد وحضرت ایشان درآمدند از شوق دیدار شان بیهوش افتادم چون صبح شد ایشان را جویا شدم که دران شب در قریهٔ بیچقی بودند چون عمر شان بشصت و سه سال که عمر مسنونه است رسید در سنه ۱۳۳۷ هجری قمری طائر روح شان تنگنای دلیا را پدرود نموده بفضای باغ جنان خرامید علما و مشایخ و مخلصین جنازه خوانده نعش مبارک شان را در بیچقی دفن نمودند یکی از مخلصین شان بر مزار فیض آثار شان مسجد جامع عالی تعمیر نموده است یزاد و یتبرک به)

یکی از فضلاء وقت در مرثیه و تاریخ فوت شان چند فرد را در سلك نظم در آورده است عیناً نگاشته شد :—

یگانه قطب زمان شهسوار سیر و سلوك — مهین زمرهٔ سادات شیخ باتمکین

نزول فیض الهی بعرصهٔ امکان — عطای نامتناهی بساکنان زمین

رئیس اهل صفا میر مصطفی کو بود — خزینهٔ گهری معرفت چراغ یقین
جمال ملت دین مطلع شموس هدا — ضیاء نیر انوار شاد مقتدای مهین
چو بود طائر روحش ز آشیانهٔ قدس — ز تنگنای قفس روی سوی علیین
میان ز شغل گرفت آن جناب درشوال — حساب رحلت او میشود ازین تعیین
چو بود عارف یکتا بسر غیب جلال — ز سر غیب جلال انتقال فرتش یقین
۱۳۳۷

حضرت آخندزاده ۳۳۹

ملا محمد حسن اوبهی

شمس فلك شریعت غواص بحر طریقت صاحب فیض الهی آخند زاده ملا محمد حسن اوبهی خلف الصدق آخندزاده ملا شمس الدین قوم طوخی قندهاری است اخذ طریقه نقشبندیه را از حضرت آخند زاده ملا کامران صاحب موسی زائی نموده اند و ایشان از حضرت مولوی ملا محمد جان صاحب میر بازار و ایشان از حضرت غلام علی شاه صاحب دهلوی قدس الله اسرارهم تحصیل علوم را در پشت رود قندهار کرده اند و در جوانی عازم هرات شده در قصبه اوبه سکنا پذیر شده اند عمر خود را بتدریس علوم دینیه و ارشاد و هدایت خلق بسر برده اند بسیاری اهل هرات مخلص ومعتقد شان بوده اند بسی حالت قوی داشتند از صحبت حکام احتراز

واجتناب مینمودند بزیارت مزارات مشایخ بسیار میرفتند علی الخصوص در گازرگاه شریف بزیارت حضرت شیخ الاسلام مقبول حضرت باری خواجه عبدالله انصاری قدس سره دراستقامت شرع شریف بسیار میکوشیدند و حال را از مردم بیگانه می پوشیدند مخلصین شان کرامات و خوارق عادات از ایشان بسیار نقل میکنند عمر شان قریب بهشتاد سال رسید در سنه ۱۳۴۲ یوم سه شنبه هفتم ذیقعدة الحرام جهان فانی را پدرود نموده بدار الخلد باقی شتافت و بمخلصان داغ جدائی گذاشت نعش شان را درقریهٔ بند بنوش او به دفن نمودند یزاد و یتبرك به)

حضرت صاحبزاده ۳۲

ملا محمد جان صاحب

آن رهنمای اهل ایمان و مقتدای اهل عرفان صاحبزاده ملا محمد جان خلف الصدق حضرت شیخ ملا عبد الرسول است که مناقب شان گذشت نسبت ارادت وخلعت خلافت ازوالد ماجد حاصل نموده اند در عنفوان شباب مدت مدید و عهد بعید در هرات و قندهار جهة تحصیل علوم دینیه و فنون یقینیه بالتزام فقر و فاقه و ریاضات شاقه نموده قصب السبق ازهمگنان و سائر اقران ربوده و از هر علم بهرهٔ وافر و حفظ متکاثر

داشتند خوارق عادات از ایشان بسیار بظهور رسیده که
تحریر آن درین مختصر نمیگنجد عمر گرامی شان قریب
به نود سال رسید آخر الامر بحکم آیهٔ وافیه (کل من
علیها فان ویبقی وجه ربك ذو الجلال والاکرام)
طائر روح پر فتوحش تنگنای دنیاء دنی را بدرود نموده
بفضای جنان خرامید در یوم یکشنبه نهم محرم الحرام سنه
۱۳۵۰ در علاقهٔ اوکل در خطیرهٔ والد ماجد خود مدفون
شدند انالله وانا الیه راجعون)

میر بابه مجذوب ۱۳۲۱

قدس الله تعالی رحمة الله علیه

وی از اقوام قریب حضرت خلیفه میر محمد صدیق
صاحب ادرانی بود عمر گرامی خود را در قریهٔ ادران
به ترك عوائق وعلایق گذرانید ودر اخیر عمر درقریهٔ
آزادان سکونت پذیر شد واهل آن قریه مخلص
شدند ازوی حالات غریبی مشاهده میشد چنانه
از صاحبان نقل میکنند روزی درقریهٔ ادوان
صبح میربابه گفت دیشب آخندزاده ملا
فوت شده است خدا ایش درجات رفیع دهد
من در تعجب شدم بعد معلوم شد که در

ملا محمد قاسم است ایشان بهر علوم عقلیه و نقلیه در حسن خط از اقران فائق بودند کتب درسیه را دو مرتبه به قلم خود نوشتند و یادگار زمان گذاشتند در فن شعر مهارتی تامی داشتند که اشعار آبدار شان در صفحهٔ روزکار ثبت است وتخلص شان عطاء الله است چنانچه این فرد ازان‌ایشان میدهد (ای عطا جولان بمیدان سعادت میکند * آنکهٔ دایم در رضای حضرت معبود بود) واز توالیف شان‌رساله‌ایست در شرح کلمهٔ طیبه بعبارات رائقه و مضامین فائقه در طلاقت لسان و فصاحت بیان شهرتی دارند عمر گرامی را بریاضت و عبادت و اصیحت خلق و تدریس طلبه باتجام رسانیده اند واز زبان شان عالمی مستفید شد و باقیات صالحات برای خود گذاشت بالاخره این دنیاء فانی را پدرود گفته در سنه ١٢٨٨ هجری قمری بسوی دارجاودانی شتافت (انا لله وانا الیه راجعون) مدفن مبارك شان قریب مزار فیض آثار حضرت مولوی جامی علیه الرحمه ومزار فیض آثار حضرت شیخ زین الدین الخوافی قدس سره در خطیرهٔ علیحده که مسمی‌است به خطیرهٔ ملا ذبیح الله خان واقع‌شده است ٠



آخند ملا رحیمداد [رح] ۲

آن جامع علوم عقلیه و نقلیه حاوی علوم اصلیه و فرعیه مرحوم آخند ملا رحیمداد غلجائی در تربیت طلبه واستقامت تدریس وزکاء عقل وفهم درزمان خود بی نظیر بودند در هر فن و هر علم قوت و قدرت تالیف و تصنیف داشتند چنانچه تعلیقات و تحریرات شان در کتب معتبره اکنون مسطور و موجود است اکثر علماء نامدار از تلامیذ شان بودند عمری بتدریس طلبه و نصیحت مسلمانان و بعبادت قادر منان کوشیده با الاخره بحکم کریمهٔ (کل من علیها فان و یبقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام) طائر روحش جهان فانی را پدرود نموده بسوی آشیان قدس شتافت انا لله و انا الیه راجعون)

اخند ملا عبدالله ۳

فاضل ز یارتکاهی رحمة الله علیه

جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع والاصول مرحوم آخند ملا عبدالله فاضل والد ماجد آخندزاده ملا یحیی که مناقب شان گذشت در علم و تقوی و انزوا منفرد عصر بودند نجابت پناه مرحوم متوفی جاجی علیه الرحمه جهة تدریس

شان درزیارتگاه مدرسهٔ عالیه بنا نموده است که اکنون
آباد است وی مرید رشید حضرت شاه افضل احمد صاحب
که مشهور است بحضرت جی بودند بسی ریاضات و مجاهدات
نمودند عمر گرانمایهٔ خود را بنصیحت مسلمانان وتدریس
طالبان علوم بانجام رسانیدند در بعضی کتب معتبره تحریرات
و تعقیلات شان دیده میشود بالجمله عالمی اززبان قال
و حال شان استفاده نموده بهرهٔ وافی یافتند باالاخره
بحکم (کل نفس ذائقة الموت) ازدست ساقی اجل شربت
موت چشیده و جان را بجانان سپرد خلف الصدق شان آخند
زاده ملا یحیی صاحب باجماعهٔ مسلمانان نعش مبارک شان
را در مقبرهٔ زیارتگاه دفن نمودند و برآن عمارتی
تعمیر نموده اند اناالله وانا الیه راجعون)

اخند ملا محمد اویسی ۳

سیاوشانی رحمة الله علیه

جامع المعقول والمنقول حاوی الفروع والاصول
آخند ملا محمد صاحب خلف الصدق آخند ملا محمد صالح
که جد امجد فقیر مؤلف است رحمة الله علیه ولادت باسعادت
شان در سنه ۱۲۲۵ هجری قمری واقع شده است در علم وزهد
و تقوی یگانهٔ عصر و فرید دهر بوده است تحصیل علوم را

در نزد مرحوم آخند ملا میرداد روضه باقی و علماء شهر نموده قصب السبق را از همکنان ربوده بعلوم عقلیه و نقلیه فائق شده است که اکنون تحریرات وتعقیلات که بر کتب معتبره نموده بدست خط مبارك شان بنزد این فقیر موجود است به تربیت و تدوس طلبه می کوشیدند تا از برکات شان علما و مدرسان والاشان بهرهٔ وافی یافتند و ایشان بعد از چند سال از وطن مالوف خود انزوا و عزلت گرفته در قلل جبال بسر می بردند و آتش شوق پیر کامل درکانون سینهٔ شان شعله میزد و نمی یافتند آخر الامر فقیری که نام مبارکش فقیر عبدالله هندوستانی بود بامر و اجازت حضرت قطب العارفین غلام علی شاه صاحب دهلوی آمده ایشان را شش ماه در قلهٔ کوهی تربیت نموده بعد از ان فقیر بهندوستان مراجعت نمود و ایشان بوطن مالوف خود باز آمدند از ایشان بسیار حالات عجیبه و کرامات غریبه مشاهده نموده بدرجات بلند و مقامات ارجمند رسیدند خوارق عادات بظهور رسیده که این مختصر گنجایش آن را ندارد مرید نمیگرفتند اما چند نفر از دزدان و قطاع الطریق و فاجران را توبه داد ند و اهل آن زمان بخدمت شان اخلاص وعقیدت کاملی داشتند ایشان همواره از صحبت حکام و عمال احتراز و اجتناب مینموده شب بعبادت معبود حقیقی و روز بتدریس طلبه علوم

عمر گرامی را که شصت وسه سال شد بانجام رسانیدند بالاخره بحکم وافیهٔ کل من علیها فان و یبقی وجه ربك ذو الجلال والاکرام طائر روحش تنگنای دنیای فانی را پدرود نموده به آشیان اصل خود رسید (اناللّٰه و انا الیه راجعون) مدفن مبارك شان در مقبرهٔ سیاوشان قریب مزار فیض آثار حضرت خواجه محمد کنجان است و تا چند سال اهل سیاوشان از خاك مرقد شان جهة دفع امراض خود میگرفتند ٭

مرحوم حضرت آخند

ملا محمد عمر سلجوقی رحمة اللّٰه علیه

جامع المعقول والمنقول حاوی الفروع والاصول حضرت آخند ملا محمد عمر سلجوقی در علم وورع و استقامت شریعت وجودت ذهن وقوت زکاء فرید عصر و وحید دهر بودند اکتساب علوم وکمالات را بخدمت آخند ملاخدابخش وآخند ملا رحیمداد وآخند ملا گلزار نمودند فقیر مؤلف کتب معتبره وعلوم متداوله را بخدمت شان تحصیل نمودم واز صحبت شان برکات کثیره یافتم اکثر علما و مدرسین این زمان از تلامیذ شان است خواه بالذات وخواه بالواسطه عمر گرامی را بمطالعهٔ کتب وتدریس وتالیف بانجام رسانیدند مؤلفات شان این کتب است : (۱) ملهم الاصول (۲) شرح

رعشه گرفتار شده از تدریس باز ماندند حواشی و تحریرات شان در بعضی کتب ثبت است شرح فارسی خلاصة الحساب از آثار خامهٔ شان باقی است فقیر مؤلف کتاب مطول و خلاصة الحساب را بنزد شان تحصیل نمودم نسبت ارادت بخدمت آخندزاده ملایحیی صاحب زیارتگاهی داشتند قریب به نود سال عمر نمودند آخر الامر داعی اجل را لبیك گفته درسنه ۱۳۳۵ برحمت حق جل سلطانه پیوستند ایشان را در سمت جنوبی خطیرهٔ حضرت مولوی جامی علیه الرحمه دفن نمودند انا لله وانا الیه راجعون)

مرحوم اخندزاده

ملا عبد الباقی سیاوشانی

جامع المعقول و المنقول وحاوی الفروع والاصول آخندزاده ملا عبدالباقی سیاوشانی خلف الصدق آخند ملا عبدالخالق اکتساب علوم و کمالات را از نزد والد ماجد خود نمودند در تقوی و انزوا و حدت زکاء فرید عصر بودند کتب معتبره را تدریس مینمودند بزیارت حرمین شریفین مشرف شدند در طریقهٔ علیه قادریه نسبت ارادت و خلافت بحضرت صاحبزاده میر سید شریف صاحب قادری سیاوشانی داشتند بسیاری مسلمانان مخلص و معتقد شان

و حاجی موصوف را بتعلیم طلبه حفظ قرآن مجید مقرر نمودند
از خلوص نیت و یمن همت این هر دو نفر ضعیف حق جل وعلا
مرحمت نموده هشتاد نفر حافظ تام جدید از دار الحفاظ
بنعمت حفظ قرآن مجید مشرف و بوظیفهٔ همه ساله از بیت
المال موظف شدند در شهر صفر سنه ۱۳۴۰ بحکم آیهٔ
وافیه (کل من علیها فان) جهان فانی را پدرود نموده
بعالم جاودانی شتافت چون حافظ قرآن مجید است تعیین
تاریخ وفات حافظ قرآن شد ۱۳۴۰

مرقدشان مقابل درب مزار فیض آثار حضرت خواجه
ابوالولید احمد قدس سره واقع است یزاد و یتبرک به انا لله
وانا الیه راجعون)



الهی بحرمت سه صد و چهل یک اول نظام ... تهنیت
... علیه الرحمة ... مبارک ...
... که ... همه ...
گردان بحق محمد علیه السلام و آله ...
۱۳۴۵
...

azu_acku_ds375_h5_ray258_1310: page 166: incomplete
azu_acku_ds375_h5_ray258_1310: page 172: incomplete
azu_acku_ds375_h5_ray258_1310: page 226: incomplete
azu_acku_ds375_h5_ray258_1310: page 267: incomplete
azu_acku_ds375_h5_ray258_1310: page 276: incomplete